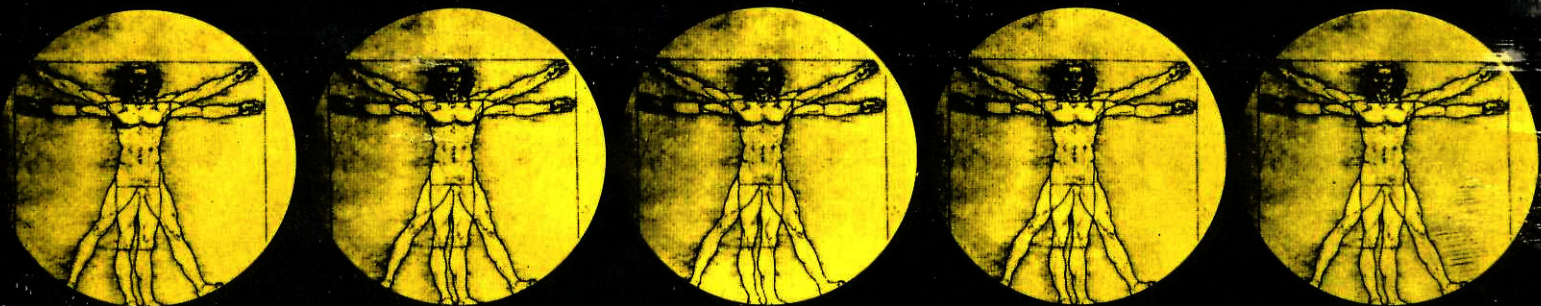


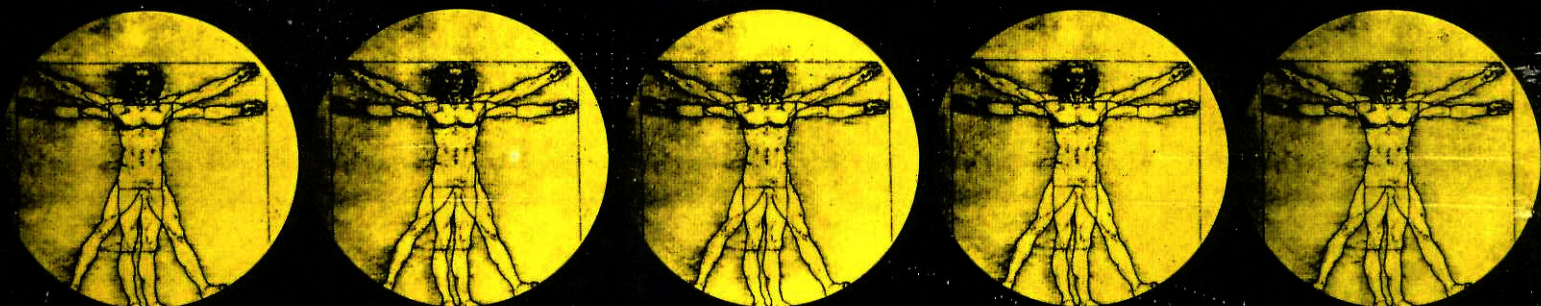
شماره مخصوص
مهرماه ۱۳۵۰
دریچه‌ای گشوده بر جهان



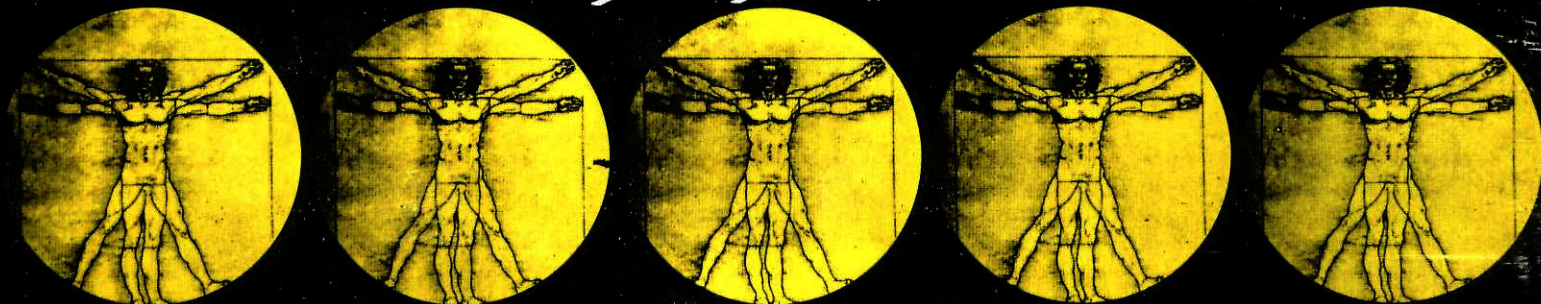
پیام



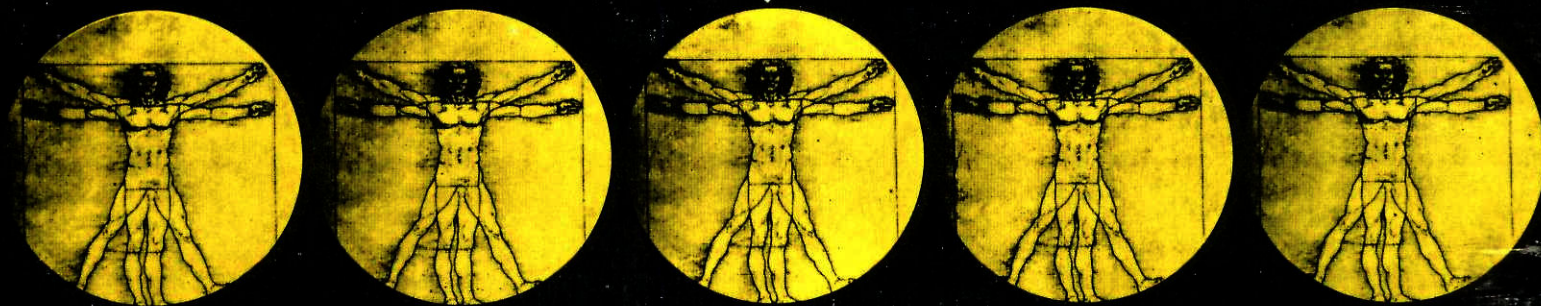
۲۵ سال



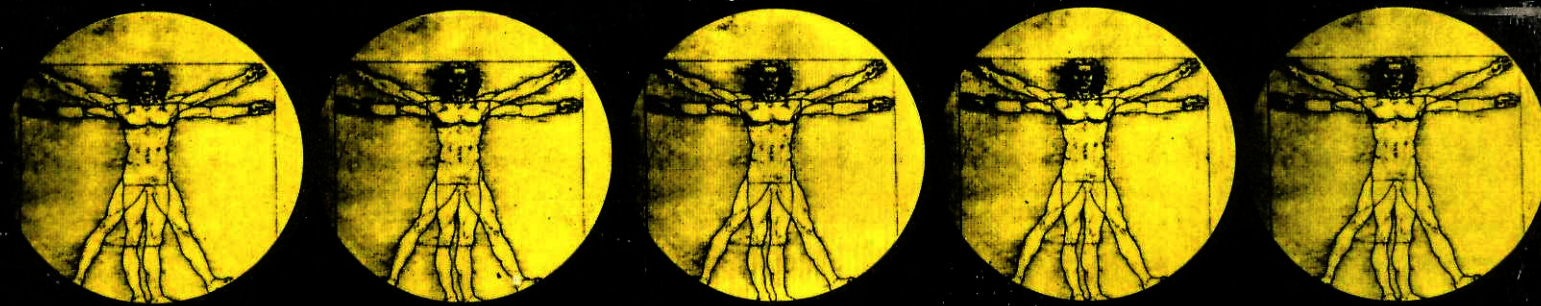
حیات یونسکو



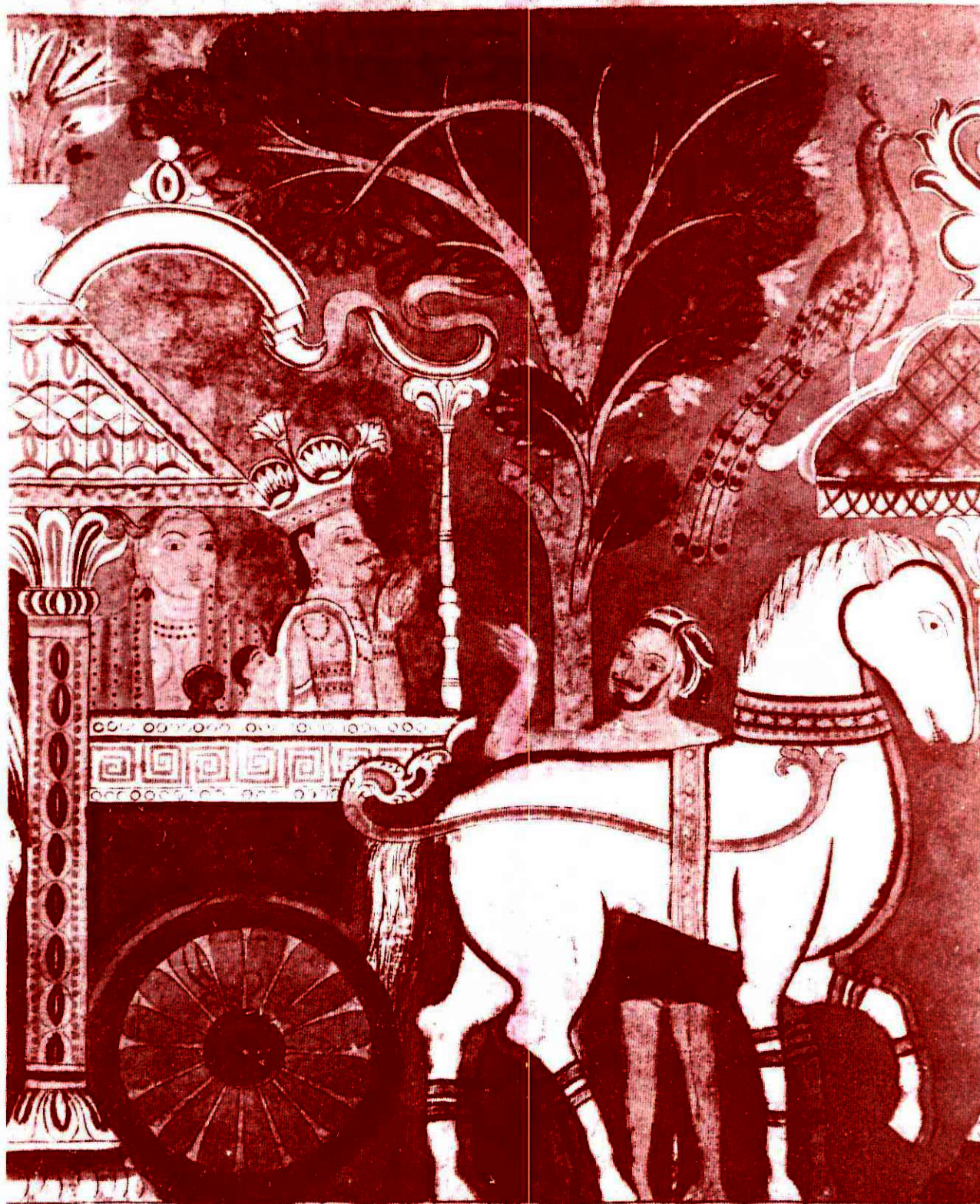
از زبان



یک جوان



۲۵ ساله



From "Ceylon: Paintings from Temple, Shrine and Rock" © Unesco

در راه ریاضت

هنرمندان بودایی در آثار نقاشی یا مجسمه‌سازی خود، هرگز از تکرار «جاناکا»ها خسته نمی‌شوند، جاناکاها افسانه‌هایی درباره زندگی قبلی بودا پیش از رسیدن به مقام آسمانی است. این نقاشی قرن نوزدهم، جزء يك ردیف از نقاشی‌های دیواری است که در معبد غارمانند مولچی ریگالا، در جنوب سیلان قرار دارد. این تصویر، روایت‌گر یکی از حوادث و سائناراجاتاكا، یعنی آخرین معلول بودای آینده در قالب پادشاهی است که تمام ثروت زمینی خود را رها می‌کند و با زن و بچه‌هایش به جنگل می‌رود تا در آنجا با ریاضت زندگی کند. این تصویر متعلق به مجموعه «نقاشی‌های معابد و عبادتگاههای سیلان» می‌باشد و یکی از ۴۴ آلبومی است که در «مجموعه هنر جهانی یونسکو» منتشر شده است. این مجموعه حاوی تعداد زیادی از شاهکارهای هنری است که ناشناخته مانده و در دسترس نمی‌باشد. آثار دیگری از گنجینه بزرگ هنر جهانی نیز در ۴۸ جلد «کتابهای هنری در قطع جیبی» وجود دارد که زیر نظر یونسکو منتشر شده است. این تصاویر را هم‌چنین می‌توان به شکل فیلمهای رنگی در مجموعه‌هایی مرکب از ۴۸ عدد، که به ابتکار یونسکو چاپ شده است، بدست آورد.

گنجینه‌های دنیای هنر

(سیلان)

شماره مخصوص
مهرماه ۱۳۵۰
دریچه‌ای گشوده بر جهان



پیام

۲۵ سال

حیات یونسکو

از زبان

یک جوان

۲۵ ساله



در راه ریاضت

هنرمندان بودایی در آثار نقاشی یا مجسمه‌سازی خود، هرگز از تکرار «جاتاکا»ها خسته نمی‌شوند، جاتاکاها افسانه‌هایی درباره زندگی قبلی بودا پیش از رسیدن به مقام آسمانی است. این نقاشی قرن نوزدهم، جزء يك ردیف از نقاشی‌های دیواری است که در معبد غارمانند مولچی ریگالا، در جنوب سیلان قرار دارد. این تصویر، روایت گر یکی از حوادث و سائناتاراجاتاکا، یعنی آخرین معلول بودای آینده در قالب پادشاهی است که تمام ثروت زمینی خود را رها می‌کند و با زن و بچه‌هایش به جنگل می‌رود تا در آنجا با ریاضت زندگی کند. این تصویر متعلق به مجموعه «نقاشی‌های معابد و عبادتگاههای سیلان» می‌باشد و یکی از ۴۴ آلبومی است که در «مجموعه هنر جهانی یونسکو» منتشر شده است. این مجموعه حاوی تعداد زیادی از شاهکارهای هنری است که ناشناخته مانده و در دسترس نمی‌باشد. آثار دیگری از گنجینه بزرگ هنر جهانی نیز در ۲۸ جلد «کتابهای هنری در قطع جیبی» وجود دارد که زیر نظر یونسکو منتشر شده است. این تصاویر را هم‌چنین می‌توان به‌شکل فیلمهای رنگی در مجموعه‌هایی مرکب از ۴۸ عدد، که به ابتکار یونسکو چاپ شده است، بدست آورد.

گنجینه‌های
دنیای
هنر

(سیلان)

پیام

مهرماه ۱۳۵۰

سال سوم - شماره ۲۵ و ۲۶

به دوازده زبان منتشر می‌شود

فارسی	عربی
فرانسه	ژاپنی
انگلیسی	ایتالیایی
اسپانیایی	هندی
روسی	تامیل
آلمانی	عبری

ماهنامه یونسکو
سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد
دفتر مرکزی مجله: یونسکو، میدان فتنه‌ها، پاریس-۷
نشانی دفتر «پیام»: خیابان روزولت، شماره ۱/۱۵۴،
تهران، صندوق پستی شماره ۱۵۳۳

نقل مطالب و تصاویر به شرط ذکر نام نویسنده و مجله آزاد است، مگر آنکه مطلبی یا عکسی با عبارت «نقل ممنوع» از این قاعده مستثنی شده باشد. از نشریات نقل کننده خواهشمند است از شماره حاوی مطلب یا مطالب نقل شده سه نسخه به دفتر «پیام» در تهران ارسال دارند.

مدیر و سردبیر:

ساندی کفلر

قائم مقام سردبیر:

رنه کالوز

معاون سردبیر:

لوجیو آتینلی

مدیران مسئول ماهنامه در زبانهای مختلف:

فارسی: فریدون اردلان (تهران)

فرانسه: ژان آلبرهس (پاریس)

انگلیسی: رونالد فتنن (پاریس)

اسپانیایی: فرانسیسکو فرناندز سانتوس (پاریس)

روسی: گئورگی استتسینکو (پاریس)

آلمانی: هانس رین (برن)

عربی: عبدالمنعم الصاوی (قاهره)

ژاپنی: میتوشی تانیکجی (توکیو)

ایتالیایی: ماریا رمیدی (رم)

هندی: کارتار سینک دوگال (دهلی)

تامیل: ن. د. ساندرا وادیولو (مدرس)

عبری: الکساندر پلی (بیت المقدس)

متصدی آرشیو: الکا رودل

میزانپاز: روبر ژاکمن

«پیام» با موافقت یونسکو، زیر نظر کمیسیون ملی

یونسکو در ایران - تهران منتشر می‌شود.

چاپ افست توسط چاپخانه ۲۵۰ شهرپور - تهران

اشتراک سالانه ۲۵۰ ریال

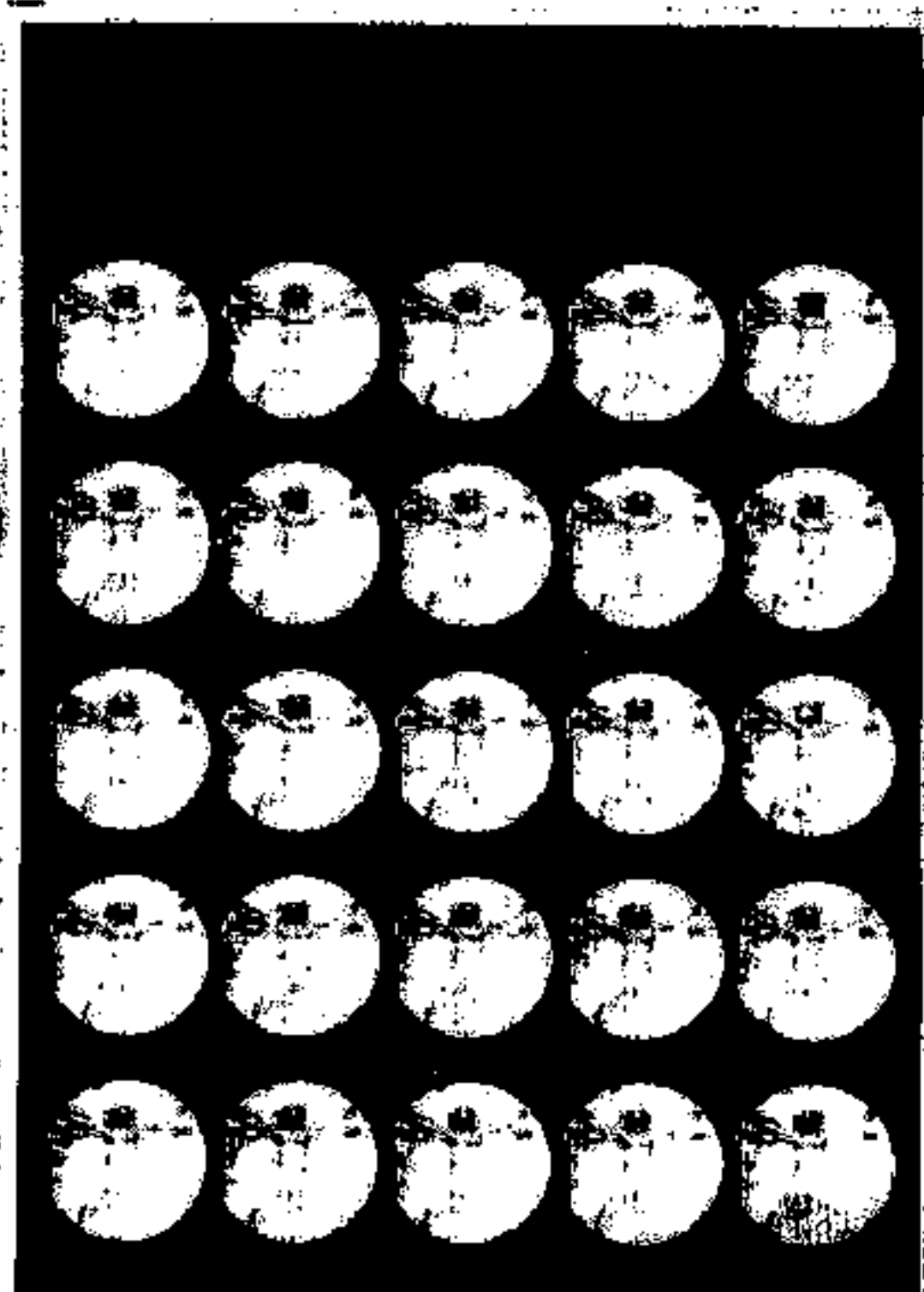
شماره مخصوص بیست و پنجمین سال
بنیاد یونسکو - بهاء: ۵۰ ریال

صفحه

۴	جوانان دنیا و جوانان یونسکو نوشتۀ رنه ماهر
۶	بیست و پنج سال حیات یونسکو از زبان یک جوان ۲۵ ساله نوشتۀ احسان نراقی
۹	مراحل ذهن نوشتۀ واین مک یوئینگ
۱۶	۱- نخست، صلح ۲- بیداری ذهن سوادآموزی
۲۱	۳- گسترش ذهن تعلیم و تربیت
۲۶	۴- نیرو و حدت ذهن جوانان
۳۱	۵- کنجکاوی ذهن علوم
۳۸	۶- خاموشی ذهن اکولوژی
۴۴	۷- ذهن خلاق فرهنگ
۴۸	۸- صیانت ذهن میراث هنری
۵۴	۹- تشبث ذهن ارتباطات
۵۷	۱۰- بازتاب ذهن اندیشه و آرمان
۶۳	انعکاس‌هایی از یونسکو در جهان
۶۰	نویسی پیروزی وابستگی بین‌المللی نوشتۀ عبدالمنعم الصاوی
۶۴	واقعیات و ارقام
۶۵	«یونسکو و ارزش‌یابی هدف‌ها و سیاست‌های مشخص دهه دوم توسعه»
۷۲	کنجینه‌های دنیای هنر در راه ریاضت (سیلان)

شرح عکس روی جلد

روز ۴ نوامبر ۱۹۷۱، یونسکو بیست و پنجمین سالگرد خود را جشن می‌گیرد. ۲۵ مدال روی جلد، نشان‌دهنده تصویر انسان جهانی اثر لئونارد داوینچی است. تصویر پشت جلد، نمایشگر کوشش مداوم مردم تمام قاره‌های جهان، برای ارتقاء زندگی خویش از راه فرهنگ، علم و آموزش است.



جوانان جوانان

نوشته رنه ماهو

مدیرکل یونسکو

در چهارم نوامبر ۱۹۷۱، یونسکو به بیست و پنجمین سال زندگی خود گام خواهد نهاد. برای تمام کسانی که طی این یک ربع قرن، با صمیمیت کامل باین سازمان خدمت کردند و از راه تعالی و پشت سر گذاشتن دائم خویش که از خصوصیات خدمت به بشریت عام و جهانی است، صد برابر پاداش گرفتند، این سالروز فرصت مهمی برای تجدید خاطره و غور در گذشته است.

معدلك به سوی آینده رو می‌کنم. برای یونسکو که رسالتش، تدارك روحیه‌ی تازه است و تمام نیروی خود را از آمیدی که در خود دارد، می‌گیرد، آینده در حکم دورنمای حقیقی است، و فکر من متوجه کسانی است که به هنگام تأسیس یونسکو هنوز زاده نشده بودند و اکنون بیش از نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و امید دنیا به آنهاست.

به این سبب بود که به حق، از یکی از این جوانان خواسته شد تا تاریخچه بیست و پنج سال اول سازمانی را بنویسد و حتی مورد قضاوت قرار دهد، که خود در آن شرکت نداشته است، و این، تاریخچه ماست. چرا که پیش از هر چیز، به خاطر هم‌نسلان او بود که ما این دوره را زندگی کردیم: دوره پس از «جنگ بزرگ و وحشتناک»، که نزدیک بود در آن غرق شویم، تا به امروز که باید کار خود را عرضه بداریم، و این کار در قبال نسل‌های آینده هنوز بسیار ناقص است. حتی اگر این جوانان در برخی موارد، اعمال و مقاصد ما را قبول نداشته باشند، طبیعی است که ما باید از آنها بپرسیم آیا نتایج بدست آمده با آنچه مورد انتظار ایشان است، تطابق دارد یا نه؟

طی دوره‌ی که گذشت، یونسکو با موقعیت‌ها و وظایفی روبرو شد که بنیان‌گذارانش پیش‌بینی نکرده بودند. مثل جنگ سرد در سالهای ۵۰ و کمک به توسعه در سالهای ۶۰. یونسکو برای انجام این وظایف، قدرت تطابق و نوآوری خاصی از خود بروز داد که نشانه زنده بودن آن و در عین حال بنحوی گویا، مبشر موجودیت و آینده این سازمان است.

طی سال‌های آینده که به نظر من، به دوره تازه‌ی منتهی خواهد شد، این کیفیات برای

دنیا و یونسکو

یونسکو، ضرورتی ویژه دارند. با این سخن، منظور من یادآوری حوادث سیاسی - یعنی تغییراتی که در روابط بین دولت‌ها بوجود آمده است - نیست، با آنکه برخی از این حوادث بسیار مهم هم‌اکنون در حال تکوین‌اند. من به تغییرات عمیق‌تری می‌اندیشم که در بینش‌ها و رفتارهای انسان در حال پیدایش است و معنای وجود و نظم جامعه را در معرض سؤال قرار می‌دهد.

تقریباً در همه جا، به ویژه نزد نسل‌های جوان کیفیت زندگی شخصی، بیش از پیش، چون تنها توجیه واقعی کوششی تلقی می‌شود که لازمه قدرت و رفاه اجتماع است. و روشن است که کیفیت زندگی مطلوب - که گاه در فرار یا عصیان جستجو می‌شود - برای بسیاری از افراد، مستلزم تجدید نظر در ارزش‌های معتبر امروزی است. توسعه، بیش از پیش از رشد خشک و خالی دور می‌شود. رشد برای چه؟ این سئوالی است که مطرح است.

بدین ترتیب می‌توان یقین داشت که آموزش، علوم، فرهنگ و اطلاعات، که رشته‌های مختلف تربیت، تحقیق و بیان افکار محسوب می‌شوند و انسان از راه آن می‌تواند هدف و توضیحی برای شرایط زندگی خود بیابد، طی ربع قرن آینده، در صدر مسائل حکومت‌ها و ملت‌ها قرار خواهد گرفت. این امر برای آموزش، هم اکنون به انجام رسیده است. آنچه بحران آموزش نامیده می‌شود و در واقع لزوم نوسازی آن است، به اشکال و درجات مختلف، در تمام جهان، بارز است. و حتی به نظر عده‌یی، این «بحران» فقط پیش‌آگهی يك انقلاب فرهنگی عظیم است که در حال تکوین می‌باشد.

در برابر این جهش‌های ناگهانی و بزرگ که هنوز جهت مشخصی ندارند، شایسته است که جوانان یونسکو را به جوانان جهان سپرد، چرا که سرنوشت آنها بهم بستگی دارد.

بیست و پنج سال حیات یونسکو از زبان يك جوان ۲۵ ساله

نوشته احسان نراقی

چیزی بنویسد، نمایشگر علاقه شدید جوانان جهان به یونسکو و نیز توجهی است که یونسکو به جوانان و مسائل مربوط به آنان دارد، و حتی بالاتر از این، نشان دهنده تحول فکری یونسکو نسبت به مسائل جوانان طی يك ربع قرن است.

می‌توان گفت که پیش از سال ۱۹۶۸، توجه یونسکو بیشتر معطوف به فعالیت‌های ایام فراغت و ورزش جوانان بود. ولی در ۱۹۶۸ مسائل جوانان، چون مسائلی در ارتباط مستقیم و نزدیک با جامعه مورد نظر به عنوان يك كل، تلقی شد. و هنگامی که روشن گردید مسائل جامعه به عنوان يك كل، مستقیماً با جوانان مربوط است، گام جدیدی به پیش برداشته شد.

در ۱۹۶۹، یونسکو نخستین دوره درس‌های تابستانی را برای دانشجویان تمامی جهان ترتیب داد؛ از آن پس، این دوره درس‌ها سالانه شد و هدف از آن شرکت‌دادن کامل جوانان در فعالیت‌های یونسکو است و یونسکو متقابلاً، از تصویر تازه و برخورد جدیدی که نظر جوانان نسبت به مسائل ایجاد می‌کند، بهره‌مند می‌گردد. بدین ترتیب جریان دوگانه‌یی از تبادل بوجود می‌آید.

هر يك از این دانشجویان به رشته‌یی که در آینده به فعالیت‌های او اختصاص خواهد یافت، توجه می‌کند، دانشجویی که در نظر دارد در امر آموزش کار کند، امکان دارد که کار متخصصان بخش آموزش را در يك طرح سوادآموزی توأم با حرفه، مثلاً در آمریکای جنوبی، مورد توجه قرار دهد؛ يك دانشجوی زمین‌شناسی می‌تواند در بخش علوم، روش‌های جدید پیش‌گیری از زلزله‌ها را مطالعه کند.

در چهارم نوامبر ۱۹۷۱، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، بیست و پنجمین سالگرد خود را جشن می‌گیرد. به این مناسبت، «پیام یونسکو» این شماره مخصوص خود را به یونسکو، آنچنانکه هست، با موفقیت‌ها، ناکامی‌ها و مسائلیش، از نظر تسل جدید اختصاص داده است.

تابلویی که بدین ترتیب پس از ماه‌ها مشاهده و نظر خواهی، چه در مقر یونسکو در پاریس و چه در خارج ترسیم شده است، این مطالعه زنده مسائل که توسط واین‌مک‌یوئینگ، دانشجوی جوان کانادایی صورت گرفته است، چشم‌اندازی تازه از کارهایی پدید می‌آورد که توسط کم تخصص‌ترین مؤسسات تخصصی سازمان ملل انجام می‌پذیرد.

تمام امکانات در اختیار واین‌مک‌یوئینگ قرار گرفت و او توانست یونسکو را از تمام جنبه‌ها مورد بررسی قرار دهد. او، تابلویی سرشار از طراوت و تازگی و شور و شوق، همراه با انتقاد صمیمانه تام و تمامی که خاص جوانان است، ترسیم کرده است.

اینکه چطور مک‌یوئینگ به آنجا رسید که درباره یونسکو

احسان نراقی، مدیر بخش جوانان در یونسکو، يك جامعه‌شناس ایرانی است که سال‌ها در فعالیت‌های انجمن‌های علمی بین‌المللی شرکت داشته است. او در سال ۱۹۶۵، برای سازمان ملل متحد، نخستین بررسی درباره فرار مغزها را در مقیاس جهانی انجام داد. از سال ۱۹۷۰ به بعد، او در دانشگاه ونسن (فرانسه)، درباره جوانان، آموزش و جامعه در دنیای سوم تدریس می‌کند، و مجموعه این دروس به‌زودی از طرف انتشارات فرانکلین در تهران منتشر خواهد شد.



پس از پایان دوره سه ماهه، در حدود بیست دانشجویی که به این کارآموزی اشتغال دارند، به ارزیابی آنچه فراگرفته اند می پردازند و ملاحظات و انتقادهای خود را درباره روش های کار یونسکو بیان می کنند.

و این مك یوئینگ نخستین دوره این درس ها را گذرانده و در کار دفتر اطلاعات عمومی و بخش آموزش عالی مطالعه کرده است. پس از سه ماه، او می دانست درباره ارزش کار یونسکو چگونه باید فکر کرد. اما او هم چنین به لزوم توضیح این کار برای جوانان، به نحوی که آنان نیز خود را مسئول حس کنند، اعتقاد داشت و حق کاملاً با او بود، بویژه در مورد جوانان کشورهای پیشرفته، که کمتر از جوانان ممالک در حال رشد، با یونسکو و کارهایش آشنایی دارند.

مك یوئینگ پس از بازگشت به کانادا، در نامه ای برای آقای رنه ماهو مدیرکل یونسکو، نظر خود را روشن کرد. و بدین ترتیب بود که مجدداً دعوت شد به مقر یونسکو در پاریس بیاید و اختیار کامل یافت که تاریخ یونسکو را چنانکه می خواهد، بیان کند.

مك یوئینگ، اظهار نظر نمایندگان کشورهای عضو را گوش داد، از کارشناسانی که از مأموریت خود در محل برمی گشتند سئوالهایی کرد و کارکنان دبیرخانه را به هنگام کار مورد مشاهده قرارداد.

فلسفه زندگی و بینش آنان از جهان و جامعه کنونی هرچه باشد، جوانان تقریباً در همه جا، با شور تمام تحقق آرمان های یونسکو را هدف قرار داده اند. و یونسکو به نوبه خود با همان شور و حرارت، در پی ایجاد گفتگو با جوانان

جهان و قراردادن يك كرسی در اختیار آنان است.

اما یونسکو به خوبی واقف است که به نظر جوانان، همکاری بین المللی، که به وسعت ظاهری خود رسیده باشد، هنوز آنقدر پیش نرفته است که اختلاف بین فقیر و غنی درون يك جامعه، یا بین کشورهای پیشرفته و در حال رشد را، از میان بردارد. می داند که عمیق شدن این شکاف، خطری را بوجود می آورد و جوانان را به انتقاد از جامعه یی می کشاند که در آن، پیشرفت و ترقی بیشتر از جنبه کمی مورد توجه قرار می گیرد تا از نظر نوسازی و تغییرات اجتماعی.

واز ورام این نقد همکاری بین المللی، بسیاری از جوانان، در تصمیمات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جاری بدیده شك می نگرند. به عقیده آنان کسی که در مقابل مسابقه تسلیحاتی، فشار و اختناق وارد بر گروه های انسانی یا افراد، و فساد و اتلاف منابع طبیعی، ساکت و بی حرکت بماند، نمی تواند به درمان بیماری های جهان امیدوار باشد. تمام این نگرانی ها و تمام این خواست ها، در عمل تحقق نمی پذیرند، مگر آنکه اعضای جامعه بین المللی وارد مرحله تازه یی از همکاری بین ملت ها شوند. برای این همکاری، نیروی خلاق جوانان شرط موفقیت در آینده است.

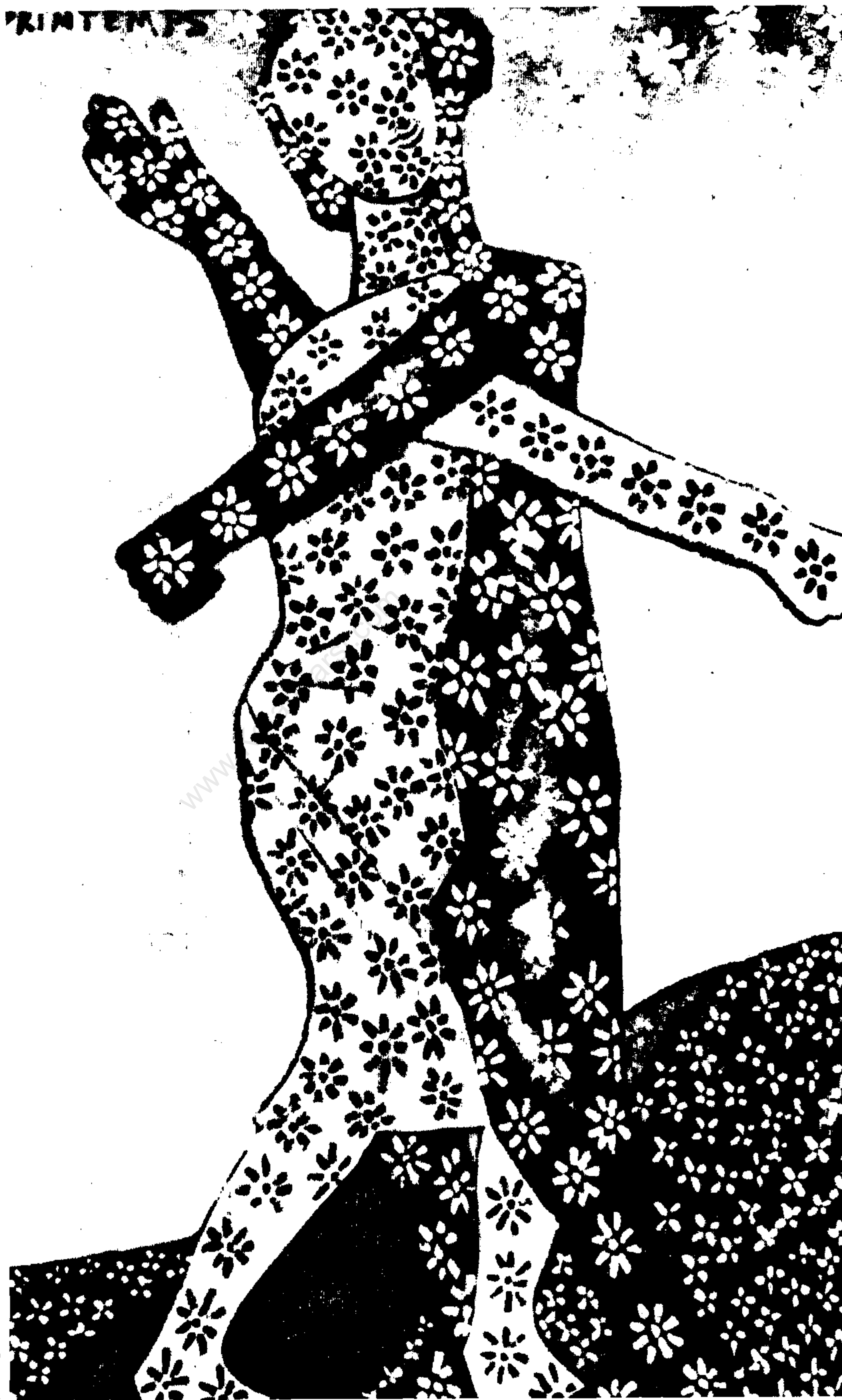
ما امیدواریم که انتشار این سلسله مقالات به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد یونسکو، بتواند در میان خوانندگان جوان و غیر جوان ما، درباره شرکت یونسکو در توسعه آموزش، علم و فرهنگ در جهان، و نیز درباره مسائل مورد توجه جوانان در امر همکاری و صلح بین المللی، مباحثه پردامنه یی را ایجاد کند.

«از آنجا که جنگ
از ذهن انسان سر-
چشمه می‌گیرد،
دفاع از صلح را
باید در ذهن جای
داد»

از اساسنامه سازمان
آموزشی، علمی و
فرهنگی ملل متحد

«بهار»، تابلوی رنگ و روغن
از فرانسیس پیکابیا نقاش
فرانسوی، سال ۱۹۳۸.

Photo © John D. Schiff Galene Rose Fried, U.S.A.



مراحل ذهن

۱- نخست، صلح

نوشته واین مک یوئینگ



و این مک یوئینگ (Wayne McEwing) یک جوان کانادایی است که به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه انتاریو، در کانادا، مشغول است. او در حال تهیه رساله‌یی در اکثر کالج آکسفورد (انگلستان) و دانشگاه هاروارد، در آمریکاست.

بنظر می‌رسید. او سرش را که بلند کرده بود، دیده بود که همسایه‌اش باختم تمام به‌سوی او می‌آید، و پیش‌از آنکه بتواند واکنشی از خود نشان دهد، دیده بود که همسایه، با دستانی که هنوز سنگ را در خود می‌فشرد، در مقابل او به زمین خورد و جان سپرد. تا پایان روز او نتوانست بفهمد که در فکر آن مرد چه گذشته، و این بحران خشونت وحشیانه چگونه به‌او دست داده است.

نتیجه داستان شاید روشن باشد ولی بهیچ‌وجه ساده نیست. خشم و حس صلح‌طلبی، هردو مربوط به روحیاتی کاملاً شخصی است. هردو از پنهانی‌ترین زوایای ذهن سرچشمه می‌گیرند.

کافی نیست بگوییم این دهمرد، روحیات مختلفی داشتند، نمی‌توان به‌این گفته قانع شد. بین این‌دو، اختلاف بطور واضح ناشی از ارزش‌ها بود. مردی که با دنیا هم‌آهنگی داشت، بهتر و «انسانی‌تر» از دیگری بود.

می‌توان با تعمیم این معنی، گفت که تنها ملت واقعاً انسانی، ملتی است که افرادش دارای همین روحیه صلح‌طلبی باشند. زمانی گمان می‌رفت که می‌توان انسانها و دولتها را با وضع مقرراتی بین آنها، به زندگی در کنار هم واداشت. ولی امروزه این سدها و موانع بسیار بالاتر رفته‌اند و ما کم‌کم متوجه می‌شویم که این نوع صلح تحمیلی بیش‌از اندازه ناپایدار و خطرناک است.

کجا می‌توان در جهانی سرشار از اختلاف نظر و خودخواهی، چنین روحیه صلح‌جویی بین

این، داستان قدیمی دهمردی است که زمین خود را شخم می‌زدند. زمین پراز سنگ و فصل نامساعد بود. یکی از مردان درحین کار لبهایی بهم‌فشرده و چشمانی سخت و تیره داشت، او می‌اندیشید که زندگی بسیار مشقت‌باری دارد، پاهایش درد می‌کند. اسبش آنطور که دلخواه اوست، تند نمی‌رود، و البته، محصول گندم همسایه بهتر و فراوان‌تر از مال او خواهد شد.

همسایه او طی این مدت، با سرزندگی و خوشحالی کار می‌کرد. او می‌کوشید که شیارهایش کاملاً صاف باشد و گهگاه از کار بازمی‌ایستاد تا مادیانش استراحت کند.

آفتاب هردو را خسته کرده بود و گرما مرتب زیاد می‌شد. دهقان اولی از شلاق‌زدن اسب خود باز نمی‌ایستاد، عرق‌بدرون چشم‌هایش سرازیر شده بود، دستهایش محکم به اراجه چسبیده و رگهای آن متورم شده بود، او گمان می‌کرد که همسایه‌اش به‌عمد، و برای مسخره کردن او، اینقدر آهسته‌کار می‌کند و این فکر او را آشفته‌تر می‌ساخت. اندیشید که اگر اسب همسایه مال او بود، دوبرابر سریع‌تر و راحت‌تر شخم می‌زد.

ناگهان اراجه را متوقف کرد و درحالی که زبانش خشک شده بود، بزرگترین سنگی را که در دسترسش بود برداشت و با فریادی وحشیانه، به‌سوی آن دیگری حمله برد.

فردای آن روز، همسایه به‌سرکار باز گشت. این‌بار او دواسب باخود داشت، ولی باز آهسته‌تر از معمول کار می‌کرد، و از حادثه روز پیش غمناک



یونسکو در پاریس

این عکس هوایی که بخشی از ساحل چپ رود سن را در پاریس نشان می‌دهد، از فراز يك هلیکوپتر گرفته شده است. در این عکس (سمت چپ و پایین)، مقر یونسکو در پاریس و به‌ویژه ساختمان اصلی دبیرخانه به شکل مثلثی سه‌پر، به وضوح دیده می‌شود. مجموعه این ساختمانها در میدان فونتنوآ، و در انتهای مجتمعی از ساختمانهای مشهور پاریس قرار گرفته است؛ پل ایفنا (سمت راست و بالای عکس) که به برج ایفل منتهی می‌شود و (بمناسبت عمودی بودن نسبتاً کامل عکس به سختی می‌توان آنرا پیدا کرد)، باغ‌های «شان دومارسی» (میدان مشق) و «اکول میلی‌تر» (مدرسه نظام)، مقر سابق یونسکو، محل



Photo © Institut Géographique National, Paris

یادگانه‌های سواره نظام بود. این بنا که در سال ۱۹۵۸، با معماری کاملاً مدرن افتتاح شد، از آن پس برای اهالی پاریس، بصورت منظره شناخته شده‌ی درآمده است. قسمت پررنگی که در گوشه چپ محل یونسکو، در عکس دیده می‌شود، سقف ساختمان اصلی کنفرانس-هاست. در کنار آن شش مستطیل بنظر می‌رسد که عبارتند از شش مجموعه مرکب از دفاتر و تالارهای کنفرانس زیر زمینی که در مدخل هر يك باغچه یا چشمه‌ی قرار دارد. یکی دیگر از ساختمان‌های یونسکو که در این عکس دیده نمی‌شود، به تازگی در نزدیکی مقر این سازمان بنا گردیده است.

این درست سئوالی بود که در پایان جنگ دوم جهانی در مقابل بنیان‌گذاران سازمان ملل متحد قرار داشت. گردآوردن حکومت‌ها به دور یکدیگر، فرستادن غذا و دارو برای میلیون‌ها انسان نحیف و ضعیف، کار بسیار خوبی بود، ولی حتی در این زمینه، کفایت نمی‌کرد و بسنده کردن به این اقدامات به این میمانست که به شخص محرومی، بدون توجه به جراحات او، داروهای بی‌حس‌کننده و مقوی بخوراند.

بنیان‌گذاران سازمان ملل پی‌بردند که برای تشویق صلح و سعه‌صدر، فکر انسانها را باید تغییر داد. با حرکت از این اصل که وقتی دیدیم چطور فکر همسایه کار می‌کند، وقتی دیدیم این همسایه چه غذایی می‌خورد، چه کاری کرده است چه از دنیای اطراف خود فرا گرفته است، چگونه در خانواده و محیط فرهنگی خود بارآمده است، و بالاخره چه نظری نسبت به شما دارد، وقتی همه اینها را فهمیدیم، آنوقت قریباً غیرممکن خواهد بود از او نفرت داشته باشیم. فکر انسان نمی‌تواند چیزی را که سعی در فهمیدنش دارد، طرد کند.

بنظر می‌رسید که، معلومات علمی، زمینه آموزشی، میراث فرهنگی و زمینه‌های کار مناسبی باشند فکر زیاد لازم نبود تا معلوم شود که در تمام این موارد، افرادی در جهان وجود دارند که چندین سال نوری از یکدیگر فاصله دارند. برخی از انسانها کاملاً در عصر حجر به سر می‌برند. جامعه به آنها غذا می‌دهد، تبریزیشان را می‌گیرد (و گاه در عوض تفنگ در اختیارشان می‌گذارد) ولی هنوز برای وارد کردن ایشان به قرن بیستم کاری صورت نداده است.

بدین ترتیب سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، در برابر وظیفه تربیت و رشد فکری انسانها قرار گرفته است. این سازمان البته باید این انسانها را به صلح راهنما باشد، ولی پیش از آن اغلب لازم است به آنان یاد دهد که نام خود را بنویسند، در مزرعه‌یی بذر بپاشند و یا تراکتوری را براه بیاورند.

باید انصاف داد که سازمان ملل متحد با تأسیس یونسکو، فقط آرمان‌پرستی خود را به منصه ظهور رساند. تنها اندیشه بالابردن سطح آگاهی تمام مردم جهان، فکری حیرت‌انگیز است. واضح است که هر نوع پیشرفت با آهستگی دردناکی انجام خواهد شد. ولی از این امر، هیچ کس بهتر از کسانی که در مقر یونسکو در پاریس کار می‌کنند، اطلاع ندارد. کمتر کاری به خسته‌کنندگی این وجود دارد که بکشیم يك طرح آرمان‌خواهانه را تحقق بخشیم.

اگر بخواهیم يك سازمان را به هر نحو که باشد - درك کنیم، و اگر بخواهیم واقعاً به بینیم که این سازمان چگونه کار می‌کند، عقل حکم می‌کند که به بینیم چه کسی در آنجا تصمیم می‌گیرد، یا حتی به زبانی گستاخانه‌تر، پولش از کجا می‌آید. در یونسکو، تصمیم‌ها در کنفرانس عمومی

صدوبیست و پنج کشور عضو، اتخاذ می‌شوند. در این کنفرانس‌ها که هر دو سال یکبار برگزار می‌شوند، هريك از هیئت‌های نمایندگی، از اختیارات کافی برخوردار است و حق يك رای دارد، و این امر مستقل از اختلاف بزرگی است که در درجه مشارکت کشورهای مختلف و مبالغی که به یونسکو می‌پردازند، وجود دارد. در بخش‌های مختلف یونسکو در پاریس، مجموعه‌یی از پیشنهادها، های مشخص تهیه و تدوین می‌شود. این پیشنهادها مربوط به طرح‌هایی است که نفع تمامی کشور-های عضو را در نظر دارد و می‌باید وارد مرحله اجرا گردد یا اجرای آن دنبال شود. این پیشنهادها به کنفرانس عمومی تسلیم می‌شوند و آنوقت باید منتظر بود و دید که آیا اکثریت، حاضر به پذیرش آنها هست یا نه.

بایك ارباب سروکار داشتن، همیشه کار آسانی نیست. اما صدوبیست و پنج ارباب، که هر يك نظری خاص و منافعی ویژه دارند، زندگی را به نحو غیرقابل تصویری پیچیده می‌کند. برای آنکه به زبانی نرم و دوستانه حرف زده باشیم، باید بگوییم که پست مدیر کلی یونسکو (در پاریس، که آن را با کمال احترام D.G می‌نامند) مستلزم داشتن حس ادراك و تفاهم نامحدودی است. اما آنچه طی سال‌ها، با قدرتی روزافزون، خود را نشان داده است، اینست که صدوبیست و پنج کشور عضو واقعاً می‌توانند بایکدیگر کنار بیایند، به ظاهر، تقریباً هیچ امکانی برای رسیدن به توافق وجود نداشت، معذك حقیقتاً می‌توان آنها را در مورد يك طرح، وادار به همکاری نمود.

در توزیع کشورهای عضو، تغییر جالبی داده شده است. در ابتدا فقط بیست کشور عضو وجود داشتند که همگی به مجموعه فرهنگی واحدی تعلق داشتند که به «تمدن غرب» مشهور است. محیط طوری بود که انسان را بیاد باشگاهی از روشنفکران ظریف بعد از جنگ می‌انداخت. ولی از آن‌پس، تحولات زیادی بوقوع پیوست. ملت‌های جدیدی به صورت خانواده‌های فرهنگی (به ویژه در آفریقا) بوجود آمدند و محیط سازمان را کاملاً عوض کردند. در مقر دبیرخانه، وقتی سوار آسانسور می‌شویم یا نگاهی به تالار اجتماعات می‌اندازیم، می‌بینیم که به خلاف موارد دیگر، خود را در يك ساختمان معمولی و در يك شهر و کشور خاص حس نمی‌کنیم. اینجا ساختمانی است به شکل تمام زمین، نخستین چیزی که نظر را جلب می‌کند، گوناگونی سبك لباس‌هاست، بعد گوناگونی فراوان زبان‌ها، که تشخیص آن از راه گوش همواره ممکن نیست، و ترجمه هم‌زمان آنها به پنج زبان رسمی: انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی، روسی و عربی.

مهمتر از آن، در مورد کار یونسکو، باید متذکر شد که دیگر تنها به مسئله تبادل فکر توجه نمی‌شود. امروزه، واژه رایج، «توسعه» است. یونسکو در زمینه آموزش، علم، فرهنگ و ارتباطات نقشی فعالی دارد، بنحوی که در مقابل هريك از کارکنان دبیرخانه، دوفز در طرح‌های بقیه در صفحه ۱۴

تاریخ بشریت

«تاریخ بشر» یکی از قابل ملاحظه‌ترین آثار است که طی بیست و پنج سال حیات یونسکو در شش جلد تهیه شده است. این اثر بزرگ سرشار از نوآوری است، به این معنی که خواسته است به نحوه ادراك تاریخ جهان، جنبه‌یی بین‌المللی بدهد. در این اثر که تحت سرپرستی یونسکو و به مسئولیت کمیسیون بین‌المللی مامور تدوین تاریخ توسعه علمی و فرهنگی بشر، نوشته شده است، تاریخ انسان، از دوران ماقبل تاریخ تا قرن بیستم، مورد مطالعه قرار گرفته است. بیش از هزارمورخ، فیلسوف و متخصص از ۶۳ کشور، بمدت ۱۶ سال برای تهیه این تاریخ زحمت کشیده‌اند. این کتاب شامل ۷۰۰۰ صفحه است و دارای ۸۵۵ صفحه تصویر و ۱۰۸ تصویر رنگی خارج از متن می‌باشد. این اثر تا کنون به هفت زبان منتشر شده است (فرانسه، انگلیسی، اسپانیایی، یونانی، هلندی، سربو، کروات، و سلوونی) و ترجمه‌های عبری و کاتالان آن نیز در دست تهیه است. «تاریخ بشر»، به عکس سایر تاریخ‌های جهانی که بر جنگ‌ها و منازعات بین‌الملل تکیه می‌کنند، کوشیده است تا از دیدگاهی واقعاً کلی، توسعه علمی و فرهنگی بشر را مورد ملاحظه قرار دهد. کتاب یونسکو با کنار گذاشتن دیدهای ناسیونالیستی سنتی از تاریخ، طی بررسی مشروحي نشان می‌دهد که پیشرفت علمی، مذاهب و حوادث فرهنگی، رویدادهای اقتصادی و اجتماعی، اشکال بیان هنری و تفکر علمی بسیاری از ملت‌ها و فرهنگ‌ها، متقابلاً چگونه یکدیگر را بارور می‌کنند.



104. (16,5 x 8)

From "Estampages Han" by Zao Wou ki and Claude Roy, Club Français du Livre, Paris

بالا: يك Frottis چینی متعلق به دوره‌ی «هان» (۴۰۶ - ۴۴۰ پیش از میلاد)
پایین: روی کتیبه‌ی یی که توضیح این نقاشی دیواری، درساختمان دانشکده حقوقشهر کیتوچنین ذکر شده است :
«چرا آزادی؟ برای تحقق بخشیدن به رؤیاهای شما». موزائیکی که در این جا بکار رفته است، اثر گایاسامین
مشهورترین هنرمند زنده کشور اکوادور است.

Photo © Holmes-Camera Press



نخست، صلح (بقیه)

یونسکو، در محل مأموریت خود به کار مشغولند. و این امور، طیفی وسیع و حیرت انگیز از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد. کارشناسی به عنوان مشاور، در تأسیس يك دانشگاه در عراق می‌کوشد، یکی دیگر به کار ترمیم يك معبد باستانی در اندونزی مشغول است، دیگری سرگرم بررسی يك طرح زیست‌شناسی اقیانوس‌ها در يك مرکز تحقیقی مکزیك است.

باز مسئله پول مطرح می‌شود. خرج تمام این طرح‌های یونسکو را که می‌دهد؟ اگر کارکنان سازمان فقط بودجه خاص خود را در اختیار داشتند ۹۵ میلیون دلار می‌توانستند پیشنهادهایی عرضه کنند، برای برخی از کشورها، مطالعاتی انجام دهند و کنفرانس‌هایی ترتیب دهند. اما برای اجرای طرح‌ها، تقریباً دستشان بسته بود. بدین ترتیب یونسکو به صورت اداره کننده پول‌های دیگران درآمد است. از مبالغ هنگفتی که در ملل متحد به توسعه جهانی اختصاص داده شده است، یونسکو بخش مهمی را برداشت می‌کند (زیرنظر تیزبین ادارات ملل متحد در نیویورک) و آنرا در راه طرح‌های خود برای توسعه فکری مصرف می‌کند.

گاه اتفاق می‌افتد که سازمان‌ها یا کشورهایی، کمک ویژه‌یی به این یا آن طرح در گوشه دیگری از دنیا، می‌کنند در این موارد، یونسکو نقش مشاور مالی را بازی می‌کند.

هنگامی که از کمک به يك کشور صحبت می‌شود، اغلب چنین استنباط می‌گردد که این کمک، هدیه‌یی است که کشورهای موسوم به غنی کرده‌اند. در واقع کشورهایایی که کمک دریافت می‌کنند، وظیفه دارند که در مخارج مالی طرح‌ها سهیم شوند و بخش اعظم کارها را خودشان انجام دهند. ممکن است اظهارنظرها و تجهیزات در اختیارشان قرار گیرد، ولی حتی-الامکان آنها باید مخارج خود را بپردازند و بخود کمک کنند.

سؤال مهم دیگری پیش می‌آید. چطور می‌شود که یونسکو تصمیم می‌گیرد فلان طرح را در فلان کشور اجرا کند و نه در جای دیگر؟ آیا برای این کار افرادی به کشورهای مختلف می‌فرستد تا به آنها توضیح دهند که سیستم آموزشی‌شان بد است و باید کمی خود را تکان بدهند و در سطح فکری به همکاری بپردازند؟ این کار ساده‌یی است. در عمل، خود کشورها هستند که باید تصمیم بگیرند. و وظیفه یونسکو آنست که منتظر بماند تا کشورهای عضو از او نظر بخواهند.

فرض کنیم يك کشور خیالی به نام سوچ وجود دارد که عضو یونسکو است. هر دو سال یکبار، مقامات عالی رتبه سوچ به پاریس می‌آیند (تصادفاً ممکن است یکی از نمایندگان، جوانی با آینده درخشان باشد که کار خود را در کشور زادگاهش شروع کرده است. برای او، خود کنفرانس می‌تواند در حکم آموزش باشد). در قصه ما، در رأس هیئت نمایندگی سوچ، مرد

مطلع و جذابی قرار دارد که در خارج از کشور درس خوانده و بعد به زادگاهش برگشته است تا در محیط آموزشی، اعتباری برای خود دست و پا کند.

او سرشار از شور و هیجان به خاطر طرحی که مدت‌هاست در نظر دارد، به پاریس می‌آید. بی شک، سوچ کشوری است کوچک و فقیر، ولی از سالهای نوجوانی نماینده ما تا به امروز، کیفیت مدارس آن بنحوی خارق‌العاده بهبود یافته‌اند. و نماینده ما عقیده دارد که زمان آن فرا رسیده است که به کمک یونسکو، دانشگاه سوچ تأسیس شود.

پیشنهادهای او با کمال دقت و در جزئیات مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این پیشنهادها حاوی برآورد مخارج، مطالعات و کمکی است که باید از یونسکو خواسته شود و نیز شامل تمام نکاتی است که جالب به نظر می‌رسد. بادیدن متخصصان امر آموزش در این سازمان، شور و شوق خود نماینده هم به آن اضافه می‌شود. کارشناسان به حرف‌های او گوش می‌دهند، سئوالاتی می‌کنند، به فکر فرو می‌روند، طرح سوچ را با طرح‌هایی که خود بررسی کرده‌اند، قیاس می‌کنند، به تحلیل اقتصاد کشور و وضع سیاسی آن می‌پردازند. طرحی با چنین دامنه و وسعت، ممکن است به چند سال کار نیاز داشته باشد، بنابراین مفت تمام نمی‌شود، و از طرف دیگر فریبندگی‌اش هر چقدر زیاد باشد، فکر آن باید از تمامی جنبه‌های ممکن مورد بررسی و انتقاد قرار گیرد. نه فقط به خاطر آنکه یونسکو وقت و پول کشورهای دیگر را به هدر ندهد، بلکه هم چنین و به ویژه برای کسب اطمینان از اینکه سوچی‌ها وارد اقدامی نشوند که از عهده‌شان خارج است.

در ابتدا، سئوالهایی که از طرف یونسکو پیش کشیده می‌شود، تصادفی است و جنبه اطلاعاتی دارد، ولی هرچه مذاکرات پیش‌تر می‌رود، این سئوالها صورت مجموعه‌یی همبسته را به خود می‌گیرند. طی این مذاکرات، کارشناسی سئوال می‌کند که در سوچ چند مهندس سالانه تربیت می‌شوند و چه آموزشی می‌بینند. آیا برای تحصیل مجبورند به خارج بروند یا نه؟ نماینده سوچ نمی‌تواند جواب دقیقی بدهد ولی فکر می‌کند که دست بالا سالی چهار یا پنج مهندس تربیت می‌شوند. او می‌گوید که کار آموزش علمی و فنی در کشورش «نگرفته» است، اغلب اشخاص می‌خواهند در مسائل انسانی مطالعه نمایند و معلومات عمومی پیدا کنند. این توضیح توجه کارشناس یونسکو را جلب می‌کند و مبحثی را پیش می‌آورد که بسیار آشناست: همه این دیپلمه‌های رشته هنری، از کجا کار پیدا می‌کنند و سوچ بدون داشتن تکنیسین، چطور می‌خواهد تکنولوژی خود را توسعه دهد؟ شخص دیگری، سئوال دیگری می‌کند: این دانشگاه برای آنکه بتواند واقعاً منعکس کننده فرهنگ سوچ باشد، باید چه شکلی بخود بگیرد؟ این سئوال، نماینده را گیج می‌کند. او هرگز

به پیوند يك سیستم آموزشی و يك فرهنگ ویژه نیندیشیده بود، هرچه بیشتر فکر می‌کند می‌بیند تصویری از این دانشگاه که در فکر اوست، بیشتر نشان دهنده خود او و تجربیات ویژه‌اش می‌باشد تا منعکس کننده مجموعه فرهنگ سوچ.

در بهترین حالات، نماینده در این موقع پی می‌برد که يك مدرسه فنی، از نظر اقتصادی برای مجموع کشور بسیار جالب‌تر است. او می‌بیند که فکرش درباره تأسیس يك دانشگاه هنوز باید مورد تأمل قرار گیرد. و هنگامی هم که بالاخره تحقق یافت، با آنچه او فکر می‌کرد، بسیار اختلاف خواهد داشت. باز در بهترین حالات، یونسکو خواهد توانست وجوه لازم را برای تأسیس مدرسه فنی فراهم کند. و سوچ خواهد توانست راه ویژه خود را به سوی احیای تکنولوژی و مرحله جدیدی از تاریخ خود، دنبال کند.

همه این اتفاقات در صورتی خواهد افتاد که نماینده مورد بحث قادر باشد از رؤیای خود صرف‌نظر کند، کارشناسان یونسکو سئوالات بجایی درباره طرح او پیش بکشند، خود مردم سوچ آمادگی داشته باشند که بجای مسائل انسانی به تحصیل علوم مهندسی بپردازند و کار و پول یونسکو برای کشور دیگری بیشتر لازم نباشد. در واقعیت امر، باید نقص‌ها و محدودیت‌های بشری را در نظر گرفت. کار همواره به همین آسانی پیش نمی‌رود.

این داستان به يك معنی، چهره‌یی حاکی از پختگی و تجربه به یونسکو می‌دهد. ولی



بازنویسی تاریخ

یونسکو بی شک در این فکر نیست که نحوه ادراکی از تاریخ را تأیید کند که جز آتش هفت جوش پوچ و بیموده‌یی نیست. معذک مدت‌هاست که یونسکو متوجه شده است که چه مطالب پوچ و بی‌ارزشی را به نام تاریخ قالب می‌زنند. از سال ۱۹۵۵ به بعد، یک سلسله کتاب‌های درسی تاریخ که در آن، جعل وحشتناک واقعیات تاریخی، بررسی سطحی بزرگترین حوادث تاریخی و حوزه‌های بزرگ فرهنگی جهان، توصیف‌ها، سبک‌های زندگی و عادات و سنن کشورهای خارجی بر مبنای اطلاعات ناقص و حتی کمبودهای عظیم در معرفی شرایط تاریخی عمده به چشم می‌خورد، به ابتکار یونسکو مورد تجدیدنظر قرار گرفت. آرئولد توین بی در ۱۹۵۶ نوشت که: «در زمانی کوتاه‌تر از عمر یک انسان، چهره جهان آن چنان دستخوش تغییر گردیده است که دیگر قابل شناسایی نیست... دید ما از تاریخ بشر از آغاز خود یعنی از ۵۰۰۰ سال پیش تاکنون و از باستانی‌ترین تمدن‌های شناخته‌شده،

توسعه بسیاری یافته است و به نحوی پیش‌ازپیش دقیق، به این امر توجه می‌شود. از آنجا که حس کنجکاوی یکی از عناصر ثابت ذات بشر است، هر یک از ما در زمان خود، سعی می‌کند جنبه‌های تازه تاریخ را در کلیت خود به شکل دیگری ببیند. اگر به این چشم‌انداز تازه از تاریخ توجه کنیم می‌بینیم که ساختمان معمولی تاریخ را که مورخان غربی ما ۲۵۰ سال است درون آن کار می‌کنند، دگرگون ساخته است.»

یونسکو نه می‌خواهد و نه می‌تواند برای هر کشور، کتاب درسی تاریخ بنویسد. تنها ملت‌ها می‌توانند در کشور خود این کار را انجام دهند. معذک باتشکیل جلسات بررسی و مطالعه، از نویسندگان و ناشران کتابهای تاریخ و جغرافیا و زبان‌های خارجه، یونسکو می‌کوشد تا پرده افسانه‌یی را ببرد، بنحوی که در تمام جهان، دانش‌آموزان بتوانند از آموزشی درست‌تر و عینی‌تر درباره کشورهای خارج بهره‌مند شوند.

رود و آنها تمام عمر از این امر رنج ببرند. وقتی به این مطاب فکر می‌کنیم، هر نوع پیش-بینی و پختگی را که در دسترس باشد، به کار می‌بریم. مثال دیگری بیاوریم: وقتی شما بادقت تمام مقرراتی راجع به حقوق مؤلف یا حفظ‌آبینه تاریخی تهیه و تدوین می‌کنید، نمی‌توانید درباره اثربخش بودن آن قضاوت کنید، مگر آنکه، در موقعیت‌های حقیقی، مورد تجربه قرار گرفته باشد. چه ممکن است آثار زندگی نویسندگان دستخوش غارت شود و معابد و موزه‌های بی نظیر در معرض تخریب قرار گیرند.

کوشش در حد امکان به عمل می‌آید. هرگز نمی‌توان به موفقیت صد درصد رسید، ولی هرگز هم نمی‌توان با شکست کامل مواجه شد - حتی وقتی که تنها جنبه مثبت یک کوشش، به تجربه - یی که برای بعد بدست آمده است، منحصر شود.

به قدر کافی از ماهیت یونسکو بطور کلی، سخن گفتیم. مقولات «آموزش، علم و فرهنگ» معرف میدان عملی عظیم می‌باشند. مثلاً معنای آموزش، آموختن خواندن و نوشتن به کودکان و بزرگسالان، ایجاد مدارس ابتدایی و دانشگاهها و بالاخره در عین حال آموختن علم و مسائل انسانی است. ما به جای آنکه موضوع را به قطعات بزرگی تقسیم نمائیم، خواهیم کوشید تا در زیر به دقیق‌ترین نحو ممکن برخی از طرحها و هدفهای یونسکو را یادآوری کنیم. به این ترتیب می‌توان تصویری از مجموع مطلب بدست آورد.

حکومت‌ها خواهان اجرای این طرحها در کشور-های خود هستند. یک کارشناس، راه حلی را پیشنهاد می‌کند، دیگری تأکید می‌کند که راه حل او بهتر است. بنظر می‌رسد که همواره کشمکش بین گرایش‌های مخالف وجود دارد: یکی در پی تازه‌ترین نحوه‌های برداشت می‌رود، دیگری به دنبال فکری است که دست کم تا حدی در محل، مورد تجربه قرار گرفته باشند. البته تصمیم نهایی به عهده خود حکومت-هاست، چه فنونی موفق خواهند شد و چه فنونی ناموفق خواهند ماند؟ حکومت‌ها در این باره می‌توانند پاسخ مسئله را دریابند، در این صورت بیش از مجرب‌ترین کارشناسان یونسکو قابل اعتمادند، برای آنها ممکن است توسل به راه حل‌های تجربه شده، ساده‌تر به نظر برسد. ولی پیش می‌آید که در کشورهایی آهنگ توسعه بسیار سریع باشد. این کشورها نمی‌توانند به پاسخ‌های قرن بیستم بسنده کنند. آنها باید از هم امروز به تکنولوژی‌یی که در واقع به قرن بیست و یکم تعلق خواهد داشت، توسل جویند. گاه مسئله از اینهم پیچیده‌تر است. در بسیاری موارد، تا وقتی یک طرح طی چندین سال به مرحله عمل درنیاید، هیچ وسیله‌یی برای تشخیص ارزش عملی آن موجود نیست. تا وقتی که کسی تمام دوره تحصیلی خود را با سیستم جدیدی از آموزش طی نکرده است، چطور می‌توان گفت که این سیستم قابل اجراست؟ چنانچه این سیستم نامناسب از آب درآید، ممکن است تحصیلات چندین هزار پسر و دختر جوان به هدر

ممکن هم بود که نماینده سوچ با مغزی پر از افکار نو و شورانگیز و بایک طرح اصلاح سیستم آموزشی به پاریس بیاید و بعد ببیند که یونسکو هنوز برای این نوع کارها آمادگی ندارد. در عمل مهم نیست که فکر را چه کسی می‌دهد و چه کسی آنرا دنبال می‌کند، آنچه برای یونسکو و حکومت‌های مختلف اهمیت دارد اینست که علیرغم تمام موانع احتمالی، با هم کار کنند.

با در نظر گرفتن این نوع رابطه، به سادگی معلوم می‌شود که چرا در یونسکو، افزایشی به امر ایجاد رابطه بین دولتها و سازمانها از یک طرف و خود دبیرخانه از طرف دیگر، اشتغال دارند. پیشنهادها، پیشنهادهای متقابل، مصالحه-ها... تجدید نظر، تغییر تاکتیک، کشف راه حل... برای آنکه طرحی قوام پیدا کند، پشتیبانی شود و وارد مرحله اجرا گردد، همه این چیزها لازم است. اگر بعد نوین کار در محل، مفاهیم، موقع‌شناسی و اثر بخشی لازم برای تمام کسانی که در تحقق این طرح می‌کوشند را هم به آن اضافه کنید، می‌توانید از آنچه یک طرح معرف آنست، تصویری پیدا کنید، تحقیق و سازمان لازم، دیپلماسی، و کار مادی و...

دیگر از ویژه‌گی‌های کار یونسکو آنست که اغلب کارهایی که یونسکو به آن دست می‌زند، سابقه‌یی در گذشته نداشته‌اند. پس بنا به تعریف، این طرحها، در حکم تجربه‌هایی می‌باشند که عمیقاً بررسی شده‌اند. ولی اغلب با بودجه‌یی محدود و بالاتر از همه، به خاطر عملی بودن، به مرحله اجرا درمی‌آیند. در واقع،

بیداری ذهن

برای ارزشیابی کار یونسکو در زمینه آموزش، وسیله خوبی وجود دارد و آن اینکه ارزشیابی را از اساسی‌ترین آموزش‌ها شروع کنیم... همان آموزشی که گام‌های اول حرکت از بیسوادی به سوی ساده‌ترین اشکال خواندن، نوشتن و حساب کردن را تشکیل می‌دهد.

تنها همین واقعیت که خواننده در حال خواندن این صفحه است، او را در موقعیت خاصی قرار می‌دهد و از بخشی از مردم جهان متمایز می‌کند. بدرستی معلوم نیست تعداد بی‌سوادان جهان چقدر است. حکومت‌هایی که از آنها تقاضای آمار در این زمینه می‌شود، طبیعتاً مایلند وضع آموزش خود را به درخشان‌ترین صورت نشان دهند. معذک، طبق تخمین‌های محتاطانه سازمان ملل، جمع‌کنونی بی‌سوادان بالاتر از ۱۵ ساله، به حدود ۸۰۰ میلیون نفر می‌رسد.

۸۰۰ میلیون انسان ... رقمی است که به سرما می‌کوبند. اگر این رقم را از زاویه‌ی دیگری مورد مشاهده قرار دهیم، می‌بینیم که معادل یک چهارم جمعیت جهان یا تقریباً چهار برابر جمعیت ایالات متحده است.

شاید این مسئله حیرت‌انگیز بنظر برسد، ولی در قرن بیستم، هنوز هستند کسانی که فکر می‌کنند: «آنچه مردم از آن بی‌خبرند، نمی‌تواند ضرری برایشان داشته باشد» و «آموختن هرچیز خطرناک است» و یا: «چرا نباید امور را بحال خود گذاشت؟ بهر حال کسی که استعداد داشته باشد و بخواهد یاد بگیرد، خواهد گرفت.»

دوره‌ی بود که تربیت برگزیدگان برای چنین استدلالی موجه بود. ولی امروز، فرد بی‌سواد با مقدار معتدلی علامت و تذکرات مهم دست بگریبان است و آموزش برای همه بصورت مسئله ادامه حیات درآمده است. فکر کنید که لازم باشد یک روز تمام را در جایی بگذرانید و قادر نباشید حتی ساده‌ترین کلمات و عبارات را بخوانید. بدین ترتیب از احساس محرومیت شخصی که امروزه قادر به خواندن نیست، تصویری بدست می‌آورید.

از زمانی که یونسکو به وجود آمده، برای باسواد کردن بی‌سوادان کوشیده است. طبق آمار این سازمان، نسبت بی‌سوادان در جهان روبه کاهش است و این امر جای خوشوقتی است و متأسفانه سرعت افزایش جمعیت در جهان آنقدر زیاد است که علیرغم کاهش نسبی، در واقع بر تعداد کل بی‌سوادان، سالی چند میلیون اضافه می‌شود.

علاوه بر آن هیچکس بطور دقیق نمی‌داند تعداد افرادی که خواندن و نوشتن را یاد گرفته‌اند و بنابراین به عنوان باسواد ثبت شده‌اند، ولی بعد به علت عدم استفاده از معلومات خود، آن را فراموش کرده‌اند، چقدر است. یونسکو تکرار می‌کند که آموزش باید «فونکسیونل» یا به تعبیری سودبخش باشد والا به دردی نخواهد خورد. آموزش خواندن و نوشتن در یک کشور معین، به حداکثر ممکن از افراد و در کوتاه‌ترین زمان، اقدامی عالی و افتخارآمیز بنظر می‌رسد. ولی در واقع اگر این ظرفیت‌های تازه، بخشی از زندگی آن افراد نشوند، اقدام زیان‌بخشی در قبال آنها صورت گرفته است. خودتان را به جای آنها بگذارید: چه چیز مایوس‌کننده‌تر از این که این عملیات «سحرآمیز» یعنی خواندن و نوشتن را یاد بگیرید و دریایان کشف کنید که هیچ فایده‌ی برای زندگی‌تان نداشته است.

طبیعتاً به سرعت همه چیز را فراموش می‌کنید و دست‌آخر این احساس وحشتناک به شما دست می‌دهد که فریبتان داده‌اند و افسونتان کرده‌اند.

تربیت فقط آموزش نیست و یونسکو به این امر پی برده است: تربیت در ارتباط با تغییرات اجتماعی به مقیاس وسیع است. آنان که خواندن و نوشتن را فرامی‌گیرند، باید این امکان را داشته باشند که به بینند وازه نوشته شده جزئی از زندگی روزمره آنهاست. این امر می‌تواند در مورد کار آنها صورت پذیرد، یا حتی از راه خواندن روزنامه مخصوص نوسوادان که قادر به جلب توجه آنها و در دست‌شان باشد تا اینکه

بعدها بتوانند یک روزنامه واقعی را بخوانند. نقطه شروع این شیوه جدید آموزش سواد، باید معلوماتی باشد که این افراد از پیش دارند. برای شخصی که زندگی‌اش به کشت پنبه می‌گذرد، اطلاعاتی درباره مسائل جدید کار و بدست آوردن محصول بیشتری از زمین، جنبه‌ی حیاتی دارد.

کارشناسان یونسکو به فکر چنین افرادی بوده‌اند و یک ردیف کتاب مصور برای مبتدیان نوشته‌اند. این کتاب‌ها با کلمه «پنبه» به زبان مادری شاگردان شروع می‌شوند و به تدریج آنان را با جنبه‌های بفرنیج‌تر کارشان آشنا می‌کنند. هنگامی که شاگرد به آنچه باید در مورد کارش بداند مسلط می‌شود، خواندن را هم یاد گرفته است. این امر در مورد افراد دیگر، متعلق به فرهنگها و زبان‌های دیگری هم که مثلاً بخواهند رانندگی تراکتور یا ساختن یک خانه را یاد بگیرند نیز صادق است.

کتابهای یونسکو برای آموختن خواندن و نوشتن به کودکان، البته جنبه فنی بسیار کمتری دارد. ولی این کتابها هم باید در ارتباط با تصویری از دنیا باشد که خاص کودکان است. «دیک و جین یک آدم برفی درست می‌کنند» یا ماجراهای یک سنجاب، مطالب خواندنی جالبی برای کودکان مناطق معتدل است، چرا که در این مناطق، آدم برفی و سنجاب وجود دارد و اسامی دیک و جین هم از اسامی رایج‌اند. ولی همین کتاب‌ها برای کودکان آسیا یا منطقه حاره آفریقا، غیر قابل فهم و بی‌بهره است.

آشکارا پیداست که انسان، خواندن و نوشتن را به زبان مادری بهتر فرامی‌گیرد. تسلط پیدا کردن بر خواندن و نوشتن، خود به اندازه کافی مشکل است و دیگر لازم نیست هم‌زمان با آن، به یک زبان خارجی هم پرداخت. مشکل آنجا پیش می‌آید که زبانی، شکل نوشتنی نداشته باشد. در بسیاری از نواحی آفریقا چنین وضعی وجود دارد. این نوع زبان‌ها همواره به‌طور شفاهی منتقل می‌شوند. وضعی که در سابق، زبان‌های اروپای



در ۱۹۵۶ در آمریکای جنوبی ،
۴۵ میلیون شاگرد در مدارس
ابتدایی و متوسطه و عالی وجود
داشت. در ۱۹۶۵، ۴۲ میلیون،
در ۱۹۶۸ نزدیک به ۵۱ میلیون.
این نتایج حیرت‌انگیز، انعکاس
کوشش حکومت‌های مختلف ،
بویژه در چهارچوب طرح بزرگ
آموزش ابتدایی در آمریکای
لاتین است که در سال ۱۹۵۷
توسط یونسکو به اجرا گذاشته
شد. سمت چپ ، عکسی از
دانش آموزان برزیلی دیده‌می-
شود.

شمالی داشتند.

در این صورت آموختن خواندن و نوشتن به یک زبان دیگر، در حکم از بین بردن کامل و سریع زبان شفاهی این افراد است. برای پیش-گیری از این امر، کارشناسان یونسکو درحال حاضر، در کار ضبط تمام این سنت‌های ارزشمند و پیدا کردن یک شکل نوشتنی ساده و عملی برای شش گروه از زبانهای آفریقایی‌اند.

دیگر از مزایای چنین کاری آنست که این زبانها می‌توانند از مرزهای کشوری فراتر روند. وقتی این زبانها قابل نوشتن و فهمیدن شدند، ارتباط بین کشورهای مختلف بسیار آسان‌تر خواهد شد.

متأسفانه مردمی که به یکی از این زبانها تکلم می‌کنند، باید بطور متوسط پنج‌سال صبر کنند تا به یک شکل نوشتنی دست یابند و مدت انتظار برای انتشار این کتاب، از اینهم بیشتر است. این گروه از زبانها به هیچ‌وجه «بدوی» نیستند. به سادگی می‌توان الفبایی برای آنها در نظر گرفت و دستور زبانی فراهم آورد. مثلاً در زبان یوروبا که زبان نیجریه، غنا، توگو و داهومه است، افعال به ۵۷ زمان مختلف هم صرف می‌شوند. در انگلیسی و فرانسه بیش از ۱۲ زمان وجود ندارد.

یک زبان محلی دیگر به نام هوسا قبلاً به صورت نوشته درآمده بود. در نیجریه که از طرف انگلیس‌ها اداره می‌شد، این زبان با تلفظ انگلیسی، و در نیجر، مستعمره فرانسه، با تلفظ فرانسوی نوشته می‌شد. بدین ترتیب زبانی درست شده بود که به دو زبان خارجی دیگر شباهت داشت. درحال حاضر کارشناسان یونسکو می‌کوشند که برای زبان هوسا وسیله نوشتنی پیدا کنند که هم در نیجر و هم در نیجریه قابل فهم باشد.

جستجوی فنون جدید برای آموختن سواد، دست‌زدن به عملیات راهنما برای ارزیابی این فنون، تبدیل بینش‌های جدید به صورت طرح‌های بلندمدت جهت توسعه اقتصادی و افزایش کارایی ملل، وظایفی تلقی می‌شوند که فی‌نفسه جذاب و شورانگیزاند. اما در قلب این فعالیت، انسانی که خواندن و نوشتن را می‌آموزد، خواست‌ها و عقاید ویژه خود را دارد.

او در زمان، از یک زمینه اجتماعی گذشته، به سوی یک کشور مدرن کاملاً باسواد، باسرعتی سحرآمیز پیش می‌رود. او بهتر از هر کس می‌داند که عدم آشنایی به خواندن و نوشتن چه نقص بزرگی است. اما در عین حال او شخص بزرگسالی است و پیش از آنکه معلمان حکومت یا کارشناسان یونسکو به سراغش بیایند، به زندگی خود ادامه می‌داده است. او هر نوع حالت تسلیم را رد می‌کند و دیگر نمی‌خواهد ساکت بماند.

مثلاً، فرد بیسواد ساکن یک شهر غربی که پیش‌رفته تلقی می‌شود - شیکاگو، جنوا، یا بیرمنگام - به سهولت این نقیصه را می‌پذیرد. در این مورد، برنامه‌های تلویزیونی و یک تبلیغات

کاملاً مطالعه شده لازم است تا شوق دنبال کردن دروس را به او بدهد - و شاید برای برخی، برای دومین و سومین بار، در اینجا نیز آنچه برخی از افراد در زمان کودکی یاد گرفته‌اند ولی هرگز فرصت استفاده از آنرا پیدا نکرده‌اند، ممکن است در میان مه غلیظ بی‌حالی و نداشتن هدفهای بلند، از میان برود.

واکنش، از این فرهنگ تا آن فرهنگ، فرق می‌کند. ولی در اغلب موارد بزرگسالانی که به کلاسهای مبارزه با بی‌سوادی می‌روند، از اینکه چون کودکان با آنها رفتار می‌شود، بسیار تحت تأثیر قرار می‌گیرند. فکر اینکه شبها باید به کلاس‌های فرزندان‌شان برسوند، ممکن است برایشان برخوردنده و تحقیرآمیز جلوه کند. آنها در یک کلیسا یا یک تالار اجتماعات، در بناهایی که خودشان ساخته‌اند، یا حتی در زیر سایه یک درخت در پایان روز، بسیار بیشتر احساس راحتی می‌کنند.

انتخاب افرادی برای این نوع تعلیم نیز اهمیت به‌سزایی دارد. کار استادان مدارس حرفه‌یی معمولاً کم‌اثرتر از کار کسانی است که خودشان درسهای مبارزه با بی‌سوادی را دیده‌اند. چرا که این قبیل افراد با کمال شوق می‌خواهند آموخته‌های تازه خود را به هم‌نوعان خود نیز بیاموزند.

معمولاً بهتر است استادان نسبت به شاگردان، زیاد جوان نباشد و در این حال تأثیر بیشتری خواهند داشت. ولی کافی است شروع به تعیین چنین معیارهایی کنیم تا فوراً معلم جوان نوزده ساله‌یی پیدا شود که بسیار مؤثرتر از برگزیده‌ترین نوسوادان چهل ساله عمل کند. قاعده ساده و بی‌چون و چرایی برای این نوع آموزش وجود ندارد. در تحلیل نهایی، اغلب عوامل شخصی که باعث موفقیت یا شکست می‌شود، در بسیاری موارد، تا آدم مناسب‌تری پیدا شود، کسی را مأمور این کار می‌کنند که حاضر به انجام آن باشد.

بدین ترتیب کارشناسان یونسکو و معلمان محلی، مؤثرترین شیوه‌های آموزش را برای یک کشور معین انتخاب می‌کنند (معمولاً از راه تجربه و اشتباه و با عمل به طرحهای آزمایشی). آنها مصالح لازم برای این نوع آموزش را ساخته‌اند و هسته‌یی کوچک از معلمان بوجود آورده‌اند. تمامی موانع پنهانی از سر راه برداشته شده است (مثلاً ساعات خرم‌چینی در فلان نقطه یا واکنش‌های اجتماعی غیر قابل پیش‌بینی در فلان نقطه دیگر). وقتی تمامی این کارها انجام شد، آنوقت یونسکو باید به تدریج خود را کنار بکشد و عملیات را به دست حکومت‌ها بسپارد.

در جایی که پس از رفتن یونسکو، حکومت مجدانه کار را در دست گرفته است، اجرای طرح باید در مسیری موفقیت‌آمیز باشد. ولی در ابتدا، سرمایه‌گذاری در راه‌پا سواد کردن بزرگسالان اغلب مترادف با حذف مخارج دیگر است - مثلاً مخارج نظامی یا مخارجی که صرف اشکال سنتی آموزش می‌شد. و همانطور بقیه در صفحه ۲۰

عطش دانستن

این قابله جوان سودانی (عکس سمت چپ)، خواندن بلد نیست. او با چشمان بسته از روی بو و طعم داروها می‌فهمد که کدام را باید برای زائوها تجویز کند. در مبارزه‌یی که سودان به کمک یونسکو، برای یکبار با بی‌سوادی آغاز کرده است، این تصویر ممکن است روزی به گذشته تعلق داشته باشد. برنامه تجربی جهانی مبارزه با بی‌سوادی که یونسکو در سال ۱۹۶۴ شروع کرد، در ۱۳ کشور آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین به مرحله اجرا درآمد، ۵۳ کشور دیگر تقاضا کرده‌اند که در این برنامه شرکت کنند و این نشان‌دهنده عطش زیاد به دانستن است که شرط ورود به تمدن تازه می‌باشد. در عکس زیر، در جزایر دریایچه‌تی‌تی کاکا، در ارتفاع ۴۸۰۰ متری کوههای آند - یعنی یکی از فقیرترین مناطق جهان - اهالی پرودر مقابل تخته سیاهی که از یک تخت‌خواب حصیری ساخته شده است، مشغول فراگرفتن مقدمات نوشتن هستند.



photo by - ocean U olon



Photo Unesco-Marc Riboud



بیداری ذهن (بقیه)

افراد و حکومت‌ها عوض می‌شوند، ممکن است اولویت‌ها هم تغییر کنند.

گفتن این حرف باعث تأسف است، ولی گاه پیش می‌آید که حکومتی، فایده این اقدام را درک نمی‌کند یا دیگر نمی‌تواند سهم خود را در این کار ادا کند. در این حال، طرح از بین می‌رود و در زمانی کوتاه، تمام مخارج و تمامی ساعات کار انجام شده، چنان محدود می‌شوند که گویی هرگز کاری انجام نگرفته است.

برای آنکه کار یونسکو را بطور واقعی ارزیابی کنیم، باید بگوییم که بسیاری از کشورها به ابتکار خود، شیوه‌های حیرت‌انگیزی در مبارزه با بیسوادی بکار برده‌اند. در این قبیل موارد، نقش یونسکو آنست که از راه دیدارها، کنفرانس‌ها و تحلیل‌ها این تجربه را در اختیار کشورهای دیگر قرار دهد.

مثلاً ایران، برای مبارزه با بیسوادی، نیاز شدیدی به معلم داشت. برای پاسخ گویی به این نیاز، از سربازانی که دارای تحصیلات محکمی بودند استفاده کردند و آنها را وارد گروه مبارزه با بیسوادی نمودند. امروزه در ونزوئلا، با استفاده از گارد ملی، راه حلی مشابه در پیش گرفته شده است، دورنماهای ناشی از چنین فکری، تقریباً بی‌انتهاست. چه چیز راحت‌بخش‌تر از این که به بینیم تمامی ارتش‌های جهان، به نیروهای تمام وقتی در خدمت آموزش مبدل شده‌اند؟

یکی از تشویق‌کننده‌ترین نشانه‌ها برای یونسکو و حکومت‌های مربوط، تعداد کسانی است که ناامیدانه می‌کوشند تا خواندن و نوشتن را یاد گیرند. به حدی که طرح‌های آموزشی از هر نوع که باشند، دیگر نمی‌توانند ادامه پیدا کنند....

یکی از کارشناسان یونسکو که مأمور حبشه است، روزی به شخصی برخورد که در کلاس اول مبارزه با بیسوادی بود و با حرارت تمام می‌نوشت و از سطح متوسط کلاس بسیار بالاتر رفته بود. کارشناس از معلم پرسید، آیا فکر می‌کنید این مرد قبلاً آموزشی دیده‌است؟ اگر بتواند به همان خوبی که می‌نویسد، بخواند، در گذاشتن او در این کلاس اشتباه کرده‌ایم.

واقعاً هم آن مرد توانست آنچه را به‌طور صحیح نوشته بود، بخواند، ولی تأکید کرد که پیش از آن، هرگز به مدرسه نرفته است. در این صورت آیا به تنهایی کار کرده است؟ آه، نه... این مرد پدر فرزندان بود که هر روز به مدرسه می‌رفتند و او از این بابت احساس غرور می‌کرد. غروب، وقتی فرزندان به خانه باز می‌گشتند، پدر در کنار آنان می‌نشست و به آنچه می‌گفتند گوش می‌داد. آنوقت فرزندان به او می‌گفتند که استاد چه به آنها آموخته است. بدین ترتیب بود که او با نوشته و با اعداد آشنا شد. فرزندان او تعلیم می‌دیدند، آیا طبیعی نبود که خود او هم از این تعلیم برخوردار شود؟ ■

مسابقه بین آموزش و فاجعه

اچ. جی. ولز، نویسنده شهیر انگلیسی روزی می‌گفت که در دنیای نو مسابقه‌ی بین آموزش و فاجعه وجود دارد، در واقع اگر بخواهیم در جهان بیک صلح واقعی دست یابیم، لازم است که سطح زندگی در کشورهایی که از نظر اقتصادی فقیرند، به سرعت ارتقاء یابد. اغلب حکومت‌ها بالاخره این حقیقت را درک کردند که آموزش، کلید مسئله توسعه است. در این مورد، یونسکو از بیست و پنج سال پیش به این سو، نقش اساسی ایفا نموده و آگاهی یافتن به اهمیت امر آموزش را تأکید و تسریع کرده است. زیرا آموزش نه تنها حق هر مرد و هر زنی است، بلکه همچنین برای هر نوع توسعه و پیشرفت کشور، نیازی حیاتی تلقی می‌شود. ترازنامه‌های کشورهای عضو در سال گذشته یعنی سال بین‌المللی تعلیم و تربیت، نشان دهنده افزایش بی‌سابقه در زمینه آموزش بوده. بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۵، تعداد معلمان جهان از ۸ به ۱۵ میلیون نفر رسید. مثلاً در آسیا، افزایش تعداد افراد مدرسه‌رو در هند ۸۰ درصد و در ایران ۴۴ درصد بوده است. در کشورهای عربی این عده، از ۵۰۰/۵۰۰ نفر در سال ۱۹۶۰، به ۱۴ میلیون در سال ۱۹۶۷ رسیدند. در آمریکای لاتین تعداد دانش‌آموزان ابتدایی بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۷، ۱۴ میلیون نفر افزایش یافت.

گسترش ذهن

www.KetabFarsi.com

چه دلیلی می‌تواند بانکداری را به دادن يك اعتبار بلندمدت، بدون تضمین و بدون سود، فقط براساس ملاحظات نظری وادار کند؟ بانکداران و سرمایه‌گذاران افرادی حسابگرند و با وعده بدست آوردن سود کلان و طرح‌های بزرگ توسعه درآینده، تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. در واقع آنها ترازنامه‌هایی می‌خواهند که نشان دهد پولشان حقیقتاً و به سودآورترین نحو ممکن، به کار افتاده است.

از نظر یونسکو زمینه‌یی وجود دارد که بانکداران می‌توانند درست به همین ترتیب در آن سرمایه‌گذاری کنند، و آن زمینه توسعه آموزش است، منابع واقعی يك کشور را ذخایر معدنی و یا ثروت‌های کشاورزی آن تشکیل نمی‌دهند، بلکه افرادی بوجود می‌آورند که در آن کشور زندگی می‌کنند. همانطور که طلا باید تصفیه شده باشد، این افراد نیز باید تعلیم دیده باشند. البته این امر هیچ نفع فوری به همراه ندارد، ولی به تدریج که سطح آموزش در کشوری بالا می‌رود، به یقین باروری کار نیز به همان نسبت بالا خواهد رفت...

و این امر به تمام معنی، يك سرمایه‌گذاری خوب و مناسب است.

بدین ترتیب، سرمایه‌گذاران آگاه بانک جهانی، تصمیم گرفته‌اند که از طریق یونسکو، مخارج طرح‌های بزرگ آموزشی را در سراسر جهان تأمین کنند. در اینجا نیز حکومت‌های کشورهای مورد نظر، باید تأیید کنند که در امکان دارند در این کار سهیم شوند و اغلب بخش مهمی از بودجه خود را صرف آموزش می‌کنند، ولی به طور کلی بیشترین نیاز را کشورهای در حال توسعه دارند - یعنی کشورهایی که از همه کمتر پول دارند.

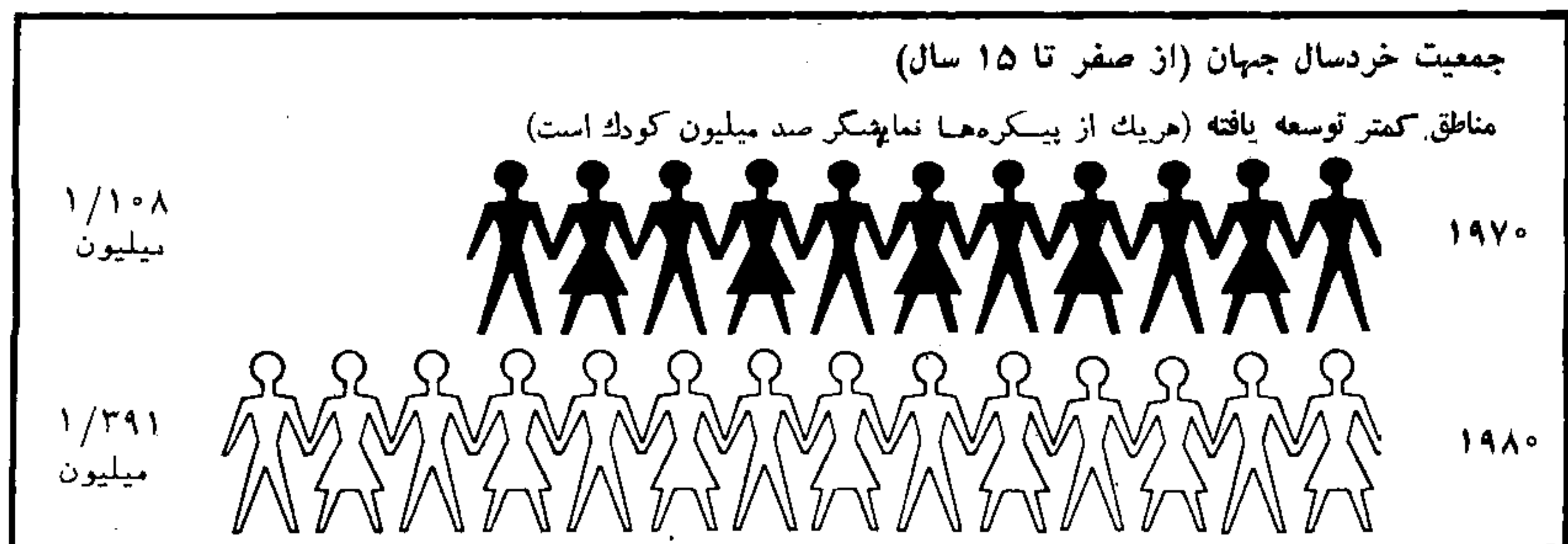
برای روشن شدن مطلب، فرض کنیم که در يك کشور، هیچ نوع آموزش سازمان‌یافته‌یی وجود ندارد (در واقعیت امر، مسئله هیچ گاه به این شکل خشن مطرح نیست). اگر این کشور بخواهد چنین آموزشی را سازمان دهد، از کجا باید شروع کند؟ البته از معلمان - ولی معلم از کجا بی‌آورد؟ در کشورهای پیشرفته، آموزش نیازهای خود را تأمین می‌کند، به این معنی که معلمان جوانانی را تعلیم می‌دهند که به نوبه خود می‌توانند معلم شوند.

در کشورهای در حال توسعه معلم را تقریباً باید از امروز برای فردا ساخت، آنهم با افرادی که در واقع می‌بایست شاگرد باشند، و این بازی مشکلاتی تقریباً لاینحل به وجود می‌آورد. در اینجا است که باید خوب برنامه‌ریزی کرد و با حسن‌نیت بسیار کسانی را پذیرفت که حاضرند دیگران تعلیمشان دهند. کار یونسکو اینست که کارشناس به این یا آن کشور می‌فرستد، چون برای سازمان‌دادن امر آموزش، مراکزی در مناطق مختلف بوجود آورده است. در این مراکز بسیاری از کشورها که فرهنگ و منافع مشترکی دارند، تجربیات و اکتشافهای خود را باهم در میان می‌گذارند و قواعدی می‌سازند که برای همگان مفید است. این کشورها در ضمن برای تدوین سیاست ویژه خود، صرفه‌جویی زیادی در وقت می‌کنند.

معنی سازمان‌دادن فقط آن نیست که برای تربیت فوری معلم دوره‌هایی ترتیب داده شود، مدارس بنا گردد و برنامه‌یی و کتابهایی تنظیم شوند. بلکه هم‌چنین باید نیازهای اقتصادی کشور بقیه در صفحه ۲۴



Photo © Claude Vénézia, Paris



در آن قسمت از جهان که نیازها فوریت شدیدتری نشان می‌دهند و سائل نایاب‌ترند. این است «جهان وارونه‌ی» که گویی اطفال تصویر پایین، با گذاشتن سر خود روی زمین، مشغول تماشای آن هستند. در سال ۱۹۷۰ در کشورهای در حال رشد، بیش از یک میلیارد و صد میلیون کودک کمتر از ۱۵ سال، در مقابل ۴۱۴ میلیون طفل در کشورهای پیشرفته وجود داشت. در سال ۱۹۸۰ قریب یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر طفل در کشورهای در حال رشد (نمودار پایین سمت راست) در مقابل ۳۳۱ میلیون در کشورهای پیشرفته وجود خواهد داشت. اطفال کشورهای ثروتمند که تعداد آنها برحمت تا ده سال دیگر افزایش خواهد یافت، در سنین پایین از مزایای یک تعلیم و تربیت نوین برخوردار خواهند شد. (تصویر سمت راست) در حالی که کودکان کشورهای فقیر، که تعداد آنها پیوسته روبه‌افزایش است، در مصیقه‌ی مدرسه و معلم و کتاب پسر خواهند برد. برای دسته اخیر، سطح کنونی تعلیم و تربیت که غالباً پایین نیز می‌باشد، در مقابل جمعیت، در معرض خطر تنزل قرار دارد. هزینه آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان، تا سال ۱۹۸۰ باید به سه برابر افزایش یابد. تا کنون، ۴۰۰ میلیون دلار وام و اعتبار برای گسترش دامنه‌ی تعلیم و تربیت در کشورهای فقیر، از طریق همکاری یونسکو با بانک جهانی، در یک سطح بین‌المللی، تأمین شده است. مقدار وامها طی سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۶ به یک میلیارد دلار برآورد شده است.



را در نظر گرفت و دید که در مجموع، چه نوع آموزشی برای کشور قابل استفاده تر است. باز تکرار می‌کنیم که در این جا، با زمینه‌های ناشناخته‌یی سروکار داریم و فقط با تجربیات کوچک و محدود می‌توان شناسایی‌هایی از آن بدست آورد. اگر این تجربیات موفق شوند، حکومت‌ها می‌توانند بر اساس طرح‌های توسعه‌یی که ریخته‌اند، آنها را به بخش‌های بیش از پیش وسیعی از کشور تعمیم دهند.

از ادامه تجربه‌یی که در یک منطقه در جریان است و نتیجه آن موفقیت‌آمیز به نظر نمی‌رسد، نباید صرف نظر کرد، شاید که در آخر کار نتایج مفیدی بیار آورد.

مثلاً در تربیت معلم، بنظر می‌رسد که نتیجه سالهای اول بسیار مایوس‌کننده است. کشور کوچکی را در نظر گیریم که به‌دو بیست یا سیصد معلم نیاز دارد. فوراً یک مرکز تربیت برای تمام داوطلبان مناسبی که می‌توان پیدا کرد - مثلاً صد و پنجاه نفر - تأسیس می‌شود. قصد آنست که به این عده، هم یک دوره درس فشرده و هم تعلیم معلمی داده شود. ولی پس از پنج سال مشاهده می‌گردد که تنها پنج یا شش استاد واقعاً صالح تربیت شده‌اند. در این مورد تنها راه حل آنست که کار با همان گروه را ادامه دهیم تا کاملاً تربیت شوند. برای این کار باید از تمام شیوه‌های نوین و قابل تصور مدد گرفت. طی این مدت، تعداد کودکانی که به سن مدرسه می‌رسند و نه معلم دارند، نه مدرسه، سال به سال زیادتر می‌شود. در ساحل عاج، یکی از گستاخانه‌ترین و عجیب‌ترین تجربیات محدودی که یونسکو در اجرای آن کوشیده و موفق شده است، در حال تعمیم است. در ابتدا مسئله عبارت بود از ایجاد مدارس ابتدایی، در نقاط دور افتاده‌یی که عملاً در قسمتی از سال، قابل دسترسی نیست. در عمل، مسائل بسیار دیگری مطرح شد. مثلاً اینکه معلم را باید از کجا آورد، و چطور باید او را تربیت کرد؟ در آن وقت برای مناطق شهری اطراف «ایبجان» هم که در حال توسعه سریع بود، معلم به حد کافی وجود نداشت.

ابتدا فکر آموزش از طریق رادیو پیش-کشیده شد. یونسکو و تعدادی از کشورهای عضو، در گذشته، این شیوه را مورد استفاده قرار داده و نتیجه خوبی گرفته بودند. در حال حاضر هم این یکی از ارزنده‌ترین راه‌ها برای «پر کردن» مناطق وسیع با حداقل تعداد معلم است. ولی رادیو مشکلاتی ایجاد می‌کند. آموزش رادیویی همان نتیجه آموزش بصری را ندارد و همواره حضور یک معلم مجرب در کلاس، برای مؤثر بودن این نوع برنامه‌ها لازم است. در ساحل عاج بنظر می‌رسد که بهترین راه حل، استفاده از تلویزیون باشد، چرا که در این حال کافی است چند نفر راهنمای کم‌وبیش تعلیم دیده در اختیار داشت که مستقیماً از معلمان تلویزیون دستور العمل بگیرند. وقتی این پیشنهاد پذیرفته شد، مسائل دیگری بمیان آمد. اولین مسئله آن بود که در

روستایی فاقد برق، چطور می‌توان از تلویزیون استفاده کرد؟ در مواردی، استفاده از باتری بهترین راه حل بود. در موارد دیگر، مثل نواحی صحرایی شمال، استفاده از نیروی آفتاب ترجیح داشت. ناگهان روستاهایی که هرگز هیچ نوع برقی نداشتند، صاحب برق شدند، آنهم نه از راه تکنیک‌های کهنه قرن بیستم، بلکه از طریق تکنولوژی نوینی که در پیشرفته‌ترین کشورهای هم تا سالیان دراز مورد استفاده قرار نخواهد گرفت. مانع دیگر عبارت بود از تعمیر دستگاهها در صورت خرابی. در نظر اول چنین می‌نماید که این، مسئله لاینحل نیست. ولی طی اجرای برنامه راهنما، مشکلاتی پیش آمد که پیش‌بینی نشده بود. در نواحی صحرایی، شن‌های متحرکی وجود دارند که کوچک‌ترین شکاف‌های پست‌های تلویزیونی را پرمی‌کنند. این امر باعث می‌شود که هم پست‌های تلویزیونی در حال استفاده آموزشی و هم پستهای ذخیره، از کار بیفتند. ظرف مدت کوتاهی کودکان دوباره تمام مدت روز به سربازی‌های خود برگشتند و ماشین تعلیم‌دهنده‌شان سرد و خاموش به گوشه‌یی افتاد.

ناگفته پیداست که در این مورد، پستهای مخصوص و کاملاً بسته‌یی لازم بود. قطعات زودشکن الکترونیکی رادریک کشوی مخصوص قرار دادند و هنگامی که تعمیر کننده در فواصل زمانی معین از آنجاها می‌گذشت، می‌توانست این قطعات را بردارد و قطعات نو بجای آن بگذارد. و بعد این کشورهای کوچک را در تعمیرگاه مرکزی «ایبجان» تعمیر کند. به برکت این تکنیک و وجود پستهای ذخیره، می‌توان اطمینان داشت که دیگر کسی به علت خرابی تلویزیون از کلاس محروم نخواهد شد.

اصیل‌ترین و پرمغزترین طرح‌ها، همواره به‌موانع جزئی ابلهانه‌یی برخورد می‌کنند. طرح راهنمای ساحل عاج نیز به این ترقیب، با بحرانی مواجه گشت که موشها ایجاد کردند. این جانوران کوچک خیلی به برق علاقه‌مندند و به اوضاع جدید اشتیاق دارند و به این مناسبت شور بی‌انتهایی برای سیم‌های تلویزیون پیدا کردند. متأسفانه این حادثه در فردای آن روز و ماههای بعد، کودکان روستایی را از درس محروم کرد. بدین ترتیب لازم شد که باردیگر برای تطبیق دستگاه با شرایط موجود، اقدامی صورت گیرد. تجربیاتی به عمل آمد تا معلوم کند موش‌ها کدام نوع سیم‌ها را دوست دارند و به کدام نوع بی-علاقه‌اند و این امر امکان داد که تلویزیون‌های غیرقابل خوردن ساخته شود.

هنگامی که درگیری با مسائل صرفاً فنی در اوج خود بود، برنامه‌ها و مصالح کار با کمک یونسکو، به تدریج تهیه می‌شد. دست آخر، یک معلم تنها در تلویزیون، کار چندصد معلم را می‌کند و دقت و وقت تهیه دروس بسیار بیشتر از جمع کار ۱۲ معلم است.

اگر اشکالی پیش نیاید، تمامی کودکان ساحل عاج از راه تلویزیون تعلیم خواهند دید.

هرسال، درس سال بعد تهیه می‌شود. کودکانی که امروز مدرسه را شروع کرده‌اند، بیشک تمام دوره ابتدایی را از راه تلویزیون خواهند پیمود. باز تکرار کنیم که چون این طرح متعلق به یونسکو است، تکنیک‌های آن می‌توانند در هر کشوری که داوطلب این کار باشد مورد استفاده قرار گیرند، به شرطی که نتیجه طرح آزمایشی خوب باشد.

ولی یونسکو فقط به مسئله مدارس ابتدایی نمی‌پردازد. در جاهایی که شیوه‌های سنتی آموزش بکار می‌رود، کیفیت دیپلمه‌های متوسطه تأثیر مستقیمی بر کیفیت آموزشی خواهد داشت که بعداً در مدارس ابتدایی داده می‌شود. بدون در نظر گرفتن این تأثیر و نیز بهبود مجموع سیستم آموزشی، اصلاح بخشی از آموزش غیرممکن است.

یکی از کارهای یونسکو امروز به مقوله تاریخ تعلق دارد و آن مربوط به آموزش علوم، پس از جنگ جهانی دوم است. در آن هنگام، کمبود دانشمندان مجرب بحران سختی را در توسعه جهان بوجود آورده بود. زیرا مدارس و آزمایشگاههایی که می‌بایست چنین دانشمندانی را تربیت کنند، در سراسر اروپا ویران شده بودند. کارشناسان یونسکو، با ذهنی درخشان و سرشار از قدرت تصور، به کمک یکدیگر کتابی تدوین کردند که امکان می‌داد با مصالح ابتدایی به آموزش علوم پرداخت... در این کتاب، از طریق فشردن یک لیمو، اجسام هادی برق مورد مطالعه قرار می‌گرفت. یک چنگال، یک سوزن و یک لیوان آب برای توضیح کشش سطحی کافی بود، بایک چوب پنبه، یک لامپ و پنج میخ، یک «فلاش» عکاسی ابتدایی ساخته می‌شد. در صفحه آخر کتاب، تصویر یک خط کش، یک نقاله و یک گونیا چاپ شده بود، به‌طوری که شاگردان بتوانند آنها را روی مقوا بچسبانند. با این مصالح ابتدایی بود که بسیاری از مهم‌ترین دانشمندان امروزی نخستین گام‌های خود را برداشتند.

این کتاب که چندین بار مورد تجدیدنظر قرار گرفت و به چاپ رسید، امروزه به بیست زبان ترجمه شده است. در کشورهای در حال توسعه که هنوز فاقد آزمایشگاههای مفصل‌اند، این کتاب بیش از هر متنی دیگر با استقبال روبرو شده است. بنابراین، جنگ، دست کم در یک مورد، اثر نیکویی بر آموزش داشت. این یک مورد استثنایی قابل ملاحظه است که در آن جنگ، نتیجه خوبی به بار آورده است.

جنگ بیشتر این خاصیت را دارد که مدارس و کانون‌های دائمی آموزش و فرهنگ را از میان ببرد. کودکان بازمانده را گرسنه و از نظر روانی، آسیب دیده برجای بگذارد. جنگ از این کودکان، تقریباً هر نوع امکانی را برای آنکه روزی عضو فعال اجتماع شوند، سلب می‌کند، هنگامی که در سال ۱۹۵۰، یونسکو و دفتر امداد ملل متحد تصمیم گرفتند سازمان آموزشی موقتی برای پناهندگان فلسطینی ایجاد کنند،

صدها هزار پناهنده‌یی که در اردن، لبنان، سوریه و غیره پراکنده بودند، قربانی چنین بلایایی تلقی می‌شدند.

در ابتدا، هم در مورد مدرسه و هم در مورد آموزش، به راه‌حل‌های موقت اکتفا شد. با گذشت سالیان، ساختن مدرسه امکان یافت و تعداد شاگردان به تقریباً ۲۵۰۰۰۰ نفر برای دوره ابتدایی و سه سال اول متوسطه رسید. نه یونسکو نه دفتر امداد هیچ‌یک از عظمت کار خود خبر نداشتند. امروزه نیز این اقدام سال‌به‌سال تجدید می‌شود و بستگی به کمک‌های بلاعوض دولت‌ها و سازمانهای خصوصی دارد. دستگاه‌های آموزشی که توسط خود پناهندگان بوجود آمده است نیز به این اقدام کمک می‌کند.

همانطور که می‌توان تصور کرد، کار چنین مدارسی نیاز به مانور و هنری دیپلماتیک دارد. پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷، بسیاری از مدارس آسیب‌دیده در جنگ به اجبار تعطیل شد. پناهندگان دوباره جابه‌جا شدند. ولی به هر جا که رفتند، دوباره تکه‌پاره‌های مدارس را بهم چسبانند. گاه در زیر چادر، گاه در هوای آزاد و حتی در ویرانی کامل، آموزش ادامه یافت. کتابهای درسی محلی در برخی محافل، محتوای ایدئولوژیکی بیش از اندازه‌یی یافت. در این وقت از کارشناسان یونسکو تقاضا شد که مصالح لازم را برای یک آموزش عربی و «بی‌طرفانه» تهیه کنند.

نتیجه دیگر این جنگ آن بود که در غزه، شاگردان متوسطه دیگر نمی‌توانستند امتحان خود را بگذرانند. نه تنها ورود به دانشگاه عملاً غیرممکن شد، بلکه هیچ وسیله‌یی هم وجود نداشت که نتیجه سالها تحصیل را ارزیابی کند و یونسکو از راه مانورهای دیپلماتیک شجاعانه، موفق شد موضوع‌های امتحانی را که در قاهره تهیه شده بود، از طریق قبرس به غزه برساند و اوراق امتحانی را برای تصحیح، دوباره به قاهره برگرداند. این امتحانات را کارکنان یونسکو برگزار کردند. در نخستین سالی که این تاختیک به کار رفت، هزارتن از دانشجویان موفق شدند زیر نظر صلیب سرخ بین‌المللی از کانال سوئز بگذرند و تحصیلات خود را در دانشگاههای مصر دنبال کنند. بدون وجود یک سازمان بین‌المللی نظیر یونسکو، امکان نداشت مذاکراتی چنین بغرنج به نتیجه برسد و این جوانان امروزه هم هنوز بدون دیپلم باقی می‌مانند و هیچ امیدی هم به کسب آن نداشتند.

ولی یونسکو با مسئله بغرنج دیگری نیز روبرو شد و آن ارزیابی دقیق از دیپلم‌های مختلف بود. آیا مثلاً نتیجه موفقیت‌آمیز یک امتحان در دانشگاه مسکو، همان ارزش لیسانس در سوربن را دارد؟ بنظر می‌رسد که این مسئله صرفاً جنبه آکادمیک داشته باشد، مگر آنکه خود دانشنامه‌یی در یک کشور گرفته باشید و بعد بکوشید تا برای ادامه تحصیل در کشوری دیگر، ارزش آن را مورد تأیید قرار دهید. در این مورد

یونسکو در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و تعیین موقعیت‌های مختلف است. ولی در چهارچوب برنامه‌های سالانه خود، تا کنون دو کتاب مفید انتشار داده است، یکی «تحصیلات در خارجه» و دیگری «تحصیلات و تعطیلات در خارجه». هدف این کتاب‌ها آنست که به جوانان کمک کند تا دامنه تحصیلات خود را توسعه دهند و با کمال آزادی، در تمام دنیای بین‌المللی دانش سفر کنند. این کتاب‌ها نه فقط حاوی فهرست دروس است، بلکه اطلاعات مهمی را نیز درباره بورس‌های تحصیلی در بر دارند. بر اثر مراجعه مکرر به یکی از این دو کتاب بوده است که بسیاری از جوانان طالب علم توانستند نه فقط برای تحصیل به خارج روند، بلکه بخش اعظم مخارج خود را نیز به صورت بورس دریافت کنند.

یونسکو برای اینکه یک قدم دیگر به سوی آموزش جهانی بردارد، هم اکنون در کار بررسی امکانات برای تأسیس یک دانشگاه بین‌المللی است و این امر به تقاضای سازمان ملل متحد انجام می‌شود. اقدامی چنین آینده‌گرا، چون رؤیا بنظر می‌رسد و هنوز قابل تحقق نیست. ولی کوشش برای آن که جستجوی دانش توسط مرزهای سیاسی متوقف نشود، با موفقیت‌های ملموسی همراه بوده است.

یونسکو بین دانشگاهها و مدارس فنی کاملاً مستقر، و آنها که به تازگی در فاصله هزاران کیلومتری تأسیس شده‌اند، همکاری ایجاد می‌کند. گاه مسئله عبارت از دادن انبوهی اطلاعات به کشوری است که ناگهان به تکنیسین‌های کارآموزده یا متخصصان امر تعلیم و تربیت نیاز پیدا می‌کند. در این موارد یونسکو بورس‌هایی می‌دهد تا افراد واجد صلاحیت برای تحصیل به خارج بروند. در موارد دیگر، به هنرمندانی که در کشور خود اشتغال دارند، کمک مالی می‌کند، زیرا در خارج می‌توانند تکنیک‌های جدید را فرا گیرند و بافت زنده‌یی را که سرچشمه خلق هنری ایشان است، غنا بخشند.

این بورس‌ها، اغلب امکان می‌دهد که تحصیل را از حد آموزش پایه‌یی فراتر برد. به کمک این بورس‌ها افرادی که ممکن است دیگر جوان هم نباشند، می‌توانند آنچه را که قبلاً فرا گرفته‌اند تجدید کنند و غنی‌تر گردانند.

توجه کردن به تمامی مراحل یک آموزش معین کافی نیست. یونسکو بالاخره به این نتیجه رسید که شخص حتی اگر دیپلمی هم داشته باشد و سطح این دیپلم هر چه باشد - الزاماً شخص «تربیت‌شده» کاملی نیست. انبوه اطلاعات در تمام رشته‌ها، گاه ظرف چندماه، جهش‌های عظیمی می‌کند. حتی اگر شما دیپلم خود را پنج سال پیش گرفته باشید، چطور می‌توانید ادعا کنید که به تمام رموز کار خود آشنائی دارید؟

آموزش، آنطور که یونسکو به درک آن موفق شده است، مربوط به یک دوره از زندگی، یعنی مربوط به دوران جوانی، که در حاشیه اجتماع و برکنار از فشارها و واقعیات آن می-

گذرد، نیست. آموزش جریانی مداوم است که از گهواره شروع می‌شود و در بهترین حالات، با مرگ متوقف می‌شود. این نحوه درک جدید روی کاغذ بسیار جالب است و در ضمن یکی از اصولی است که یونسکو برای سازمان‌دادن کار آموزشی خود به آن تکیه می‌کند. ولی اگر درصدد برآید بدانید که در این زمینه تا کجا به پیش رفته‌اند، خواهید دید که هنوز کار در مراحل کاملاً مقدماتی است.

گریز از آموزش مداوم، دیگر امکان ندارد. همه ما اشخاصی را می‌شناسیم که بدین ترتیب آموزش خود را توسعه داده و به کمال رسانده‌اند. هوش و گشاده‌فکری این افراد کاملاً قابل احترام است. ولی با پیشرفت انفجاری معلومات جدید، اشخاص کمتر از پیش می‌توانند شخصاً به این مرحله نائل شوند.

همه در یک نکته متفق‌اند و آن اینکه آموزش فعلی باید در همه‌جا بسیار قابل انعطاف‌تر و گشاده‌تر بروی آینده باشد. افراد نیز به نوبه خود باید قادر به تشخیص این امر باشند که چه وقت آموزشی که قبلاً دیده‌اند، دیگر کهنه شده است و قابل انطباق بروضع کنونی جهان نیست. به بیان دیگر سیستم‌های آموزشی وظیفه دارند با جهان پرشور و متغیری که موضوع این آموزش است، در تماس باقی بمانند و افراد موظفند تماس خود را با آموزش حفظ کنند. گذشت چند نسل لازم بود تا مدارس، فکر گالیله را مبنی بر چرخش زمین به دور خورشید، هضم کنند. ولی ازین پس دیگر امکان ندارد باین آهستگی به تحول ادامه داد.

به احتمال بسیار زیاد، یک مرد سی‌ساله کنونی، هرگز خوب نفهمیده است که مولکول ADN، یعنی کشف علمی اساسی قرن بیستم چیست. اگر تمامی این نسل دوباره به کتاب‌های خود مراجعه نکند و به نحوی از انحاء در جریان کار قرار نگیرد، در چهل و پنج سالگی چنان از درک جهان بدور می‌افتد که گویی هنوز زمین را مرکز منظومه شمسی می‌داند.

تغییر و تجدید معلومات و نحوه فکر را باید در قلب هر نوع آموزشی قرار داد. در سابق، آموزش غالباً شکل یک دکمه تظاهر داشته و بدور خود می‌گشته است. تا وقتی که حکومت‌ها و همه ما به درک مطلب زیرموفق نشویم، آموزش بازهم همان صورت را حفظ خواهد کرد. علیرغم تمام آمارها و دیپلم‌های جهان، انسانهای «تربیت شده» نمی‌توانند وجود داشته باشند، بلکه فقط انسانهایی وجود دارند که «در کار تربیت خویشند». هیچ‌یک از کشورها - اعم از توسعه‌یافته یا درحال توسعه - هنوز نتوانسته است برای تمام اهالی خود، آموزشی براین مبنا بوجود آورد. ولی این همان هدفهایی است که یونسکو برای خود و کشورهای عضو در نظر گرفته است. این هدف به این ترتیب، در عین حال یک آرمان و یک تکلیف برای آینده نزدیک است. زندگی ما باید آموزش و آموزش باید زندگی ما باشد.

نیرو و حدت ذهن

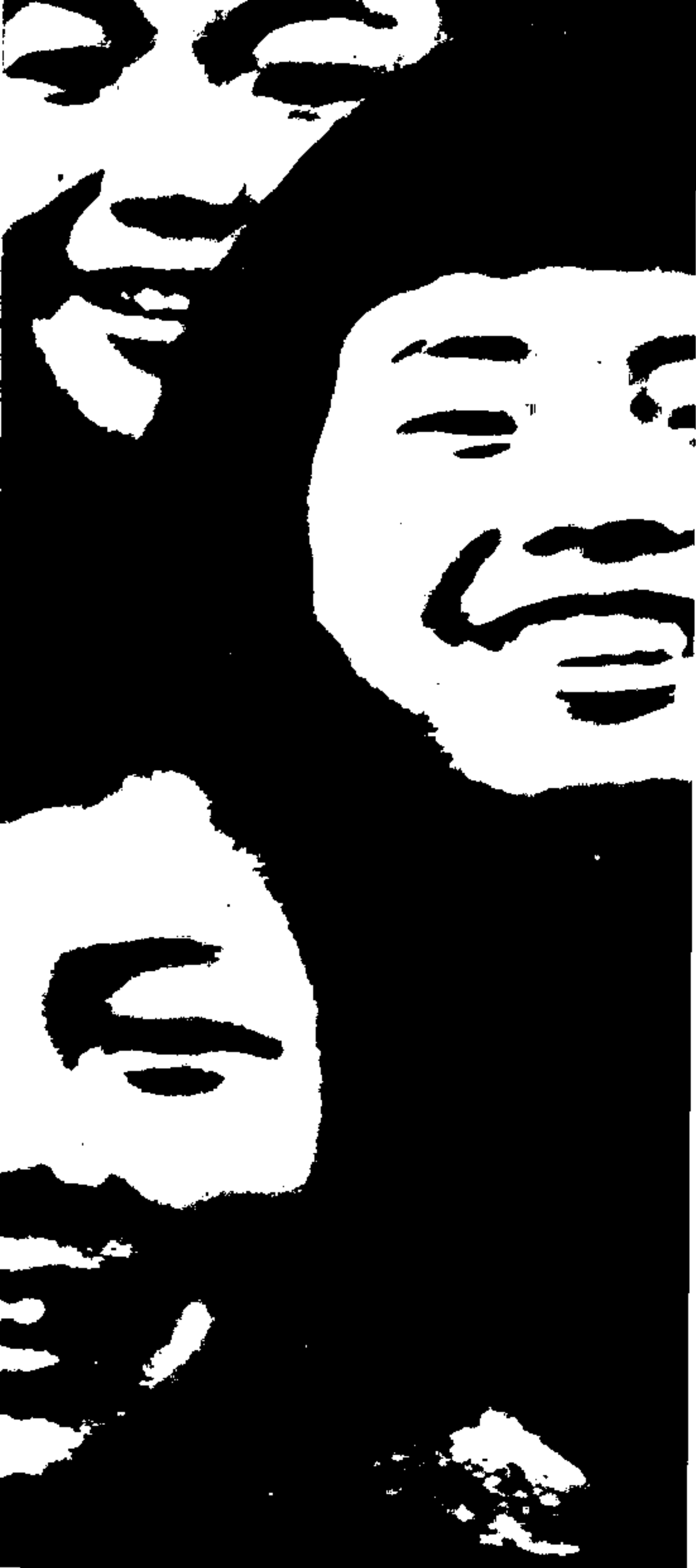


Photo © Georg Oddner - G. Bern, Paris

می کردند و معلوم بود که رهبران جوان و درخشان فردايند. خواستهای اجتماعی آنان، بیشتر از نوع سنتی بود و امکان ابراز آن، از راههای قراردادی و سنتی وجود داشت. اما در آغاز سالهای ۶۰، مشارکت همین جوانان نیز بیش از پیش صورت تشریفاتی بخود گرفته بود.

یونسکو به دلیل وابستگی نزدیکی که با دولتها داشت و به دلیل آنکه جزئی از سازمان ملل، یعنی سیستمی محسوب می شد که دیگر يك تجربه قاطع برای حفظ صلح بشمار نمی آمد، این احساس را برمی انگيخت که به حکم نقشی که بر عهده دارد خود را به جوانان نزدیک می کند، لیکن برآستی در مسائل و علائق آنان شریک نیست. به نظر می رسید که برای آزمودن افکار جوانان، یونسکو آخرین مرجع ممکن باشد. در کنفرانس عمومی سال ۱۹۶۸، کوشش همگانی آغاز شد تا تصویری که یونسکو از خود بدست داده بود، تغییر پذیرد.

بعضی دولتها، بشدت مخالف بودند که به جوانان حق سخن در يك سازمان بین المللی داده شود. این دولتها می پذیرفتند که جوانان باید از آموزش برخوردار گردند، ولی هنگامی که دانشجویان عقاید خود را ابراز می کردند، اینان در این عقیده، حرارت کمتری از خود نشان می دادند. با وجود این، نتایج آموزش، دیگر در

و از هر کجا که امکان اجتناب از خشمونت وجود داشت، این جوانان در عمل ثابت کردند که قادرند صدایشان را به گوش همه برسانند.

کارکنان یونسکو از محل کارشان، طوفانی را که تا نزدیک در می آمد می نگریستند، یا شبها به اجتماعات عمومی می رفتند و در مباحثه های خیابانی شرکت می جستند. در این مدت، جهانی در جستجوی روحی برای خود بود.

یونسکو از بدو تأسیس يك بخش جوانان داشت و نقش نوجوانان را در تجدید بنای اروپای ویران شده بعد از جنگ مورد توجه قرار داده بود. بویژه فعالیت های یونسکو تقریباً هیچ گاه بدون رابطه با جوانان صورت نمی گرفت.

با وجود این، به استثنای چند نفر، برای مجموع سازمان این انفجارها کاملاً نامنتظره بود. البته اینکه کارکنان یونسکو بیش از دیگران غافلگیر نشدند، تسلی بخش است ولی اینجا و آنجا زمزمه می شد که آنان باید می توانستند چنین پدیده یی را پیش بینی کنند.

تا آن زمان یونسکو در فعالیت های گوناگونش با پسران و دختران جوانی سر و کار داشت که بقول معروف کاملاً «سربراه» بودند و با اشتیاق تمام به عضویت باشگاههای یونسکو در کشورهای در حال توسعه در می آمدند، در برنامه های جهانی تفریح و ورزش آن شرکت

در پانزدهم مه ۱۹۶۸، کنفرانسی در مقر یونسکو، برای تنظیم برنامه پنج ساله آینده، تشکیل شد. در برابر دیدگان ما، مجسمه بزرگ و سفید و زنانه یی از هنری مور، اثر پرتالو میرو و چمن زار مرتب محوطه کاخ، قرار داشت. شاید تنها چیزی که درست سرجای خود به نظر نمی رسید، تابلویی معمایی از پیکاسو بود، گویی این تابلو قهقهه یی مرموز، جنون آسا و آزار دهنده را بذهن متبادر می ساخت. ولی از این گذشته، همه چیز عادی می نمود و هوای تازه یی استنشاق می شد.

در آن تاریخ، فرانسه صحنه حوادث بسیاری بود. اعتصاب دانشجویان، بازار شایعات رونق داشت. شنیده می شد که جوانان با تظاهرات خود جلسات را مختل خواهند کرد؛ پاریس بر اثر اعتصابها در آستانه فلیج شدن قرار داشت و سرانجام فصل جدیدی در تاریخ آغاز می شد - عکس العملهای زنجیروار، اعتصابها، مقابله ها، برخوردها و توافقه های دشوار میان جوانان خشمگین و افراد مستقر، در تقریباً همه جهان.

این جنبش از حد يك کشور یا يك رژیم خاص تجاوز می کرد. جوانان سراسر جهان رشته سخن را بدست می گرفتند، عده یی برضد برخی از جنبه های جامعه خودشان و گروهی دیگر بمخالفت با اعتراض کنندگان داد سخن می دادند



جامعه جهانی ملموس بود و اگرچه این امر بمذاق مردان و زنان خوش نمی آمد.

علیرغم این گونه مخالفتها، یونسکو از نظر اخلاقی گویی در مقام استادی قرار داشت که بخاطر مقاصد عالی، فعالیت شاگردان خود را برانگیخته و اینان را بکسب استقلال اندیشه تشویق کرده و آنان را باین سبب ارج نهاده است. و ناگهان درمی یابد که بیش از آنچه گمان می برده، درزندگی آنها متعهد شده است. متوقف ساختن گفت و گو، پس گرفتن حق ابراز عقیده وقتی که خطری در آن احساس می شود، بمعنای نفی تمام کارهایی است که همراه با این جوانان انجام داده و تمام اصولی است که تا آن زمان به آن پای بند بوده است.

یونسکو پیوسته از آرمانهای جوانان و تغییرپذیری ایشان سخن گفته و همیشه به آنان اعتماد کرده است. ولی کم کم این فکر قوت می گرفت که جوانان کنونی زودتر از نسلهای پیشین بزرگ شده اند. در آنان چیزی بیش از احساس نیرومند نیکخواهی وجود دارد و بحسد کافی بدبینی و واقع گرایی نیز در آنان پدید آمده که دیگر نپذیرند از جانب بزرگسالان طرد شوند یا تحت الشعاع ایشان قرار گیرند. اگر یونسکو می خواست کاری از پیش ببرد، دیگر نمی توانست مانند عموی پیر و رومند

باشگاههای یونسکو در سراسر جهان نشان داده اند که قادرند افکار یونسکو را پخش کنند و در میان جوانان، آرمانهای خود را به پیش برند. امروزه ۱۵۰۰ باشگاه یونسکو در ۵۰ کشور وجود دارد. جوانان ژاپنی (عکس بالا) بیش از ۴۰۰ باشگاه تأسیس کردند و تنها فرانسه با تأسیس ۴۵۰ باشگاه ازین تعداد فراتر رفته است. در اسپانیا، باشگاههای دوستداران یونسکو در چندین شهر بزرگ وجود دارد. در این باشگاهها کنفرانسهای تشکیل می شود، نمایشنامه ها به روی صحنه می آید، کنسرت ها داده می شود، نمایشگاههای هنری ترتیب می یابد و مسایل ملی و بین المللی مورد بحث قرار می گیرد. از طریق کویتهای تعاونی یونسکو، می توان در بسیاری از کشورها، با دادن لوازم تحصیلی و علمی، کتاب و دیگر وسایلی که به تحقق برنامه های مختلف در آسیا، آفریقا، خاورمیانه و آمریکای لاتین کمک کند، مستقیماً در اقدامات یونسکو سهیم شد. کمک کنندگان می توانند کویتهای تعاونی خریداری کنند و آنها را مستقیماً به مؤسسه مورد نظر خود ارسال دارند. بدین ترتیب، بیش از ۴/۵ میلیون دلار برای کمک به برنامه های آموزشی، ساختمان مدارس، کتابخانه ها و موزه ها در کشورهای درحال توسعه، جمع آوری شده است.

و با حسن نیتی «به نفع» جوانان اقدام کند. جوانان خود قادرند حرفشان را بزنند و از منافع خود دفاع کنند. نقش جدید یونسکو نظارت در این امر است که چنین امکانی به جوانان داده شود و در بسیاری موارد، بدین ترتیب ناگزیر است بین جامعه و جوانان، نقش میانجی را ایفا کند. نخست از این رو که در داخل حکومتهای مستقر، وحشتی عظیم از جوانان و بر اثر نسبت دادن خشونت، فساد و کینه جوئی بآنان، بوجود آمده بود که جوانان را چون مسئله یی در برابر جامعه و تهدیدی برای حیات آن تلقی می کردند.

امروز دیگر نخستین امواج ضربات گذشته اند. همان حکومتها بی آنکه بی جهت در خطر باشند، قادرند بفهمند که جوانان می توانند بسیاری چیزها به آنها بیاموزند و کهنه ترین نهادها را زنده و اثر بخش سازند. کافی است مختصر امکانی به آنان داده شود.

بار دیگر، یونسکو در وضعی قرار دارد که می تواند به صد و بیست و پنج کشور عضو خود (با امکان موفقیت متفاوت) القا کند که باید بسخنان جوانان گوش فرا دهند. از این هم مهم بقیه در صفحه بعد

تر، جوانان باید امکان شرکت واقعی در زندگی سیاسی را داشته باشند تا بتوانند درون شالوده های اجتماعی، مسئولیت هایی حقیقی برعهده گیرند. بی شک هیچ چیز برای يك جوان تحقیر آمیزتر و دلسردکننده تر از این نیست که نقش يك گروگان را بازی کند، متعلق به کمیسیونی باشد یا در مقام ذهن پرکنی قرار گیرد. بی آنکه در واقع کوچکترین اثری را دارا باشد. خلاصه در چنین جایی قرارش داده باشند تا جامعه يك جعبه آینه زیبا داشته باشد.

یونسکو و تمام دستگاه ملل متحد موفق بدرك این نکته شدند که گرد آوردن جوانان به خاطر اینکه ادای يك نهاد واقعی را درآوردند، کاری خطرناك است. درك این نکته در مجمع جهانی جوانان که در مقر سازمان ملل متحد در نیویورك تشکیل شد، تحقق پذیرفت. بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد، جوانان ملل متحد در مجمعی فرا خوانده شدند (جوانانی که کم و بیش جوان بودند...) تا راه «مذاکرات مسالمت آمیز» را تجلیل کنند. در نتیجه روزنامه های دنیا از عناوین درشت پوشیده شده: «مجمع جهانی جوانان: جوانان شعارهای بزرگترها را من می کنند. توافق بر سر جنگ تحت الشعاع قرار گرفت»، «مجمع جوانان: می خواهند نمایندگان را اخراج کنند»، «سازمان ملل متحد جوانان: پایانی جنجالی».

و سرانجام دلسردی و بلاتکلیفی بر همه مسلط شد. اکثر حاضران با دیدن «نسل جدید» که در حال ارتکاب اشتباههای ابلهانه پیشینیان بود و دست کم در این نمونه، گذشت و حسن نیت کمتری هم داشت، با دلسردی از مجمع خارج شدند. نظرهای بسیار جالبی از طرف نمایندگان مطرح شد که همه در گزارشهای جنجالی مطبوعات از نظر دور ماند و چون هیچ راهی برای ادامه واقعی فعالیت های کنفرانس پیش بینی نشده بود، این نظرها برای همیشه در ظلمات بیرون، محو گردید.

جامعه نو در سراسر جهان يك خصلت چشم گیر دارد و آن اینکه حکومتها یا نهادهای مستقر، کوچکترین وسیله یی برای شناخت اندیشه های واقعی جوانان ندارند. وقتی هم تلاشی در این راه می کنند، در بهترین صورت، به شکل «شیر یا خط» است. جوانان هم مثل دیگران، هنگامی که در مقابل بررسیها و پرسش نامه های رسمی قرار می گیرند، خواه ناخواه به جدل کشیده می شوند. از سوی دیگر هنگامی که يك سازمان جوانان به بررسی افکار می پردازد، این بررسی اغلب جزئی و ناکام باقی می ماند و تقریباً فقط حاوی پرسشهای محلی است که خارج از يك بخش محدود، ارزش چندانی ندارد.

بدین ترتیب امروز یونسکو، با موافقت و در عین حال همراه با بیم و امید دولتهای عضو، برای درك آنچه در مغز جوانان می گذرد، دست بکار می شود؛ نه تنها در این یا آن کشور، بلکه بدون در نظر گرفتن واحدهای سیاسی و

محدودیت های اجباری آنها، ممکن است در میان جوانان، جریان عمومی مساعدی در راه صلح - طلبی، تفاهم، درستکاری و صداقت وجود داشته باشد. اما تا هنگامی که یونسکو، انباری از اطلاعات راجع به جوانان نداشته باشد و قازمانی که نتواند جریان انکارناپذیر فکری را بین جوانان و تمام نهادهای مستقر جهان برقرار کند، هیچکس نمی تواند درستی ادعای بالارا باوردارد و تازه در آن صورت هم احتیاط و روشن بینی بسیاری برای تفسیر این انبوه واقعیات و رفتارها ضرورت خواهد داشت.

برنامه یونسکو همیشه ایجاب می کند که درباره بعضی مطالب، اندکی سخن بماند آید، ولی درست همین امر است که تا به امروز به حد کافی خود نرسیده است: جوانان افکار خویش را در اجتماعات جوانان صیقل می کنند، عده یی دیگر که کارمند دبیرخانه اند به مسائل سیاسی و اداری پی می برند، سازمانهای جوانان بررسی هایی برای یونسکو انجام می دهند. برنامه یونسکو در تمام جنبه های خود، از آموزش گرفته تا بررسی محیط زیست انسان به نحوی از انحاء به پدید آمدن يك فرهنگ «جوان» مربوط است، یعنی به فرهنگی که خود جوانان می سازند.

در هر حال هدف برنامه، رسیدن به عمل است. یونسکو در این راه، گامهای لرزانی برداشته است. جوانانی چند، دوره کارآموزی تابستانی را در دبیرخانه می بینند. عده یی دیگر برای کار دائم در مقر یونسکو یا در محل تحقیق استخدام و تربیت می شوند. سازمان پیوسته از تمام کشورها تقاضا می کند که دست کم يك جوان را در هیئت نمایندگی خود در کنفرانس عمومی، بگذازند. بدیهی است که تعداد افراد مورد نظر در هیئت های نمایندگی بسیار کم است، دولتهایی وجود دارند که صاف و پوست کنده، طالب چنین نظری نیستند و بنابراین تعداد جوانان در هیئت های نمایندگی دولتها حتی از آنچه می تواند باشد هم کمتر است.

از سوی دیگر، برخی دولتها تصمیم گرفته اند که گامی جلوتر بگذارند و از کارشناسان یونسکو، برای نزدیکی بیشتر با جوانان، استفاده کنند. مثلاً عده یی از دولتها برای تنظیم سیاستهای ملی خود در مورد جوانان تقاضای کمک کرده اند. اگر این سیاستها عملی شوند، جوانان مستقیماً در فعالیت دولتها سهیم خواهند شد و امکان شرکت در توسعه و تکامل جامعه را بدست خواهند آورد.

غالباً، جوانان شاهد ائتلاف استعدادهای خود در کشورشان هستند، زیرا تحصیلاتشان برای جامعه که در آن زندگی می کنند، کمترین ارزشی ندارد و در لحظه یی که بخش مولد زندگی خود را آغاز می کند، کاری بدستشان نمی آید. در پس آمارهای روشن و دقیق بسیاری از کشورهای توسعه یافته و نیافته در بخش مربوط به «جوانان تحصیل کرده بیکار»، این واقعیت ملال انگیز و ناخوشایند دیده می شود. وقتی که

آموزش در مقیاس ملی یا منطقه یی برنامه ریزی نشده باشد، این نوع «اتفاقیات» رخ می دهند.

حتی اگر پس از پایان تحصیل، کاری هم پیدا کنید، باز هم اغلب، وقت خود را به خاطر درسهای کهنه شده و بی ارزش از دست داده اید، به جای سپردن برنامه ریزی و اداره دانشگاهها و مدارس به مدیرانی که موهای فلفل نمکی دارند، یونسکو از مدتها پیش تأکید می کند که جوانان درباره آنچه می آموزند نیز باید اظهار نظر کنند. در اینجا باز یونسکو می تواند نظر هایی را عرضه کند و مزایایشان را برای این یا آن نهاد اجتماعی نشان دهد، می تواند اقدامهای سایر جوانان، در راه سازمان دادن به تحصیلات خویش را بشناساند، اما در نهایت امر، اخذ تصمیم برعهده دانشگاهها و مدارس است و بستگی به ابتکارهایی دارد که دانشجویان خود آماده بدست گرفتن آنند.

تا کنون ما «جوانان» را عملاً بعنوان واژه - یی مترادف «دانشجویان» بکار برده ایم. و بهر حال در ذهن بسیاری از مردم این دو واژه مترادفند: جوانان کسانی هستند که امکان تشکل دارند؛ این جوانان به صورت يك کل در نظر گرفته می شوند و در مطبوعات و ضمن تجزیه و تحلیلها نیز همین مجموعه واحد است که مطرح می شود.

اما چه کسی از دانشجویان بی شماری سخن می گوید که از هرگونه شکل سازمانی گریزانند و می خواهند که سازمانهایشان حد اکثر گشادگی و نرمی ممکن را داشته باشد؟ چه کسی از جوانانی حرف می زند که عملاً هرگز به مدرسه نرفته اند و تنها، بدون امید به یافتن کار، در کوچه و خیابان پرسه می زنند؟ و منشی ها؟ و جوانان کارمند و کارگر؟ چگونه می توان به آنان دست یافت و چگونه می توان آنها را در مجموعه جوانان وارد کرد؟

تماس با گروه جوانان روستایی از اینهم دشوارتر است. این جوانان ممکن است هنوز به بیست سالگی نرسیده باشند اما هرگز چیزی جز کار روی تکه زمین را نشناخته اند. از پاره یی جهات، آنان به کهن سالی خود زمین هستند. اینان هم «جوان» هستند و با وجود این، تعلق به نسل خویش احساس نمی کنند. اگر یونسکو موفق شود مخصوصاً به اینان دست یابد، اگر برای بیان نیازهایشان در زمینه آموزش و کار، يك کرسی در اختیارشان بگذارد، شاید این جوانان هم بتوانند اندکی از لذایذ جوان بودن را احساس کنند.

تعداد کمی از سازمانهای جوانان، به بررسی مسائل جوانان کارگر می پردازند و معدودتر از آن سازمانهایی است که یونسکو بتواند با آنها همکاری کند. اما از این هم که بگذریم، این گروههای جوان، عملاً خارج از دسترس یونسکو قرار دارند.

مسلم است که جوانان «رادیکال» هم وجود



Photo © Eli Attar, New York

جوایز بین‌المللی یونسکو

هدف از جایزه بی‌یر دو کو برتن که هر ساله بوسیله مدیر کل یونسکو داده می‌شود، تشویق روح «درستکاری» در میان ورزشکاران است. از سال ۱۹۶۴ که برای نخستین بار این جایزه داده شد تا کنون، به ترتیب برای تشویق این افراد تعلق گرفته است. یک ایتالیایی (سر خوردن روی برف)، یک دختر آمریکایی (دو میدانی: عکس بالا)، یک یوگسلاوی (کشتی)، یک اسپانیایی (فوتبال)، یک اسپانیایی دیگر (بسکت‌بال)، یک لهستانی (دوچرخه سواری)، تیم‌های فوتبال انگلستان جمهوری فدرال آلمان، فرانسه و ژاپن، و نیز تیم خردسال گلف بازان سوئیس، و همچنین یک مربی فوتبال فرانسوی، یک داور مجارستانی یک Pongiste سوئدی، دو قایق‌ران آمریکایی، یک اسکی‌باز لهستانی و یک بسکت‌بالیست سابق تونس. جوایز دیگری نیز توسط یونسکو یا تحت سرپرستی این سازمان، داده شده است: جایزه کالینگا برای همه فهم کردن مطالب علمی، از سال ۱۹۵۴ به بعد، جایزه علمی یونسکو، که از سال ۱۹۶۸، به کارهای مهم در راه توسعه تکنولوژی، داده می‌شود؛ جایزه «محمدرضا پهلوی» که از سال ۱۹۶۷ بوجود آمد و هدفش پیش‌برد امر با سواد کردن بزرگسالان است؛ جایزه نازدا کروپسکایا، که در سال ۱۹۶۹ بوسیله دولت شوروی ایجاد شد تا به برنامه مبارزه با پیسوادی یونسکو کمک کند؛ و بالاخره، جایزه معماری یونسکو که از سال ۱۹۶۹ به بعد، به برنده یک مسابقه بین‌المللی که ویژه شاگردان مدارس معماری است، اختصاص یافته است.

دارند، تمام آنان که میل دارند در دیوارهای بین‌المللی عقاید خود را ابراز کنند، گروه‌های مختلفی که برای فهماندن ایرادها و خشم‌های خود فعالیت می‌کنند. اینان بی‌شک دور از مجاری رسمی مورد استفاده یونسکو قرار دارند، و طبعاً چشم انداز یک دیدار بین‌المللی معترضان، دولتهای عضو را بطور جدی ناراحت می‌کند. این دولتها منتظرند که نمایندگان شیشه‌ها را بشکنند. اما می‌توان فکر کرد که نگرانی‌های رسمی نیز قدری مبالغه آمیز است.

در واقع، شاید سخنرانان «رادیکال» نیز همین امید را داشتند: ابراز گفتنی‌ها، و در میان جوانان دیگری که گرفتار مشکلات خویشند، مشکلاتی که اختلاف نظرهای شخصی احتمالی را ناچیز می‌سازد؛ بهر حال بدین ترتیب، به آنچه حقیقتاً ناروا و ناجوانمردانه است، و به آنچه از نظر انسانی در مصالحه‌های تمدن غیر قابل تحمل است، آگاهی حاصل می‌شود.

اما چه در مورد جوانانی که خاموشی گزیده‌اند چه آنان که حق سخن گفتن ندارند و چه در مورد مطالعه کنندگان، و منتقدان آگاه، یونسکو می‌تواند به همه امکان بیانی را بدهد که در هیچ کجای دیگر جهان یافت نخواهد شد. البته، این وظیفه آسانی نیست، این نقشی نیست که یونسکو سبکسرانه به آن دست زند. اما جوانان هر روز نماینده بخش مهمتری در جمعیت جهان می‌شوند، هر روز بیش از روز پیش مبدل به قدرتی می‌گردند که باید به حسابش آورد. یونسکو می‌تواند سخنگوی آنان باشد و در صورت لزوم در راه کسب حقوق انسانی و فکری، پشتیبانی رسمی خود را به آنان ارزانی دارد.

ممکن است یونسکو در هیچ موردی نتواند به‌هدف دست یابد. اما موظف است ثابت کند که می‌تواند برای جوانان فایده و خاصیتی داشته باشد. شاید مسئولیت یونسکو در قبال دولتها، بیش از اندازه دست و پاگیر است و شاید هم امکان پشت سر گذاشتن آنها بوجود آید. هنگامی که قرار شد از پناهندگان ناحیه غزه امتحان شود، ملاحظات شخصی کار را از پیش بردند. در این مورد محدود، سیاست و حسن‌نیت، تمام سودجویی‌ها و پلیدیهای جنگ رادگرگون کرد و به یاری مشتی جوان شتافت. امید است هر بار که مسئله‌یی مربوط به جوانان بطور اعم مطرح می‌شود، یونسکو با همین کامیابی مواجه گردد. در واقع یونسکو در حال انجام کاری دشوار است که تا کنون نه از طرف حکومتها (که پاره‌یی از آنها به فضولی هم متهمش می‌کنند) و نه از جانب جوانان، کاملاً بآن ارج نهاده نشده است.

امکان دارد این کاری سخت و بی‌اجر باشد. اما چنانکه یکی از اعضای دبیرخانه به تأکید گفته است، «اگر ما نکوشیم کلامی بسود جوانان در سطح جهانی به زبان آوریم، پس بمن بگوئید چه کسی در این دنیای آشفته و سردرگم این کار را خواهد کرد؟»



Photo John Zimmerman © Life Magazine, New York

کنجکاوی ذهن

دانش نو، به خودی خود، جهانی را بوجود می آورد که گسترش آن بسی سریعتر از افزایش جمعیت و پیشرفت اقتصاد است. تحقیق و توسعه، اقدامات عظیم و پردامنه‌یی هستند که سالانه در جهان، بیش از ۵۰ میلیارد دلار را به خود اختصاص می دهند و به بیش از ۲ میلیون دانشمند و مهندس نیاز دارند. این ارقام نجومی، طی پنج تا ده سال آینده، دوبرابر خواهد شد.

کشورهایی که از نظر داشتن دانشمند و مهندس غنی هستند، کشورهای «پیشرفته» نامیده می شوند. به همان سرعت که قدرت تصور این افراد در آفرینش اندیشه های نو به پیش می رود، رفاه و بهروزی این کشورها نیز افزایش می یابد. در قرن بیستم، کشوری را که از داشتن دانشمند محروم باشد، حتی «در حال توسعه» نیز نمی توان نامید؛ پس دنیا به ملل «صاحب دانش» و ملتهای «محروم از دانش» تقسیم می شود. گروه نخست روز به روز غنی تر می شود و گروه دوم روز به روز، دنباله روتر. بنابراین تعجب آور نیست که سیاستی لازم باشد که بتواند در این اوضاع و احوال نظمی برقرار سازد. دنیای دانش دیگر نمی تواند بیش از این فراموش کند که دانش، به موضوع یک مباحثه عمومی مبدل شده است.

براین اساس یونسکو کوشیده است تا توجه کشورهای در حال توسعه را به اتخاذ سیاستی برای سازمان دادن به فعالیت های علمی و توسعه ظرفیت های فنی ویژه خود، جلب کند. به بیان دیگر مسئله عبارت از پاسخ به پرسشهایی از

چهره شاداب این سه کودک، که در خانه مشغول بازی با تله تایی هستند که به یک ماشین حسابگر متصل است، بخوبی نشان دهنده این امر است که دانش برای جوانان امروزی، یک بازی فوق العاده محسوب می شود. در سراسر جهان، صدها هزار تن از جوانان اوقات فراغت خود را در باشگاههای علمی که به تشویق یونسکو بوجود آمده است، می گذرانند. یونسکو با این عمل راه را هموار کرد، بدین معنی که با مصالح جدید و شیوه ها و تکنیک های نوینی که به مناسبت طرحهای بزرگ نمونه در آمریکای لاتین، آسیا، آفریقا و کشورهای عربی، وارد کار نمود، روشهای تازه ای از برخورد با مساله آموزشی علمی را برانگیخت و در چهارچوب این طرحها، گروههایی از شخصیت های برجسته، طی دوره هایی یکساله گرد هم آورده شدند تا آموزش رشته های مختلف را در مجموعه خود مجدداً طراحی کنند - فیزیک در سانتوپاولو (برزیل)، شیمی در بانکوک (تایلند)، زیست شناسی در کیپ کوست (غنا)، و ریاضیات در قاهره (مصر). «جزوه یونسکو برای آموزش علوم» که چاپ اول آن در سال ۱۹۶۷ منتشر شد و حاوی تجربیات و آزمایشهای بسیاری است که می توان به کمک وسایل ساده موجود انجام داد، سال به سال با استقبال بیشتری در کتابفروشی ها، مواجه شده و هم اکنون به ۴۸ زبان انتشار یافته است. پیشرفت انفجاری شناسایی های علمی یونسکو را واداشت که تأسیس یک «بانک بین المللی مدارك علمی را پیشنهاد کند. این بانک باید بتواند در نهایت سرعت اطلاعات علمی مورد نیاز دانشمندان جهان را در اختیار آنان بگذارد. در این طرح که به طرح یونی سیست Unisist مشهور است، شیوه های عقلانی کردن ماشین حسابگر و رابطه بین شبکه های اسناد و مدارك فعلی و ایجاد سیستم های جدید اطلاعاتی برای کشورهایی که از آن محروم اند، پیش بینی شده است.

این گونه است: آیا این یا آن کشور می تواند تحقیق و توسعه را در محدوده ملی خود تأمین کند یا ناگزیر از وارد کردن یک تکنولوژی است؟ آیا قادر است محققان خود را تربیت کند یا باید آنان را به خارج بفرستد و خطر «فرار مغزها» را پذیرا شود؟

پیش از هرچیز باید یک سؤال اساسی را مطرح ساخت و آن اینکه برای تحقیق و توسعه، یک کشور به چه منابعی نیاز دارد؟ تمام این پرسشها درباره کشوری مصداق دارد که الزاماً دارای دستگاههای صالح برای تعیین یک سیاست علمی باشد؛ چه باید کرد، چگونه و چه وقت؟

با کمک به استقرار چنین دستگاهها و با تأمین همکاری کارشناسان، یونسکو کشورهای جهان سوم را در راه تعیین مناسب ترین سیاستها در زمینه علمی، یاری کرده است.

نقش یونسکو در زمینه اساسی تربیت دانشمندان، جزئی از مجموعه فعالیت های این سازمان در قلمرو آموزش است. قواعد اصلی در تمام موارد یکسانند. موضوع ادامه حیات مطرح است، یعنی آموزش علمی باید حتی الامکان پیشرفته و عالی باشد. اگر قرار است کشوری از صفر شروع کند، یونسکو می کوشد تا در آن کشور، پایه های لازم را بوجود آورد. و اگر آموزش علمی قبلاً در کشور وجود داشته باشد، یونسکو می تواند امر تحقیق را تقویت کند، کارشناسانی برای بهبود آن و رساندن آن به بالاترین سطح در اختیار آن کشور بگذارد.

در بادی امر چنین می‌نماید که طرز فکر علمی را می‌توان به افراد متعلق به هر نوع فرهنگی پیوند زد. در واقع، تربیت علمی و فنی در صورتی «خواهد گرفت» که در یک مجموعه جا بیفتد. در این‌جا باید از یک مورد اغراق آمیز یاد کرد: سابقاً، در بسیاری از کشورهای آفریقایی، تنها کتابهای زیست‌شناسی موجود، به شرح گیاهان و جانوران یک کشور اروپایی، یعنی کشوری که کتابها در آنجا تدوین می‌شدند، می‌پرداختند. بنابراین زیست‌شناسان کشورهای آفریقایی می‌توانستند طی ساعات درس، به جای آگاه شدن از محیط خودشان، جزئیات گوناگونی مثلاً در باره بوته‌های علف انگلستان بیاموزند.

بدیهی است که چنین وضعی دور از منطق است. اما این یونسکو بود که با صرف پول و وقت فراوان، به تدوین کتابهای زیست‌شناسی واقعاً آفریقایی پرداخت.

در مورد تربیت مهندسان، از طریق طرحهای راهنما، در نواحی مختلف جهان نیز بدین گونه اقدام شده است. یعنی کوشش بعمل آمده تا افراد با ظرفیتهایی تعلیم یابند که دقیقاً منطبق بر نیازهای صنعتی و اجتماعی کشورشان باشد. ماشینها، بناها و وسایط حمل و نقل تغییر می‌کنند؛ در مورد تربیت انسانهایی که طراح، سازنده و حافظ این وسایلند نیز راهی جز این نیست.

یونسکو در کار دسته‌بندی کشورهای است که در شرایط اقتصادی و طبیعی مشابهی بسر می‌برند، می‌کوشد تا اطلاعاتی را که هر یک از این کشورها، کم‌کم و با اشکال زیاد بدست آورده‌اند، بین کشورهای دیگر پخش کند. بدین ترتیب کشورهایی که در شرایط یکسان قرار دارند و شاید نسبت به هم در دو نقطه مقابل جهان جای گرفته‌اند، خواهند توانست از آهستگی چنین شیوه‌یی اجتناب کنند.

بالاخره، برای کسی که دانشمند یا مهندس می‌شود مسئله قابل توجهی باقی می‌ماند و آن، موضوع پذیرش ذهنی تازه‌هاست. در این زمینه، حوادث چنان به سرعت به دنبال یکدیگر می‌آیند که اگر خود را در جریان آن قرار ندهید نه فقط اطلاعاتتان کهنه می‌شود، بلکه واقعاً دیگر به حرفه خود تعلق نخواهید داشت. یک دانشمند سال ۱۹۷۰ که در حدود معلومات ۱۹۶۵ خود باقی مانده باشد و به آن اکتفا کند، مثل اینست که به کیمیاگری دست بزند و با خواندن اوراد بکوشد که سرب را به طلا مبدل سازد.

تا حدود سال ۱۹۵۰ در زمینه تحقیق امکان آن بود که انسان با خواندن هر مقاله به محض انتشار و وقف اوقات آزاد خود به «آموزش مداوم»، سری در سرها داشته باشد. امروزه فقط در علوم طبیعی، سالانه نزدیک به سه میلیون مقاله در جهان منتشر می‌شود و تازه از کتابهای علمی و جزوه‌هایی که ظاهراً کتابخانه‌ها را انباشته‌اند صحبت نمی‌کنیم. آیا تسلط، حتی بر بخشی کوچک و کاملاً تخصصی در میان این

انبوه امکان دارد؟ یک فکر انسانی در این تلاش بسادگی خواهد سوخت - و آنوقت جهان پر از دانشمندان به ثمر نرسیده خواهد شد.

چنین سرعتی در تحقیق و گردآوری مدارک که از عهده انسان خارج است، تنها به برکت وجود «ماشین حسابگر» ممکن گردیده است. و باز منحصراً در پرتو این ماشین است که امکان پیش روی با این سرعت بوجود آمده است. چه مقدار از این تولید علمی، تکرار تجارب مشابه است؟ چه گرایشهایی از خلال این توده انبوه ظاهر می‌شوند؟ تنها یک «ماشین حسابگر» می‌تواند به این پرسشها پاسخ دهد. حتی اگر یونسکو برای برخی آثار منتشر شده، بخواهد به تهیه فهرست دست بزند، نتیجه کارش جز دست یافتن به بعضی عناوین کتاب چیز دیگری نخواهد بود. مسئله حقیقی اینست که محتوی این عنوانها چیست.

مسئله چقدر ساده می‌شد، اگر تمام ماشینهای حسابگر جهان به یک زبان بکار می‌آمدند، اگر امکان داشت که اطلاعات، به محض وصول، گردآوری و قابل استفاده می‌شد! چه خوب بود اگر دست کم بر سر اصطلاحات مأخذ و مترادف توافق می‌شد... و اگر سیستمهای گوناگون ماشینهای حسابگر، دست کم بصورت همگون درمی‌آمدند!

برای نیل به این هدف، یونسکو دست به ایجاد یک سازمان جهانی اطلاعات علمی موسوم به «UNISIST» زده است. این سازمان که هنوز در مرحله طرح است، مبشر دگرگون کردن برداشتهای مربوط به نفس معرفت علمی است. هیچ کشور و هیچ گروه تحقیقی، برای عضویت در این سازمان، اجبار نخواهد داشت، اما باید امیدوار بود که با گسترش سرمایه اطلاعاتی و تحلیلی آن، هیچ فرد علاقه‌مند به بررسی‌های علمی نتواند آنرا نادیده انگارد.

بدیهی است که «یونی‌سیست» چه از محققان و چه از ملتها، فروتنی نوینی خواهد خواست. اکتشافات افراد، هرچه کمتر به عنوان اموال خصوصی برای بهره‌برداری و سود، تلقی خواهد شد. این اکتشافات به نوعی بانک جهانی تلقی و به سود همگان، واریز خواهد گردید.

یونسکو نشان داده است که این همکاری بین‌المللی کاملاً قابل حصول است. البته کاوشهای فضایی کار ملتهای جدا، با بودجه‌ها و برنامه‌های متمایز بود. اما کاوش در فضای بی‌انتهای دیگری یعنی اقیانوسها در سایه یک تلاش هماهنگ بین‌المللی بابتکار یونسکو آغاز شد. در ابتداء، مدت شش سال اقیانوس هند مورد مطالعه قرار گرفت. ناوگان و دانشمندان ۲۵ کشور جهان، این آبها را در تمام جهات پیمودند، از آن نمونه برداری کردند، اعماق را به منظور تهیه نقشه‌یی از پهنه‌های سرد و تاریک آن، مورد بررسی قرار دادند، جریانهای آب را مطالعه کردند و از مشکلات زندگی حیوانی و گیاهی، سیاهه‌یی برداشتند. در میان این کشتی‌ها و تجهیزات مختلف، از دستگاههای شکفت‌انگیزی

که در آزمایشگاههای شناور قرار داشتند، تا بطری‌هایی که در کنار قایق‌های ماهی‌گیری، در آب غوطه‌ور بود، همه چیز دیده می‌شد... از هر سو باران اطلاعات، شگفتی‌های جالب توجهی برانگیخت. مثلاً تا مدت‌های دراز، دانشمندان به وجود یک جریان قوی و سریع دریایی که در امتداد سواحل شرقی آفریقا به سوی شمال در حرکت است، اعتقاد داشتند و نام آن را جریان سومالی گذاشته بودند. اما تا آن زمان نه نقشه آنرا رسم کرده و نه سرعتش را اندازه گرفته بودند. در واقع این جریان وجود داشت، اما آنچه باعث تعجب شد این بود که این جریان منحصر به فرد، نیمی از سال ناپدید می‌گشت. هنگامی که باد موسمی جنوب غربی بر می‌خیزد، جریان با سرعتی نزدیک به دو برابر سرعت گلف‌استریم به سوی شمال می‌لغزد. اما پس از فرو نشستن طوفان، هنگامی که جهت باد معکوس می‌شود، جریان سومالی به انحراف ناچیزی رو به جنوب، مبدل می‌گردد.

آنچه دانشمندان در محل کشف کردند، طرز کار یک توربین عظیم طبیعی، یعنی طوفان، بود که گویی با باز و بسته شدن یک کلید به کار می‌افتد... به جای عنوان کردن فرضیه‌ها درباره تاثیر بادها بر جریانات سطح اقیانوس، امکان آن بدست آمد که برای نخستین بار این اثر را اندازه بگیرند، گویی که تمام پهنه آبها، جز آزمایشگاه وسیعی نیست.

سؤال دیگری که اقیانوس‌شناسان، پاسخش را می‌جستند، این بود که چرا اقیانوس هند بعکس سایر اقیانوس‌ها از نظر ماهی‌گیری چندان مناسب نیست؟ بازی سرنوشت چنین پیش آورده است که در ساحل این اقیانوس، کشورهای قرار گرفته‌اند که متراکمترین جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند و نیازشان به پروتئین و بنا - براین به ماهی - بسیار شدید است. محققان کشف کردند که به دلایلی که هنوز روشن نیست، بعضی از لایه‌های آب اقیانوس هند از نظر اکسیژن بسیار فقیر است و زندگی حیوانی و گیاهی در این لایه‌ها، دچار خفقتان می‌شود.

یک جریان صعودی آب، سرشار از زندگی، پیدا شد، اما تنها به کمک جدیدترین تجهیزات ماهی‌گیری امکان بهره‌برداری از این جریان وجود داشت. غذا آنجا، در آن نزدیکی است، اما دور از دسترس کسانی که به آن نیاز دارند و تنها برای مردم ثروتمندی قابل دسترسی است که می‌توانند آن را برای مصرف خود بردارند.

در واقع ثروت اقیانوسها، ذخایر معدنی اعماق و سایر منابع دست نخورده آن به که باید برسند؟ تا به امروز هنوز توافق رضایت بخشی صورت نگرفته است، اما هرچه کاوش در مدیترانه، جنوب اقیانوس اطلس و غرب اقیانوس آرام گسترش یابد، هرچه کشتی‌های اقیانوس‌شناسی بیشتر به انبوه ثروتهای معدنی برخورد کنند که





Photo © Schmidt-Nielsen



Photo © APN

زمین‌های خشک بارور ساختن زمین‌های بی‌حاصل

از سال ۱۹۴۸، یونسکو به اجرای یک برنامه بین‌المللی تحقیقی درباره نواحی خشک که یک سوم از سطح زمین را تشکیل می‌دهند، دست زد. هزاران متخصص از ۴۰ کشور مختلف، در این بررسی‌ها شرکت کردند. هدف این مطالعه تحقیق در آب‌های زیر-زمینی، شرایط آب و هوایی، اثر انرژی ناشی از آفتاب و باد بر گیاهان، محیط زندگی انسانی گیاهی و حیوانی بود. بعد به دنبال این برنامه، در سال ۱۹۶۵، دهه بین‌المللی آب شناسی از طرف یونسکو شروع شد. عکس بالا مربوط به آزمایش‌هایی است که در سال ۱۹۵۴ با کمک یونسکو، در الجزایر انجام شد و طی آن طاقت شترها به تحمل بی‌آبی‌های طولانی در صحرا مورد مطالعه قرار گرفت. در اینجا حیوانی را که مدت هشت روز آب نخورده‌است، وزن می‌کنند. عکس سمت راست، تحقیق درباره کشت‌های غیر خاکی را نشان می‌دهد: یک متخصص آمریکایی در امر درختان میوه‌دار، در حال بررسی رده‌های درخت سیبی است که در ماسه‌هایی که با ترکیبات شیمیایی تقویت شده‌اند، کاشته شده‌است. یونسکو طی این بیست و پنج سال حیات خود، برنامه‌هایی درباره فیزیولوژی گیاهان به مرحله اجرا گذارده است. یونسکو هم چنین به یک مسئله خاص در مناطق خشک نیز توجه داشته‌است و آن مسئله زمین‌های شور و آب‌های زیرزمینی شور بوده است. در سال ۱۹۶۳ این سازمان با همکاری فرهنگستان علوم شوروی و ازبکستان، جلسه مشاوره‌ای برای بحث بر سر این مسئله در تاشکند تشکیل داد. عکس بالا سمت راست، قسمتی از یک کانال وسیع آب را نشان می‌دهد که در منطقه آسیای مرکزی شوروی در دست ساختمان است.



Photo © Agenca Intercontinentale

کنجکاوی ذهن (بقیه)

فقط کمی دور از دسترس هستند (هم چنان که تصادفاً در دریای سرخ پیش آمد)، نیاز به یک توافق در قالب شیوه ملل متحد، بیشتر احساس خواهد شد.

اگر گشاده دستی، که گاه خاص طبیعت است، زمینه را برای حرص و خودخواهی افراد آماده می‌کند، در عوض، خشونت‌های محیط طبیعی اغلب، خواه و ناخواه انسانها را به گرد هم می‌آورد تا برای ادامه حیات مشترکاً تلاش کنند. وقتی پوسته زمین تکان می‌خورد، می‌لرزد و زلزله‌های هولناک را بوجود می‌آورد، وقتی طوفانها زوزه کشان، دار و درخت را می‌رویند، چنین به نظر می‌رسد که در برابر تلاش ناچیز انسانها، طبیعت قدرت شکست انگیزی را به نمایش می‌گذارد. آنوقت، چون کودکان، در ترس ناامیدی، به یکدیگر می‌آویزیم.

این بلایای طبیعی اجتناب‌ناپذیرند. اما تعاون بین‌المللی به ما اجازه می‌دهد که احتمالاً آنها را پیش‌بینی کنیم و برای مقابله با آن، آماده باشیم.

علم نسبتاً نوین زلزله‌شناسی، کاری طولانی را برعهده گرفته است که عبارت است از ضبط و توضیح امواج ضربات زلزله‌ها پس از وقوع. این نتایج از طریق یونسکو، در همه‌جا در دسترس است. مرحله بعدی بهم آمیختن این اطلاعات و جستجوی عاملی است که در ارتباط با لرزش پوسته زمین است. با انجام این کار، انسان روزی خواهد توانست با دقت تمام پیش‌بینی کند کی و کجا زلزله بوقوع خواهد پیوست و بدین ترتیب مردم فرصت‌هایی از آن‌را خواهند یافت.

فعلاً رشته جدیدی از زلزله‌شناسی، به بررسی اشکال و نحوه‌های معماری ارتباط پیدا کرده است. تا ساختمانها قادر به مقاومت در برابر زلزله باشند. اگر روزی مجبور به زندگی در منطقه‌ی زلزله‌خیز بودید، به شما اخطار خواهد شد که مسکنتان را برای چند ساعت ترك کنید و پس از وقوع لرزش، به خانه‌سالم و دست نخورده خود برخواهید گشت. شاید یکی دو قابلو از دیوارها کنده شده باشد، یا یکی دو طرفی که فرصت جمع کردنشان را نداشته‌اید شکسته باشند. اما این خود جای امیدواری است. آنچه امروز می‌توان با اطمینان اعلام کرد، اینست که در آینده محتمل است این بلایا به مسائل عادی خسته‌کننده‌ی بدل شوند.

در تمام رشته‌های علمی، تحقیق چنان پیچیده و بفرنج شده است که هیچ کشوری نه می‌تواند تنها، با نیروی خود، تمام طرحهای عرضه شده را اجرا کند و نه انبوه متخصصان مورد نیاز را پروراند. مثلاً در تحقیقات هسته‌ی، مخارج تجهیزات و افراد خبره سر به فلک می‌زند و مدتهاست که یونسکو به لزوم همکاری بین - المللی در این زمینه پی برده است. یونسکو با ایجاد سازمان اروپایی تحقیقات هسته‌ی، که اغلب با علامت اختصاری CERN شناخته می‌شود، نقش

قاطعی در این امر بازی کرده است. دامنه مطالعات این سازمان با پشتیبانی یونسکو توسعه یافته است. اکنون در ژنو، این سازمان در کار ساختن بزرگترین دستگاههای شتاب‌دهنده به ذرات، در جهان است.

در علوم زیستی، طرحها ظاهراً کم عظمت - ترند. اما در واقع این طرحها هم بهایی گزاف دارند. مطالعه چنین‌شناسی پستانداران، از راه رشد موش در لوله‌های آزمایش، معرف آمیزه جدیدی از علوم است: زیست‌شناسی، شیمی، مکانیک مواد سیال برای جفت مصنوعی، الکترونیک پیشرفته و غیره.

انجام دادن تحقیقات درباره مغز و یاخته‌ها، هر يك گنج قارون را لازم دارند و مستلزم صدها محقق، جمع‌آوری مشکل داده‌های جزیی برای تشخیص ماهیت يك ماده شیمیایی، پیش‌برد يك تکنیک پیچیده و وارد کردن تغییرات ظریف در فرضیه‌های دیگر است. اینها، در حقیقت، وظایفی در حد جهانی محسوب می‌شوند. شاید چنین بنظر رسد که هدف دانش نو درهم شکستن کره خاکی است، اما اگر بخواهیم روندی را که حیات ما ناشی از آنست، بهتر بشناسیم و تقریباً از نو آن‌را بیافرینیم، باید بعنوان زندگی واحد، و بایک ذهن علمی واحد، رفتار کنیم.



Photo © Haroun Tazieff



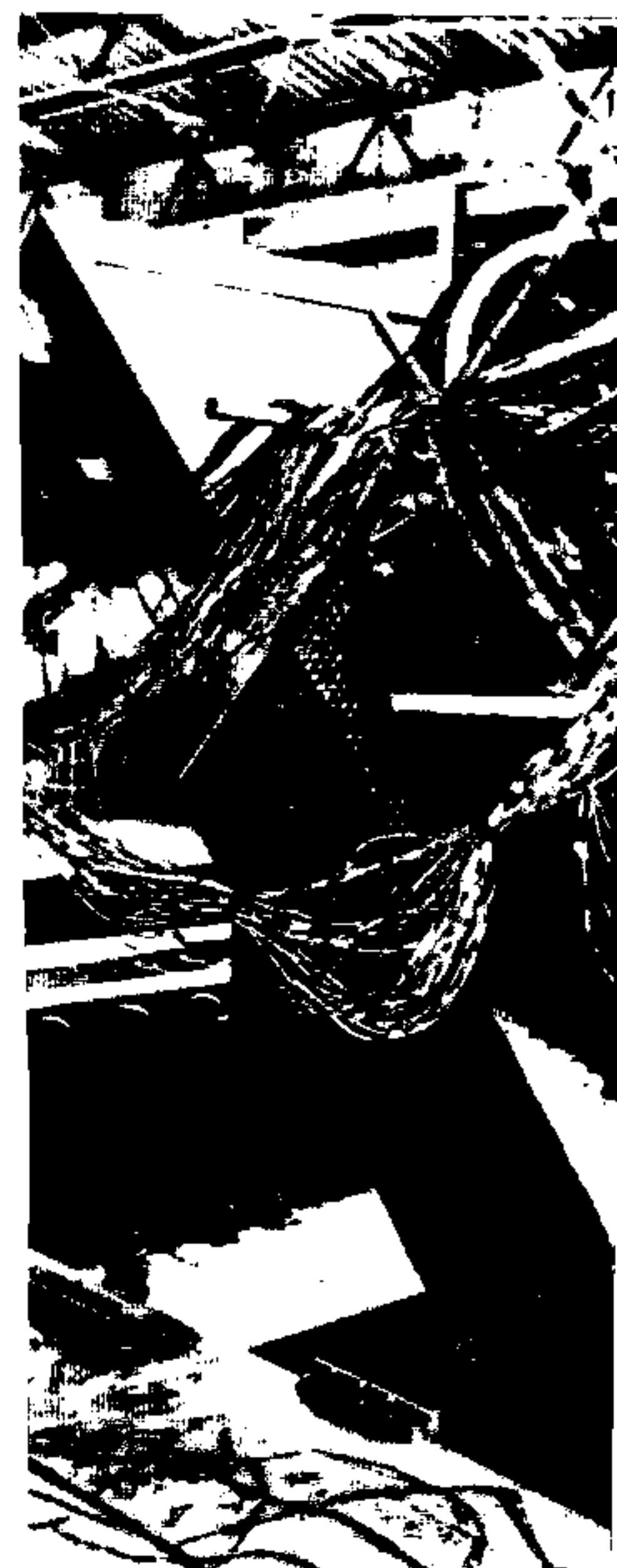
Photo K. Takeyama

مبارزه با بلایای طبیعی

یونسکو طی سالهای حیات خود، در زمینه علمی، برنامه مفصلی در باره مطالعه و پیشگیری بلایای طبیعی یعنی زلزله، جندر و مدهای ناشی از لرزش کف دریاها، طغیان آبها و آتشفشانیها را منظور داشته است. متخصصان یونسکو می-توانند فوراً به يك منطقه آسیب دیده بروند تا زلزله یا هر نوع بلیه دیگری را مورد مطالعه قرار دهند. عکس سمت راست، «هارون تازی یف» متخصص مشهور کوههای آتشفشانی را نشان می دهد که در مأموریت خود در سال ۱۹۶۴ از طرف یونسکو، مشغول بررسی آتشفشانی ایرازوکی در کوستاریکا است. تا سال ۱۹۷۰، بیش از بیست هیئت از طرف یونسکو مأموریت یافتند که مناطق زلزله زده را در چین زلزله مورد بررسی قرار دهند، از جمله اسکوپلیه (یوگسلاوی) آنکاش (برو) و دشت بیاض (ایران). ژاپن یکی از کشورهایی است که تجربه زیادی در امر ساختن بناهای ضد زلزله بدست آورده است. به این سبب، با همکاری صندوق ویژه ملل متحد، یونسکو يك مؤسسه بین المللی زلزله شناسی در توکیو تأسیس کرده است که در آن، متخصصان آینده کشورهای زلزله خیز تعلیم می گیرند. در عکس زیر سمت راست دستگاه زلزله نگار دیده می شود. این ماشین در مؤسسه تحقیقات ساختمانی توکیو قرار دارد و توسط دانشجویان مؤسسه بین المللی مورد استفاده قرار می گیرد. یونسکو همچنین در تأسیس مرکز بین المللی زلزله - شناسی ادیمبورگ در اسکاتلند، شرکت داشته است. این مرکز اطلاعاتی را که از طریق شبکه یی متشکل از ۶۰۰ رصدخانه در سراسر جهان، بدست می آید، جمع آوری و بررسی می کند. از طرف دیگر، پیش بینی و پیشگیری طغیان آبها در برنامه دهه آب شناسی قرار دارد که تحت سرپرستی یونسکو اداره می شود. يك الگوی ریاضی که توسط یونسکو ساخته شده است (اردیناتور و برنامه برای توسعه دلتای مکنونک) برای پیش بینی طغیانهای رودخانه در کامبوج مورد استفاده قرار گرفته است. عکس زیر يك قایقران مکنونک را نشان می دهد.



Photo © Raymond Cauchatier



خاموشی ذهن

در زمینهای خود، ترکیبات شیمیایی بکار برده بودند؛ باد و باران زمینها را شستند و ترکیبات شیمیایی را به دریا بردند، گیاهان دریایی این مواد را جذب کردند؛ ماهیها این گیاهان را خوردند؛ صیادان ماهیها را گرفتند و به غذای حیوانات مبدل کردند؛ بالاخره این غذاها را کشاورزان خریدند و بدین ترتیب یک دور کامل طی شد با این خصوصیت که در تمام مراحل بین راه نیز آلودگی بوجود آمد.

آنچه در این قضیه بیش از همه سهمگین است، وارد شدن حشره کشها در دور گردش باد و آب است. آلودگی از راه قطرات آب می تواند به هر نقطه ای از کره برسد و در هزاران کیلومتری نقطه مبدأ، خسارت ببار آورد. بی شک دور گردش آب حامل زندگی است ولی لازم است که کاملاً مورد بررسی قرار گیرد و حفاظت شود، والا گرفتاریهای بزرگی ببار خواهد آورد.

یونسکو ده سال وقت به مطالعه آب شناسی در جهان اختصاص داده است. مقدار آب موجود بطور دقیق چقدر است؟ در کجا قرار دارد؟ با نحوه مصرف کنونی، ذخایر آب تا چه مدت دیگر کفایت خواهند کرد؟ اگر بخشی از یخهای قطبی را ذوب کنیم، بی آنکه سطح اقیانوسها بالا بیاید چه مقدار بر ذخیره آب افزوده خواهد شد؟

بسیاری از منابع آب، دست نخورده باقی مانده اند، مثلاً حوزه علیای ریوپاراگوئه، در ماتوگروسو (آمریکای جنوبی)، این منطقه را پانتانال می نامند که واژه ای است پرتغالی به معنای «مرداب». وسعت مجموع این منطقه به اندازه وسعت کشور فرانسه است. این منبع، به برکت یک طرح مشترک یونسکو و حکومت برزیل، اکنون تحت بررسی است و مقدار آب شیرین آن حساب شده است. این آب در راه رشد و توسعه برزیل و سپس، بلیوی و پاراگوئه صرف خواهد شد.

برای تشخیص یک کشور کاملاً صنعتی پیشرفته، از یک کشور در حال توسعه، یک وسیله وجود دارد و آن میزان مصرف سرانه آب است. برای بقیه در صفحه ۴۱

شناسی انجام داده، روشن شده است که خود اقیانوس هم در معرض خطر تبدیل به یک فاضلاب قرار دارد. ریختن مقداری تفاله در اعماق اقیانوس، به آن می ماند که قطره ای آب در یک حوض بیندازیم؛ اما که می داند که این قطره آلوده توسط جریانهای آب به کجا خواهد رفت و چه تأثیری بر پاکی و صافی دریا خواهد داشت؟ یک تکه مس در یک برکه بیندازید و به بینید که چه بر سر ماهیها می آید. یا از این هم بدتر، مقدار ناچیزی جیوه آلی به کار ببرید. البته ماهیها و گیاهانی که آن را جذب می کنند، ممکن است هم چنان به زندگی ادامه دهند، ولی در جسم آنها جیوه به چنان نسبتی متراکم می شود که برای هر کس که آنها را بخورد، در حکم سم است.

در قاره ها، آب رساندن به یک منطقه وسیع خشک، چون گامی بلند به پیش محبوب می شود، ولی تأثیر آن برای آب و هوای نواحی مجاور چه خواهد بود؟ برای هر پیشرفت خوش اثر که در کره مسکون صورت می گیرد، ظاهراً باید در جایی دیگر، بهای آنرا پرداخت.

د. د. ت و سایر هیدروکربن های کلردار، جزء لاینفک زندگی قرن بیستم شده اند و این مواد حشرات حامل مالاریا و تیفوس را از بین می برند، موجودات مضر را که به کشت لطمه می زنند، می کشند، و حتی پارچه را از آفت بید مصون می دارند. در این صورت تعجب زیادی ندارد که آثار د. د. ت حتی در پنگوئن های قطب جنوب هم ظاهر شده و این ماده از راه گیاهان دریایی و ماهیها به آنها رسیده باشد. تیزهوشی فراوانی لازم نیست تا به فهمیم که از بین رفتن اسرارآمیز گروه گروه پرندگان دریایی، به همین نوع از پدیده ها بستگی دارد.

و حشره کشها به کمک انسان، یک سیستم مبادله کوچک بوجود می آورند که خاص خودشان است. یک مورد خارق العاده در این زمینه، مرغان خانگی بودند که هرگز در ده رها نشده بودند ولی در بدن آنها آثار د. د. ت وجود داشت. این د. د. ت از کجا می توانست بیاید؟ قضیه به قصه های کودکان شباهت دارد؛ کشاورزان

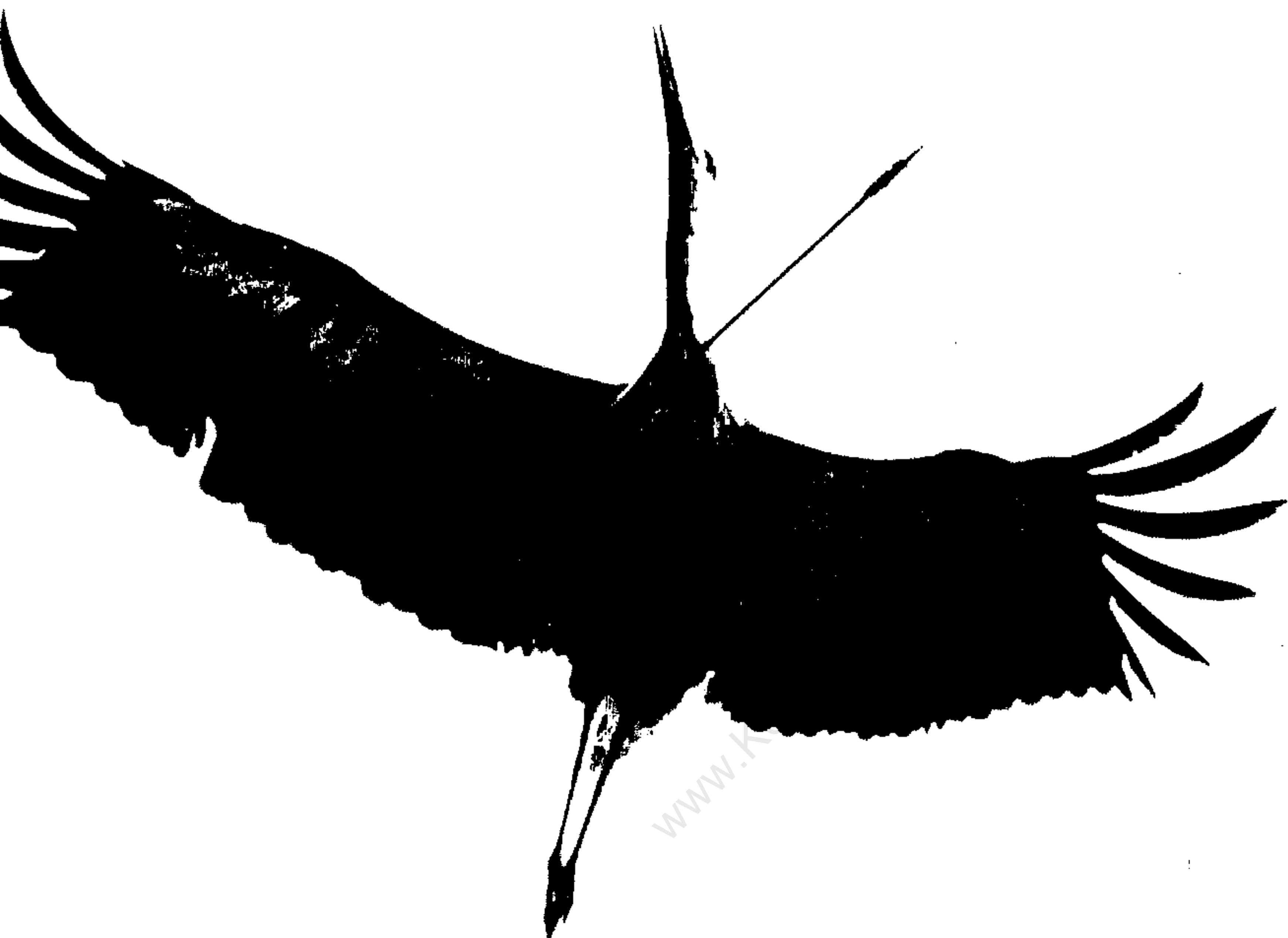
ما با محیط زیست نامساعدی که حامل مرگ است، دست بگریبانیم و خود را به سطح گلوله بزرگی چسبانده ایم که زمین نام دارد. سه میلیارد سال پیش بر اثر سلسله حوادثی که هنوز روشن نیست، پوسته ای ظریف و زود شکن به دور این گلوله بسته شد. بر اثر تابش انرژی خورشید بر روی آن، شرایط لازم زندگی و جریانهای پیچیده ای که قادر به حفظ این زندگی هستند، ظاهر شدند. اکسیژن و آب به وجود آمد و در نتیجه آن زندگی گیاهان میسر شد. بعد زندگی حیوانی ظاهر گشت و اوج تکامل آن، یعنی انسان پدید آمد، گروهی از موجودات زنده تغییر شکل دادند تا تکیه گاه موجودات بعدی را به وجود آورند و همه چیز در حالت تعادلی ظریف و دقیق شروع به کار کرد.

این پوسته نازک که بنحوی معجزه آسا تشکیل شد - یعنی بیوسفر «کره مسکون» - ظاهراً راحت و پایان ناپذیر به نظر می رسید، تا هنگامی که بشر با تمام مهارت و هوش خود دریافت که در این مورد راه اغراق پیموده است. حتی امروز هم کسی درست نمی داند که یک انفجار اتمی یا پرتاب موشک از وراء آن به سوی فضا، چه اثری بر کره مسکون می گذارد. هیچ کس نمی داند که منابع کره زمین که تکیه گاه زندگی است چه وقت بپایان خواهد رسید و چه وقت آب و اکسیژن از بین خواهند رفت و کره زمین را آرام آرام به نیستی خواهند کشاند.

خیلی پیش از آن که بحث درباره اکولوژی عامه پسند شود، دانشمندان پی بردند که انسان با بخت خود ستیز می کند و منابع گرانبهای طبیعت را به نحوی غیر معقول و مرگبار از بین می برد و تلف می کند. بدین ترتیب واقعیت مسلمی، ظاهر می شود و آن اینکه هیچ کشوری به تنهایی نمی تواند کره زمین را نجات دهد. برخی کشورها بیش از دیگران ایجاد آلودگی می کنند، از طبیعت بیشتر بهره می گیرند و در نتیجه بیشتر به آن آسیب می رسانند، ولی نتایج این امر متوجه همگان می شود. بر طبق تحقیقاتی که یونسکو در اقیانوس-

«سری به شکل منظره»، تابلوی متعلق به قرن ۱۷، اثر ژ. دومومپر نقاش فلامان





برای آنکه لك لكها هم زنده باشند



این لك لك در اثریش، هدف تیر يك وحشی قرار گرفت و تیر سینه او را سوراخ کرد. او با وجود جراحت در جستجوی غذا برای جوجه‌هایش بود. بالاخره موفق شدند او را بگیرند و دامپزشکان تیر را از سینه‌اش درآوردند، حفظ جان حیوانات و منابع طبیعی در جهان، همواره یکی از بزرگترین انگیزه‌های یونسکو بوده است. به این منظور یونسکو با اتحادیه بین‌المللی حفظ طبیعت و منابع طبیعی، و نیز با سازمان تغذیه و خواربار جهانی، همکاری نزدیک داشته است. در ۱۹۵۷، يك هیئت از طرف یونسکو به جزایر گالاپاگوس رفت تا در محل، دربارهٔ وسایل حفظ يك منطقه منحصر به فرد جانوری، مطالعه کند. بدنبال این بررسی، تأسیس مرکز چارلز داروین و يك پایگاه تحقیقات زیست‌شناسی در جزایر گالاپاگوس، سال ۱۹۶۴ به كمك یونسکو تحقق یافت. هیئت دیگری از یونسکو، به سرپرستی سر جولیان هکسلی، در ۱۹۶۵ به آفریقا رفت تا در محل، درباره چگونگی حفظ جانوران و منابع طبیعی آفریقای مرکزی و شرقی بررسی کند. يك مرکز منطقه‌ای یونسکو در امر علوم و تکنولوژی، در نایروبی (کنیا)، هم اکنون برای حل مسائل مربوط به حفظ طبیعت به دول مختلف آفریقا كمك می‌کند.

خاموشی ذهن (بقیه)

کشورهای غنی، جمله قدیمی «هدر دادن پول مثل آب» را باید عوض کرد. باید گفت «هدر دادن آب مثل پول»، این کشورها طوری آب مصرف می‌کنند که گویی ذخیره‌یی تمام نشدنی وجود دارد.

در مورد تمام منابع و ثروت‌های زمین، انسانها باید یاد بگیرند که چون محصل و کشاورز رفتار کنند، نه مانند يك ارباب بی مروت. پس از پیدایش ماهواره‌ها امکان یافتیم سطح زمین را مورد مطالعه قرار دهیم و ببینیم که مناطقی وجود دارند که هیچ نوع گیاهی در آنها نیست، مناطقی هستند که خاکشان شور شده است و هیچ چیز در آن نمی‌روید. هم چنین گرایشهای بزرگ آب و هوایی نیز زیر دوربین به روشنی دیده می‌شود. خلاصه تمام کره زمین در حال فعالیت است و می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. حال وظیفه یونسکو است که این بررسی‌ها را تشویق کند و خود به عنوان يك مرکز، کشورها را یاری دهد تا برای حفظ منابعی که حکم نعمت آسمانی را دارند، طرح‌ریزی کنند.

يك هدف دیگر عبارت از پیدا کردن علائم خطر طبیعی است تا به محض آنکه انسان از حد تجاوز کرد و تعادل طبیعت را به خطر انداخت، شروع به کار کند. چنانکه در قدیم معدن‌چیان برای رفتن به راهروهای زیر زمینی يك قناری با خود می‌بردند. وقتی پرنده بر اثر گاز می‌مرد، علامت آن بود که انسان باید خود را نجات دهد امروزه وقتی يك نوع معین از موجودات در معرض خطر قرار می‌گیرد، یا وقتی يك تغییر بزرگ در طبیعت بوجود می‌آید، شاید علائم خبر دهنده‌یی از این نوع وجود داشته باشد. برماست که یاد بگیریم این علائم را تعبیر کنیم.

شاید بزرگترین کمکی که یونسکو می‌تواند به اکولوژی مبذول دارد و تحقق آنها سالها زمان می‌خواهد، عبارت از ایجاد توافقی بین ملت‌هاست، بطوری که متقابلاً یکدیگر را آلوده نکنند. حکومتها باید بپذیرند که يك شیوه بین‌المللی بازرسی و مراقبت محیط، برای ادامه حیات مطلقاً لازم است.

ولی تا هنگامی که مسئله اساسی صریحاً مطرح نشود، تمام توافقات بی‌بهره خواهند بود. هر نوع آلودگی در جهان علتی دارد و آن علت انسان است. اما آلودگی جهان، خیلی پیش از سال ۲۰۰۰، دو برابر خواهد شد. راه حل‌های هوشمندانه‌یی که علم برای این مسئله خواهد یافت، هیچ دردی را درمان نمی‌کند، چرا که آلودگی جزئی از زندگی خواهد شد. مابصورت خرگوشهایی داخل قفس در خواهیم آمد، جیره غذایی محدودی خواهیم داشت، در کثافت خود غوطه خواهیم خورد، با سرعتی جنون‌آسا تولید مثل خواهیم کرد و جنگ سختی برای بدست آوردن آب و غذا در پیش خواهیم داشت، تازنده بمانیم.

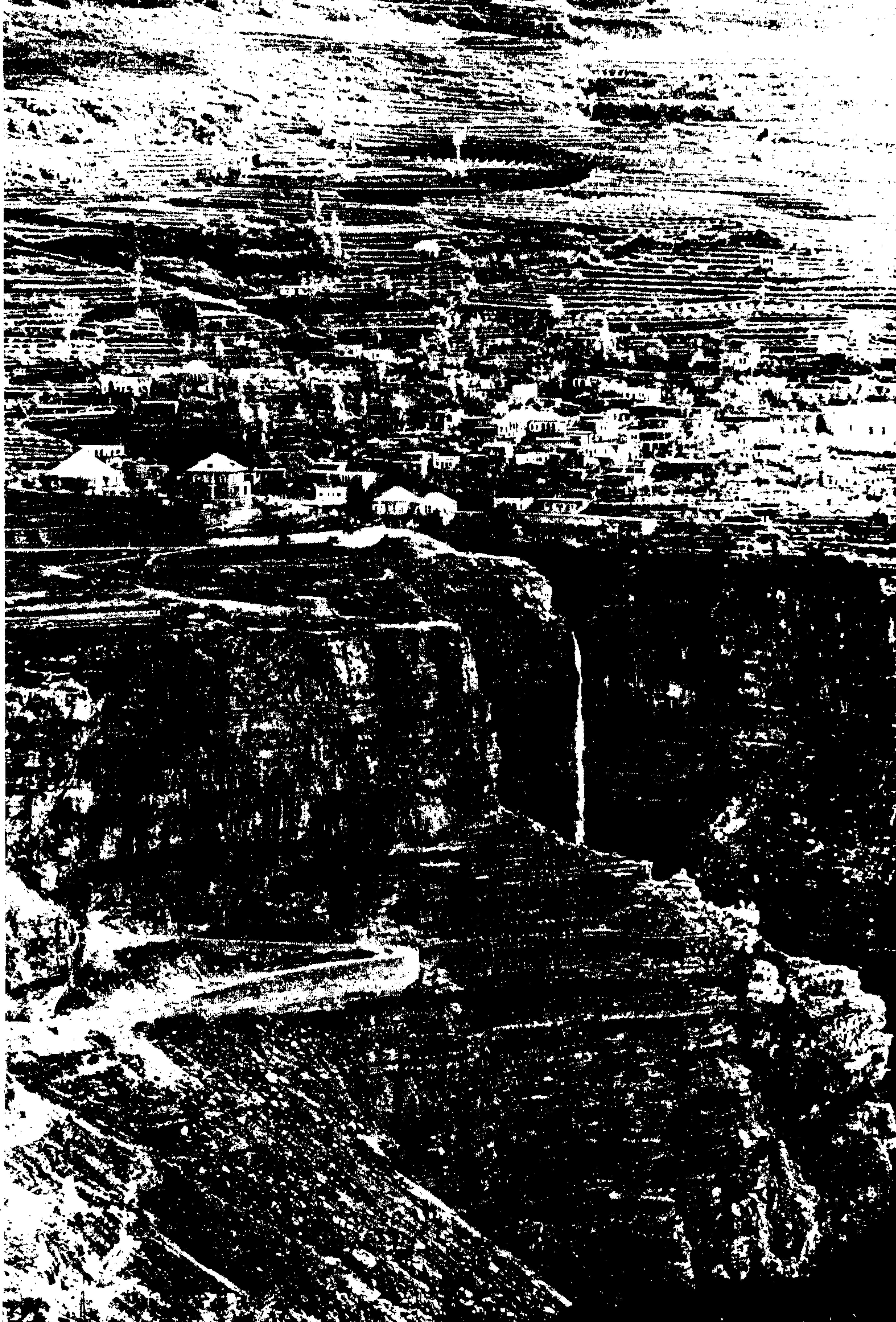
این صحنه هیچ‌چیز خوش‌آیندی در بر

بقیه در صفحه ۴۳



Photos © Gamma





ندارد. اما اگر رشد جمعیت متوقف نشود، تحقق آن اجتناب ناپذیر خواهد بود. سخن گفتن از آلودگی صنعتی، مسمومیت شیمیایی و هدر دادن منابع، بسیار آسان است... و گناه آن همواره به گردن دیگری می‌افتد. اما در مورد «بمب» جمعیتی، ما فقط می‌توانیم خودمان را سرزنش کنیم. و هیچ‌کس نمی‌تواند این مسئله را حل کند، مگر افرادی که برای هم‌نوعان خود آنقدر احترام قائلند که فرزندان معدودی داشته باشند.

ضمن تمام کارهایی که یونسکو در مورد اکولوژی انجام داده است، اندیشه‌ی حکمفرما بوده است و آن اینکه استفاده محیط برای انسان باید بسیار بیشتر از یک جیره غذایی یا یک قطعه زمین باشد. چرا که بهر حال انسان با خرگوش فرق دارد. زندگی انسان باید از کیفیاتی برخوردار باشد. دنیای او باید برای تکان خوردن، جا داشته باشد، باید دارای چشم انداز، رنگ، انگیزه‌ها و عواطفی باشد. و الا زندگی انسان جز زندگی حیوانی نخواهد بود و شایسته نام انسانی نیست.

علیرغم کوشش دانشمندان، با وجود کوشش یونسکو، اگر ما هم‌چنان به آلوده کردن دنیای خود ادامه دهیم، در آینده ناگزیر خواهیم بود با فرزندان خود، روزهای غمناکی را بگذرانیم و بر زندگی خود به تلخی تأسف خوریم. ■

در گذشته، در لبنان جنگل‌های انبوه سدر، نزدیک به نیم میلیون هکتار زمین را می‌پوشاندند. نخست فنیقیان و بعد اخلاف آنان از این جنگل‌ها که چوبشان برای ساختن کشتی مناسب بود، آنقدر استفاده کردند که تنها چهار مجموعه کوچک از آن باقی ماند. دولت لبنان به اجرای «طرح سبز» که برنامه وسیعی در احیاء جنگل‌هاست، همت گماشته است. در امتداد سلسله کوه‌های لبنان، روی سطوح هموار متصل به دیواره‌های سنگی کوه یا مشرف بر دیواره عمودی، در دشتی که رودخانه ابوعلی جریان دارد، نهالهای سدر و صنوبر کشت شده است. در همدارادن به افکار عمومی جهان در مورد اهمیت حفظ منابع طبیعی، یونسکو نقش تعیین کننده‌ی بازی کرده است. در ۱۹۶۸ یونسکو با همکاری سازمان ملل متحد، سازمان کشاورزی و خواربار جهانی، سازمان جهانی بهداشت، برنامه بین‌المللی زیست شناسی، و اتحادیه بین‌المللی حفظ طبیعت و منابع طبیعی، برای نخستین بار کنفرانسی درباره استفاده عقلانی و نگهداری از منابع طبیعی کره مسکون تشکیل داد. بدنبال این کنفرانس، یونسکو یک برنامه بین المللی دراز مدت درباره «انسان و کره مسکون» ترتیب داد تا طی آن مسائل علمی، فنی، آموزشی و نهادی مربوط به استفاده عقلانی از منابع طبیعی و محیط زیست را مورد بررسی قرار دهد.

انعکاس‌هایی از یونسکو در جهان

«در ذهن انسان‌ها» عنوان اثری است که به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد یونسکو منتشر شده است. این کتاب که مقدمه آنرا رنه ماهو، مدیر کل یونسکو نوشته است، حاوی بررسی‌هایی از چهارده شخصیت عالیقدر دنیای تعلیم و تربیت، علم و فرهنگ است که از نزدیک با یونسکو همکاری داشته‌اند. چکیده‌هایی از آن ذیلا نقل می‌شود.

برای آنکه یکدیگر را بفهمیم

کوشش‌هایی که در راه ارتباط بین المللی می‌شود، اغلب با شکست مواجه می‌گردد. این شکست گاه به ایجاد احساس محرومیت و حتی وقاحت می‌انجامد. حتی وقتی این کوشش‌ها موفقیت آمیزند، مستلزم انرژی و حوصله‌ی بیش از ارتباطی می‌باشند که به مرزهای ملی محدود می‌شود. در این صورت چگونه می‌توان پذیرفت که آرمان ارتباط فکری بین‌المللی چنین جاذبه‌ی را داراست؟ آشکارا پیداست که ارتباط بین‌المللی از امید به صلح حکایت می‌کند. ولی حتی وقتی موفقیت آمیز باشد، نمی‌تواند به این مناسبت، صلح را تضمین کند. دیدیم که ملل اروپایی بطور کاملاً آزاد، سال‌ها با هم ارتباط داشتند، لکن، به جنگ‌های کشنده‌ی علیه یکدیگر دست زدند؟ معذک مسلم است که اگر تشکیل نمونه‌های ملی را از روی گذشته قضاوت کنیم، شخصیت‌زدایی دشمن، مسخ نیات، و حتی سادس ترین اظهارات او، ناتوانی در قبول این امر که افراد معقول بر حسب تاریخ خود می‌توانند دیدن‌های کاملاً متفاوتی داشته باشند، عواملی به شمار می‌آیند که در ایجاد جنگ سهیم بودند. واضح است که شناسایی و معرفت، ضامن صلح نیست، ولی مطمئناً می‌تواند بهانه‌های جنگ را تقلیل دهد.

چارلز فرانکل

استاد فلسفه در دانشگاه کلمبیا، نیویورک،

هزار جنبه و یک آرمان

آسیا قاره عظیمی است که هنگام تأسیس یونسکو یک میلیارد جمعیت داشت و حال این جمعیت دوبرابر شده است. آسیا هم چنین مردمان و ملل گوناگونی را در خود جای داده که، ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و لیبرال و مخلوط و نیز مذاهب بزرگ تاریخی از بودیسم، هندوئیسم، اسلام و مسیحیت، در این قاره در کنار هم زندگی می‌کنند.

بالاخره آسیا، از نظر ارزش فرهنگی و مبارزه‌ی که علیه فقر می‌کند، واحد و متحد است. یونسکو ناگزیر بود این مشخصات اساسی آسیا یعنی عظمت، گوناگونی، و وحدت آنرا در نظر بگیرد.

ملکولم. س. آدیسه‌شیاه

معاون سابق مدیر کل یونسکو

عنصر فعال و نه تماشاچی

یونسکو نه یک فرهنگستان است، نه یک آزمایشگاه علمی، و نه یک کرسی آزاد، یونسکو سازمانی است که در زمینه خاص خود، یعنی تعاون و کمک بین‌المللی، عمل می‌کند.

یونسکو در تمام جهان برنامه‌ی تدوین کرده و به مرحله اجرا گذارده است که به تعلیم و تربیت، علم و فرهنگ اختصاص دارد. این برنامه روشن و مشخص را دولت‌های عضو آزادانه پذیرفته‌اند. این دولت‌ها یونسکو را تأسیس نکردند که خود تماشاگران بی‌تفاوت آن باشند، آنها خود عوامل فعال این عمل‌اند.

آتیلیو دلو رومانی

رئیس کنفرانس عمومی یونسکو (۱۹۷۰)

انفجار در تعلیم و تربیت

انفجار در امر تعلیم و تربیت که طی ۲۵ سال اخیر صورت گرفت حال باید به الزام‌های پر کیفیت پاسخ دهد. در تمام نقاط جهان، سیستم‌های آموزشی نیاز به نو شدن دارند. دورنماهای جدید ناشی از مفهوم آموزش مداوم تغییرات بنیادی را در تمام جوامع روشن می‌کند. این جوامع خود راه خویش را انتخاب می‌کنند. در جریان توسعه سالهای ۷۰، یونسکو باید با عرضه کردن داده‌های جدید، نقش میانجی را بازی کند و نیز نقش آن در تعاون منطقه‌ی و بین‌المللی دامنه وسیع‌تری خواهد یافت.

پرم نه کیرپال

رئیس شورای اجرایی یونسکو

همه چیز، اما برای همه

یونسکو یک وزارتخانه جهانی آموزش نیست، اما همواره توانسته است روی «عدم تبعیض» در امر آموزش تکیه کند، و این فکر بر مبنای اعتقادات اخلاقی خلیل‌ناپذیر استوار است. یونسکو بطور دائم به مسئله عدم تبعیض بر می‌گردد و به نحوی خستگی ناپذیر تکرار می‌کند که باید تمام حقوقی که می‌توانند تحقق یابند، به نفع کسانی که پوستشان سیاه یا سفید است، بنفع دختران و پسران و همواره بدون در نظر گرفتن مذاهبشان، به مرحله تحقق در آیند.

لیونل الوین

مدیر سابق بخش آموزش یونسکو

یک خمیر مایه اترانسینوالیسم

مایقین داریم در دنیایی که در آن آموزش سواد همگانی و فرهنگ بین‌المللی از هر زمان دیگر رایج‌تر شود و علم دیگر امتیازی نباشد که به چند مؤسسه دانشگاهی در چند کشور اختصاص داشته باشد، چنین دنیایی بیشتر در صلح به سر خواهد برد. اما برای رسیدن به آن، مهمترین مسئله، مسئله آموزش است. پیش از هر چیز باید امکان آموزش را در آنجا که وجود ندارد، بوجود آورد، بعد باید آموزش را در تمام سطوح،

ذهن خلاق

بخاطر داریم که زمانی فرهنگ، تجملی خاص ثروتمندان و کسانی بود که وقت کافی برای پرداختن به آن را داشتند؛ یادتان هست که بعضی از فرهنگ‌ها «بدوی» تلقی می‌شد؟ قواعد فرهنگ «حقیقی» را در پایتخت‌های اروپایی معین می‌کردند و «بومیان» بقیه جهان فقط وظیفه داشتند از آن تقلید کنند. هنوز در برخی از نواحی جهان آن زمان به سر نیامده است. تعریف‌های کهنه به سختی می‌میرند.

در قرن نوزدهم، کسی که از تاریخ و ادبیات شرق و آفریقا حتی يك كلمه هم نمی‌دانست، باز جزء شرکت کنندگان در جنبش فرهنگی به حساب می‌آمد. اما دیگر وضع چنین نیست. «ویسلر» در کننده کاری روی چوب، تکنیک‌های ژاپنی را بکار برد و پیکاسو در مجسمه‌های آفریقایی معنای جدیدی از حجم‌ها و شکل‌ها یافت.

به دنبال این مردان، انسان غربی کم‌کم چشم خود را باز کرد و نخست دید که از چه چیزهایی غافل بوده است. ولی هنوز آثار اصیل معدودی در دسترس بود، تا اینکه یونسکو به عنوان پیشگام وارد عمل شد و راهی را گشود که بسیار پر اهمیت‌تر از راه تجارت بین شرق و غرب بود. این راه، راه تفاهم در ادبیات و هنر بود. در زمینه ادبیات، تعداد زیادی از مترجمان شروع به برگرداندن آثار نمونه شرق کردند. اشعار و قصه‌های بسیاری از زبانهای عربی، برمه‌یی، سیلانی، چینی، کره‌یی، اندونزی، فارسی، عبری، ژاپنی، اردو، تایلندی، ویتنامی و زبانهای غیر روسی شوروی و زبانهای هند مثل سانسکریت، هندی، بنگالی، و تامیل - به فرانسه و انگلیسی برگردانده شد.

هم‌چنین به کمک یونسکو، متون بودایی که به زبان پالی نوشته شده بود، و نیز مجموعه نادری از «متون مقدس شرق» از زبانهای سانسکریت، پالی و چینی، به انگلیسی ترجمه شد.

اما این جریان يك طرفه نبود. آثار دیکنس به زبان برمه‌یی، پلوتارک به چینی، سوفکل و مولیر به زبانهای هندی، نیچه به فارسی، شکسپیر به تایلندی، و ولتر نیز به زبان ویتنامی برگردانده

شد. اینها فقط چند نمونه‌اند. معذک يك داستان کوتاه کلاسیک مربوط به قرن سیزدهم ژاپن، یا يك داستان شکسپیری مربوط به قرن شانزدهم انگلستان نمی‌توانند در - باره حساسیت ژاپنی‌ها یا انگلیسی‌های قرن بیستم، کاملاً گویا باشند. برای آنکه جریان کامل باشد، باید آثار نویسندگان معاصر را نیز دربر بگیرد.

انتخاب آثار کلاسیک برای ترجمه، نسبتاً ساده است، اما انتخاب مثنی نویسنده معاصر از میان صدها نفر، و سرمایه‌گذاری در انتشاراتی که احتمالاً هیچگونه موفقیت تجارتي نخواهد داشت، لازمه‌اش مباحثات و جدل‌های بسیار، و تشکیل کمیسیونهایی از بلند مرتبه‌ترین ادیبان است.

در سال ۱۹۶۵، یونسکو تصمیم گرفت آثار يك شاعر یونانی، یعنی گیورگیوس را منتشر سازد. این شاعر در خارج از کشور خود، تقریباً ناشناس بود، ولی در سال ۱۹۶۳ به اخذ جایزه نوبل در ادبیات توفیق یافت. آیا این امر حسن تصادفی برای کارشناسان یونسکو شمرده می‌شده؟ قطعاً بیشتر از يك حسن تصادف است، چرا که این کارشناسان، یا سوفا ری کاواپاتا، برنده جایزه نوبل سال ۱۹۶۸ را نیز قبلاً انتخاب کرده بودند.

بعدها یونسکو فهرست ترجمه‌های خود را اعم از کلاسیک و نو، در مجلدی به قطر يك دفتر قلفن و تحت عنوانی چشم‌گیر به زبان لاتینی (فهرست مترجم)، منتشر ساخت. چنانچه شما مایل باشید نوشته‌یی از يك کشور خارجی و يك فرهنگ دیگر را بخوانید، این کاتولوگ، فهرست آثاری را که فعلاً به زبان شما موجودند، در اختیارتان می‌گذارد.

در کوششی برای پخش يك میراث فرهنگی، اختلاف زبان نخستین مانع است. اما مشکلات و موانع غیرمنتظره دیگری نیز در راه تفاهم وجود دارد. درباره موسیقی گفته‌اند که همچون لبخند، زبانی جهانی است. ولی این زبان هم فرهنگ خاص و اژه‌های خود را دارد.

و در این مورد، لغت‌نامه‌هایی هم نیست که تفاوت‌های زبانی را روشن کند. تنها راه «شنیدن»

موسیقی شرقی برای يك نفر غربی، آنست که به کرات به چیزی گوش دهد که در وهله اول، چون معجون زشتی از سر و صدا و ناله و فریاد به نظرش می‌رسد. يك گوش «شرقی» به نوبه خود، باید در میان غرش‌های نامشخص يك سمفونی بشوون صداها را تشخیص دهد. همه این کارها زبان می‌خواهد، ولی همواره شناسایی زیبایی و عظمت «دیگران» ممکن است.

با آنکه موسیقی غربی معمولاً در شرق هم شنیده می‌شود، پیش از آنکه یونسکو منتخبی از موسیقی مشرق‌زمین را تهیه کند، غربیها امکان چندانی برای شنیدن موسیقی شرقی (ژاپنی، تبتی، هندی، ایرانی، و غیره) نداشتند. وقتی این صفحات با استقبال روبرو شد، یونسکو این بار همین کار را با موسیقی آفریقایی شروع کرد تا آهنگ‌ها و اصوات آن را بشناساند.

تنها شکلی از هنر که اصلاً - یا تقریباً - نیاز به ترجمه ندارد، نقاشی است. هنگامی که يك هنرمند بسیار بزرگ، جهان را به طرز جدیدی نگاه می‌کند، نگاه تمام دنیا عوض می‌شود.

در کشورهای غنی، کتابهای مجلل هنری و موزه‌های انباشته، در اختیار همگانند. ولی در کشورهای در حال توسعه، دسترسی به جهان نقاشی تقریباً ناممکن است. دست کم تا هنگام تأسیس «موزه بی دیوار»، توسط یونسکو، چنین بود. این «موزه» شامل چند نمایشگاه سیار از عکس‌های آثار نقاشی و دو مجلد بزرگ شامل منتخبی از گراورهای رنگی جهان است.

ولی در جایی که می‌توان به هر نوع کتاب هنری زیبا دسترسی داشت، انتشار کتابهای متعدد از مینیاتورهای ایرانی کتابخانه سلطنتی، دست نویس‌های مصور اقیوی و موزائیک‌ها و نقاشی - های دیواری بیزانسی در قبرس، برای ناشر چندان صرفه‌یی ندارد. به نحوی که بار وظیفه شناساندن این آثار از راه کمک مالی به انتشارشان، به دوش یونسکو می‌افتد.

تمام این طرح‌ها حاوی وسیع‌ترین فرهنگ‌ها بود. ولی یکی از خصوصیات که در جهان، به فرهنگ چنین جذابیت می‌بخشد، گوناگونی معجزه‌آسای آنست، و در برخی موارد، عجایب بقیه در صفحه ۴۶

یونسکو طی سالیان، به منظور تأمین رشد قدرتهای خلاق و سهولت دسترسی به فرهنگ هنری، تحقق آثار اصیل و بدیع خود را افزایش داده است. آلبومهای هنری، کتابهای هنری جیبی، اسلایدهای هنری، نمایشگاههای سیار، کاتالوگهای چاپی از تابلوهای نقاشی، ترجمه آثار بزرگ ادبی، صفحات موسیقی، آثار ترکیبی که به رابطه بین هنرها و زندگی اختصاص دارند. به خاطر پیشبرد برنامههای جدید برای تشویق هر نوع خلاقیت فکری در جامعه معاصر، یونسکو با انجمنهای بزرگ بینالمللی غیردولتی همکاری نزدیک دارد. با مؤسسه بینالمللی تئاتر، برای رشد و پیشبرد تحقیق و آموزش، برای مدارس هنرهای دراماتیک، باشورای بینالمللی موسیقی، برای بخش و شناساندن موسیقی شرقی، غربی و افریقایی، با کمک انجمن بینالمللی هنرهای تجسمی، یونسکو در سال ۱۹۷۱، یک کنکور «آفیش» برای جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله ترتیب داده است که مضمون آن «دنایای درخور شماست». در سال ۱۹۷۳، طی یک اجتماع مهم، هنرمندان جوان را دعوت خواهد کرد تا عقیده خود را در مورد مسائلی که در مقابل آفرینندگان هنر قرار دارند، ابراز کنند و در مورد آینده هنر اظهار نظر نمایند. مطلع ساختن هنرمندان آماتور، بازگرداندن هنرمند به مقام شایسته او در جامعه، مسائلی هستند که در زمینه آموزش هنری مورد توجه دائمی یونسکو میباشند.

Photo © The Merrill-Palmer Institute - Donna J. Harris



شاهکار های جهانی



دانته
(۱۲۶۵ تا ۱۳۲۱)



تاراس شوچنکو
(۱۸۹۶ تا ۱۸۹۱)



شکسپیر
(۱۵۶۴ تا ۱۶۱۶)



دوستوئوف، سارمی لیتو
(۱۸۱۱ تا ۱۸۸۱)



رایموند راتس
(۱۸۶۱ تا ۱۹۴۱)



روین هازار
(۱۸۶۷ تا ۱۸۱۶)



لاوتسولو
(قرن سوم پیش از میلاد)



اونامرو
(۱۸۶۴ تا ۱۹۴۶)



مانوئل دوزو گالوان
(۱۸۴۴ تا ۱۹۱۰)



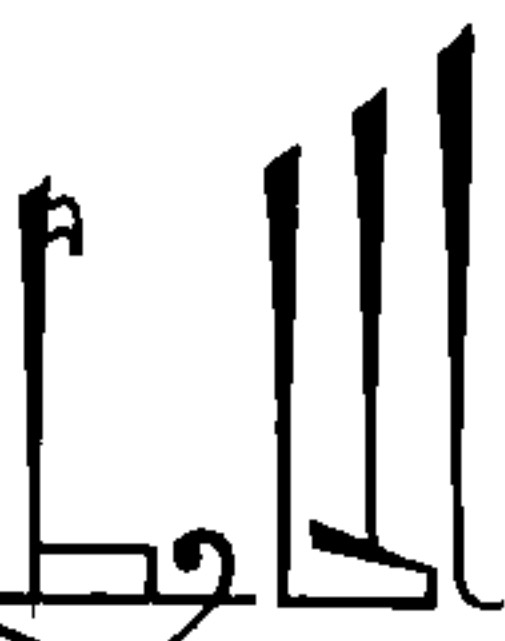
ملیح جونات آدای
(مولد ۱۹۱۵)



هنری توررو
(۱۸۱۷ تا ۱۸۶۳)



مولترو لونا تو
(۱۸۸۳ تا ۱۹۶۸)



جاحظ
(۷۷۶ تا ۸۶۸)



تولستوی
(۱۸۳۴ تا ۱۸۶۳)

ذهن خلاق (بقیه)

برخی نقاط و برخی از حساسیت هاست. کشوری که طعم خاص خود را نداشته باشد، به آدمی بی چهره می ماند، مثل هر نوع تظاهری از شخصیت، این طعم هم همراه با آگاهی روز افزون به هویت خود، پیدا می شود. و اگر مورد تشویق و ترغیب قرار نگیرد، برای همیشه از دست می رود. وقتی یونسکو تأسیس شد، یکی از عمده ترین وظایفش این بود که به کشورهای آسیب دیده در جنگ بفهماند که در کوشش برای تجدید بنای کشور، از میراث فرهنگی خود غافل نمانند. اغلب کشورها از خرج پول در راه فرهنگ، آبا دارند.

چرا در برخی از کشورها در برخی دوره ها، چنان جرقه هایی از انرژی خلاق بوجود می آید که جامعه هنری آنها درخشش خاصی به خود می گیرد؟

چه نیروهایی بودند که آثار رنسانس فلورانس را بوجود آوردند کدام عوامل در پیدایش شاهکارهای سلسله «تاتنگ» در چین دخالت داشتند؟ ریشه اختراعات هنر «آزتک» در کجاست؟ اگر بخواهیم شرایط چنین خلاقیتی

چنین اثری است. از اینهم بیشتر، لازم بود در این اثر، پیش داوریهای ملی افراد، کنار گذاشته شود. پس گروهی از متخصصان بین المللی دست به دست هم دادند تا مجموع ماجرای بشری را گردآوری کنند، و هر یک از اعضای گروه حق داشت نظریات و عقاید شخصی اش را در رشته خویش، حفظ کند.

در حال حاضر، اقدامات اختصاصی تری در جریانند که مربوط به واحدهای فرهنگی متمایز از یکدیگر می شوند؛ امریکای لاتین، اقیانوسیه یی، مالایایی، عربی و هندی. یکی از بلند پروازانه ترین این اقدامات، «تاریخ عمومی افریقا» در هشت جلد است که شامل تحول افریقا از دوره ماقبل تاریخ خود یعنی قرن هفتم پیش از میلاد تا به امروز می شود. به انجام رساندن اثری از این نوع، معمولاً مستلزم کاوش در انبوهی از اسناد و مدارک گرد گرفته، و راه یابی از خلال مجموعه یی از چیزهای مرده می باشد.

در اینجا، برای کسب دست کم بخشی از مصالح تاریخی و اجتماعی لازم، تنها راه ممکن عبارت بود از گوش کردن و ضبط تعداد بسیاری

را دوباره ایجاد کنیم، باید فرهنگ را نه به عنوان سرگرمی یا یک فعالیت ثانوی، بلکه به عنوان جزء تفکیک ناپذیری از یک تمدن و زندگی آن، مورد مطالعه قرار دهیم.

علم، طی قرون متعددی، جزئی از فرهنگ بوده است. یک اتوموبیل خوش طرح هم به اندازه ارابه یک فرعون، تظاهری از فرهنگ است. به محض آنکه مسئله از این دیدگاه مورد توجه قرار می گیرد، تمام خود نمایی هایی که از دیرباز با فرهنگ همراهند، کم کم محو می شوند و بدین ترتیب فرهنگ یک ملت خاصیت هدایت شدن را پیدا می کند.

تصادفی نیست که از طرف یونسکو، فرهنگ در ارتباط سخت با مطالعه علوم اجتماعی تلقی می شود. پیش از تدوین یک سیاست فرهنگی برای این یا آن ناحیه از جهان، باید گذشته و عادات و سنن این ناحیه را در وسیع ترین متن ممکن، مورد مطالعه قرار داد. تا حدی به این خاطر بود که شش مجلد عظیم «تاریخ توسعه علمی و فنی بشریت» نوشته شد.

عنوان کتاب، خود بیان کننده دامنه عظیم



گیور کوریوس سفریس
(متولد ۱۹۵۵)



یاسوناری کاویاتا
(متولد ۱۸۹۹)



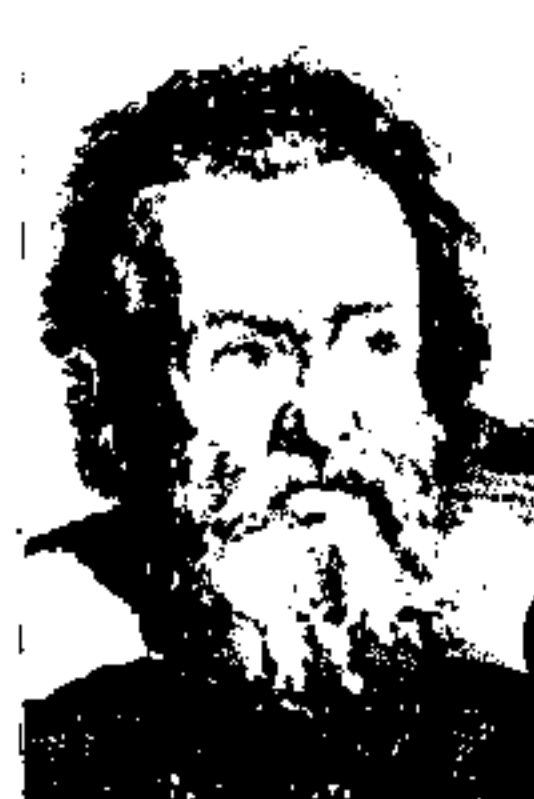
زورال
(۱۹۵۸ تا ۱۹۹۱)



سفریس
(۱۹۶۶ تا ۱۹۶۶)



زور روسو
(۱۹۷۸ تا ۱۹۷۲)



کالیله
(۱۹۶۶ تا ۱۹۶۶)



خوزه هاریتی
(۱۸۵۲ تا ۱۸۸۵)



تولستوی
(۱۸۲۸ تا ۱۹۱۰)



لیپینر
(۱۸۶۶ تا ۱۹۱۶)



پ. م. ماجادو دو آسپسی
(۱۸۶۸ تا ۱۹۰۸)

ادبیات آسیایی و ۴۰ زبان اروپایی در این مجموعه جای دارند. آثار ادبی غیر اسلاو شوروی و چند نوع ادبیات افریقایی نیز جزء این فهرست است. برخی از این ترجمه‌ها برای عامه مردم تهیه شده و بصورت کتابهایی به قطع جیبی و با تیراژ زیاد، انتشار یافته است. علاوه بر آن انتشار آثاری در باره بیان ادبی فرهنگ‌های بزرگ آسیایی، در این برنامه جای دارد. همانطور که این صنایع مورد نشان می‌دهد، نویسندگانی که آثارشان در برنامه ترجمه قرار دارد، یک اجتماع بین‌المللی از افراد مشهور را تشکیل می‌دهند. آثار دولتر اول، گیورگیوس سفریس و یاسوناری کاویاتا، پیش از آنکه نویسندگانشان به اخذ این افتخار بین‌المللی که جایزه ادبی نوبل است، موفق شوند، از طرف یونسکو انتخاب شده بود.

پیش از ۴۰۰ ترجمه از آثار بزرگ منتشر شده و ۷۵ ترجمه دیگر در حال تهیه است. این نتیجه قابل ملاحظه برنامه یونسکو در زمینه ترجمه است که در سال ۱۹۶۸ شروع شد. هدف این برنامه ایجاد تفاهم متقابل بین ملت‌ها، از راه انتشار شاهکارهای کلاسیک یا معاصر تمام جهان بود. هر سال یونسکو دهها ترجمه از این نوع آثار را تدارک می‌بیند که اغلب، در خارج از حوزه زبانی خود، ناشناخته‌اند. برای اروپا که مردم آن عموماً از آثار بزرگ ادبی آسیا و افریقا بی‌خبرند، ترجمه‌های بسیاری به زبانهای انگلیسی و فرانسه تهیه شده است. دعوتی آثار نویسندگان بزرگ غربی، به چندین زبان آسیایی برگردانده شده‌اند. آثار ترجمه شده به ادبیات بیش از ۶۰ کشور تعلق دارند. در حدود ۴۰ نوع

دچار شده‌اند و در آخرین لحظه، درست پیش از آنکه موجودیت انفرادی خود را از دست بدهند، از روی قرص، فریاد می‌زنند؟

در وضع کنونی، هیچ کس نمی‌تواند بطور قطع بگوید که اثر تکنولوژی‌های جدید بر فرهنگ و بر جامعه چه خواهد بود. ولی یک نکته روشن است، و آن اینکه زمان آن فرا رسیده است که هویت‌های ملی را با تمام گوناگونی و تمام اصالت خود، تا هنوز از بین نرفته‌اند، تشویق و تقویت کنیم.

همانطور که تا کنون کسی به فکر حفظ برخی از انواع نادر موجودات زیبای وحشی نبود، همانطور هم فعلاً تعداد کمی از افراد صاحب نفوذ وجود دارند که خود را در فرهنگ کشورشان سهیم حس کنند. شاید برخی از بررسی‌های یونسکو، آخرین حرفی باشد که در مورد فرهنگ‌های ملی و منطقه‌ای به شکل کنونی خود، زده می‌شود. این بررسی‌ها اگر از راه برنامه‌ها و کمک‌های بلند مدت حفظ نشوند، خطر آن وجود دارد که بزودی مثل نژاد پلنگ، به نابودی رو کنند.

شناسیم، شاید در حال پیش روی به سوی یک انقلاب بزرگ باشد و یونسکو درست در همین نکته است که کاوش و بررسی می‌کند.

هم‌اکنون مشکل می‌توان از روی آثارشان گفت که فلان مجسمه‌ساز متعلق به کدام جامعه است و فلان نقاش را کدام محیط پرورده است. اکنون در معماری و هنر تزئینی، یک نوع سبک بین‌المللی وجود دارد. اینجا و آنجا، ارزیابی‌های متقابل به نوعی هم شکلی در سبک و در تخیل منجر شده‌اند، یعنی از قضای روزگار، درست همان چیزی حاصل شده است که یونسکو معکوس آنرا هدف کوشش خود قرار داده بود... از بسیاری جنبه‌ها، این شباهت‌های اسارت‌آور بدتر از جهل نسبت به فرهنگهای دیگر است که یونسکو در مبارزه با آن کوشیده است.

با چشم‌انداز ناشی از ارتباط از راه‌ماهوره، این سؤال پیش می‌آید که تا چه حد همه ما داریم به پروردگان یک فرهنگ واحد تلویزیونی، در مقیاس جهانی، مبدل می‌شویم. یا اینکه این قرص‌ها و دلهره‌ها، ناشی از وحشت دائمی اشخاصی است که از رشد سریع انسانی به سرگیجه

داستانها و قصه‌ها، که طی قرن‌ها سینه به سینه منتقل شده است. این تاریخی است که مستقیماً از سنن زنده سرچشمه می‌گیرد. با آنکه گذشت زمان و آتش تخیل، جزئیات کوچکی را تغییر داده است، ولی روحیه گذشته فوراً قابل احساس است.

اما یونسکو در حال حاضر، کانون تمامی این فعالیت‌ها را گرم نگاه می‌دارد. یونسکو تأکید می‌کند که زنده نگاه‌داشتن میراث فرهنگی برای هر ملتی ضرورت دارد. در عمل، معنای این حرف آنست که باید به این میراث علاقه جدی نشان داد و به عنوان بخشی اساسی از آینده ملت، در آن سرمایه‌گذاری کرد.

وسایل بیان یعنی وسایل ارتباطی جدید، تکنیک‌های جدید و «محرك‌های» جدیدی که امروزه در زمینه تئاتر، موسیقی و هنر جسمی در اختیار هنرمندان است، هرگز به این درجه از وسعت نرسیده بودند و جهان هرگز چنین ناشکیبایی از خود نشان نداده است. نقش هنرمند به عنوان راهنما در جامعه، قابل بحث نیست. با وجود این، «فرهنگ» به شکلی که ما می -

صیانت ذهن

همه ما صاحب چیزی هستیم که بهایی و معادلی برایش نمی‌شناسیم. این چیز ممکن است ارزش پولی داشته باشد و ممکن هم هست که هیچ ارزشی نداشته باشد. این چیز ممکن است تصویر یک نفر، یک مجموعه صفحه، یک انگشتری یا... باشد، ولی بهر حال زندگی بدون آن، برای ما متصور نیست.

حال اگر کسی از روی خشم یا حسادت، آن را در مقابل چشم شما از بین ببرد چه می‌کنید؟ چه واکنشی نشان می‌دهید؟ عصبانی خواهید شد؟ از پا درخواهید آمد؟ این احساس شما دست خواهد داد که ضربه محکمی به شکمتان زده‌اند؟

بمب‌ها چون باران می‌بارند، شهر «درسد» را ویران می‌کنند، میلیون‌ها نفر را از بین می‌برند، و در ضمن، شهری را که در میان سایر شهرها، از عجایب تلقی می‌شد، با خاک یکسان می‌کنند. بنام رشد و توسعه، از معابد باستانی مصر که هزاران سال برجای مانده بودند، خواسته می‌شود که فوراً محل خود را ترک کنند. این امر چه احساسی را برمی‌انگیزد؟ آیا همان احساس اضطرابی است که پس از گم کردن چیزی به انسان دست می‌دهد؟

احتمالاً نه، اغلب ما این خرابی‌ها را تأسفد آور می‌خوانیم، ولی چون مستقیماً به ما مربوط نمی‌شود، نمی‌توانیم تا آن حد به هیجان آییم. یونسکو طوردیگری فکر می‌کند. این شاهکارهای بزرگ تمدن به همگان تعلق دارند، از بین رفتن آنها، لطمه‌ی است که مستقیماً به همه ما می‌خورد و برماست که در فکر دفاعی جانانه از آن باشیم. شاید دفاع از آنچه اوج آثار انسان تلقی می‌شود، در برابر جنگ‌ها و خشونت‌های خود انسان، عجیب به نظر برسد، اما آنچه امروز از گذشته برای ما مانده است، چیزی جز بقایای آن آثار نیست.

از سال ۱۹۵۶، یونسکو قراردادی برای حفظ این‌ها تاریخی در زمان جنگ، تدوین کرد. این قرارداد را کمتر از نیمی از دولت‌های عضو امضا کردند. البته این رفتار خوبی نیست، ولی چند کشور از آن بیم داشتند که ممکن است بناهایی که مطابق این قرارداد حفاظت می‌شود، از سوی دشمن به عنوان دژ جنگی بکار گرفته شود و نتوان آنها هدف تیر قرار داد.

این استدلال به همان اندازه جنگ‌ها قدمت دارد. بدین معنی که هرآنچه ممکن است به عنوان نقطه استراتژیکی مورد استفاده قرار گیرد باید نابود شود - حال این نقطه هرکجا که باشد و هرارزش خاصی که داشته باشد، مهم نیست.

بهترین کاری که غالباً می‌توان کرد آنست که علیه خطر فوری، حفاظ‌هایی بنا نمود، عکس‌هایی گرفت، تا در صورتی که کیسه‌های شن قدرت مقاومت نداشتند، دست کم چیزی به جا مانده باشد، و بالاخره اگر وقت باشد، بهتراست بوسیله عوامل ارزنده آنرا به جای دیگری نقل کرد و در جای امنی قرار داد.

برخی از این اقدامات احتیاطی را کار - شناسان یونسکو در مورد ویرانه‌های آنکوروات در کامبوج بکار بردند. در آنجا (و نیز در جاهای دیگر)، بقایای تمدنی بسیار غنی وجود دارد که در قرن دوازدهم به شکفتگی رسید. در قرن پانزدهم، معلوم نیست به چه علت این بناها رها شدند و رویش درختان جنگلی آنها را از نظر ناپدید کرد و تنها در قرن بیستم بود که باستان شناسان تمام عظمت شهر ویران شده را باز - یافتند.

خوشبختانه مجسمه‌های خارق‌العاده و رام - روهای ستون‌دار خارجی تقریباً دست نخورده باقی مانده بود. تاریخ این دوران ناشناخته، در این بناها قرار دارد و در انتظار آنست که توسط جهانگردان و نیز متخصصانی که قادر به پی بردن به راز «آنکور» باشند، کشف و بررسی گردد.

امروزه این بناها به نحو خطرناکی به صحنه جنگ هند و چین نزدیکند... و آنقدر نزدیک که در واقع در عرصه جنگ قرار گرفته - اند. دبیر کل سازمان ملل متحد و مدیر کل یونسکو، هردو پیام‌هایی برای نجات «آنکور» فرستاده‌اند. ولی چون ممکن نشد بناهای منطقه مجاور را خارج از میدان جنگ قرارداد، آنچه حداکثر می‌توان امید داشت آنست که این مجموعه بنحوی از انحاء بقدر کافی مورد محافظت قرارگیرد تا از صدمات جنگ برکنار بماند والا برای نشان دادن این زیبایی‌های خیره

کننده، جز عکس‌هایی چند در دست نخواهیم داشت.

گاه نه خشونت و بی‌رحمی، بلکه منافع مادی انسان است که آثار بزرگ هنری را تهدید می‌کند. این امر فجیع به نظر می‌رسد، ولی راه دیگری برای تحقق برخی برنامه‌های ساختمانی وجود ندارد الا آنکه همه چیز را خراب کرد... هنگامی که طرح سد مرتفع‌تری در آسوان ریخته شد تا رود نیل را به منبعی مبدل کند که نیروی برقی را که اینهمه مورد نظر بود، تأمین کند، به وضوح معلوم بود که معابد بزرگ مصری در ابوسمبل به زیر آب خواهند رفت. اما این معابد در دیواره یک تیغه سنگی کنده شده بودند و ظاهراً هیچ وسیله‌ی برای نجات آنها وجود نداشت.

در این موقع این فکر تحسین انگیز بمیان آمد که اگر چند کشور با یونسکو همکاری کنند و در مخارج عظیم عملیات سهیم شوند، می‌توان معابد را به قطعات بزرگ برید و قطعه قطعه، آنرا به مکان بلندتری انتقال داد. پنجاه کشور داوطلب شدند و به یونسکو کمک کردند. عملیات، حین ساختمان سد، شروع شد.

از همان ابتدا، مسابقه برای پیشی گرفتن از بالا آمدن آب آغاز گردید، ولی امروزه، یعنی پنج سال پس از شروع عملیاتی که میلیون‌ها دلار خرج برداشت، معابد بسیار بالاتر از سطح دریاچه قرار دارند و استحکام آنها بیش از هر زمان دیگر است. از این فرصت استفاده شد تا موادی به سنگ‌ها اضافه شود و پیشرفته - ترین تکنیک‌های ساختمانی امکان داد و این ابنیه را مقاوم‌تر از سابق کرد.

برای ابوسمبل تبلیغات وسیعی شد. ابو - سمبل مرکز توجه و قطب جاذب طرحی شد که در واقع بسیار پرمنازه‌تر از این بود، چرا که عملیات انجام شده، تمام ابنیه‌ی را که در دشت نوبی در معرض خطر بودند، شامل می‌گشت. پنج سال وقت لازم بود تا ۷۵ هیکتی که از بسیاری کشورها آمده بودند، بتوانند از تمام ابنیه، نوشته‌ها و نقش‌های برجسته‌ی که ممکن بود به زیر آب روند، صورت‌برداری کنند و عکس‌بگیرند. بعد تمام معابد را قطعه قطعه کردند و از آنجا بر -



Photo © Solvay, Paris

حفظ میراث فرهنگی جهان، یکی از وظایفی است که یونسکو در زمینه فرهنگ، برزده گرفته است. فعالیت جهانی برای نجات ابوسمبل و سایر ابنیه نوبی که در سال ۱۹۶۰ شروع شد، باموفقیت همراه بود. ولی هنوز معابد جزیره «فیلا» باقی مانده اند که باید نجاتشان داد (نگاه کنید به صفحه ۶۳). اقدام یونسکو شامل همه جهان می شود. شورای بین المللی موزه ها که یونسکو در تأسیس آن به سال ۱۹۶۴، شرکت داشت، به سازمانی مبدل شده است که در تمام جهان، از طرف موزه داران و متخصصان موزه شناسی به رسمیت شناخته شده است. در سال ۱۹۵۴، یونسکو بمنظور حفاظت آثار هنری و ابنیه تاریخی در صورت جنگ، قراردادی تدوین نمود. و در سال ۱۹۵۹ در رم، یک مرکز بین المللی بررسی برای حفظ و مرمت آثار فرهنگی تأسیس کرد. در عکس بالا، به یک مجسمه چوبی، «دارو» یی تزریق می شود که آن را از خطر متلاشی شدن حفظ خواهد کرد.

بسیاری از گنجینه های دیگر مثل نوبی در شرف از بین رفتند. خوشبختانه حکومت های فعلی علاقه تازه یی به حفظ آنها از خطر نابودی نشان می دهند. اگر سرمایه لازم را فراهم سازند، نمی توان گفت که تنها برای «هنر» پول خرج می کنند، بلکه در کار جهانگردی فرهنگی نیز که کاری بسیار سودآور است سرمایه گذاری می نمایند، جهانگردان را بسوی خود جلب می کنند، ارز وارد کشور می کنند و صنعت چندین میلیاردی هتل داری و مسافرت را رونق می دهند. بسیاری از ما می توانند سوار هواپیما شوئند و چند ساعت بعد، معبد الهه ایزیس و ابوسمبل را از نزدیک ببینند. بهر حال این کاری است که انجامش ممکن است.

در این صورت چرا از معابد بر بودور نزدیک جا کارتا دیدن نکنند، چرا به تماشای مهتاب در محل باستانی کارتاژ نروند، و یا به کاوش در خط سیرهای، آندها و «مایاها» در آمریکای لاتین نپردازند؟ بر بودور مجموعه یی است از بقیه در صفحه ۵۲

هم می رسد و سنگهای رسوبی این بناها، به سرعت در حال فرسایش است. برای نجات این «مروارید مصر» باید سدی به دور معابد ساخت. با استفاده از تکنیک هایی مشابه آنچه در مورد ابوسمبل بکار رفت، این بناها به صورت تقریباً ۲۰۰۰۰ قطعه پیاده خواهند شد و بعد در جزیره «اجلقیه» جزیره نامسکونی که در پایین «فیلا» قرار دارد و از سنگ خارای صورتی رنگ است، دوباره روی هم سوار خواهد شد.

آنچه در این طرح قابل تأسف است، آنست که هفتاد سال پیش، هنگامی که سد اول ساخته شد، مورخان برای نجات معابد، دمنست به تبلیغات زدند. ولی حکومت ها نتوانستند به این طرح تحقق بخشند. اگر در آن زمان سازمانی مانند یونسکو وجود می داشت، شاید می توانست کمک بین المللی لازم را فراهم کند و در آن صورت نه تنها نقاشی های دیواری حفظ می شدند، بلکه مجموعه عملیات نجات با جزء کوچکی از مبلغی که امروز لازم است، به انجام می رسید.

داشتند. نقاشی های دیواری دوره مسیحیت را پیاده کردند و به مکان امنی بردند. در هر جا که ممکن بود، پربهاترین آثار را نجات دادند. پس از این کار، نگاه متخصصان به جزیره «فیلا» معطوف شد که بین سد قدیم و سد جدید قرار گرفته بود. پس از ساختمان نخستین سد بر روی رود نیل در ابتدای قرن، معبد الهه ایزیس و ستونهای آن، و نیز یک معبد رومی مشهور به «اطاقلک» تراجان، که همه در این جزیره قرار داشتند، هر سال چند ماه به زیر آب می رفتند، ولی هم چنان بجای مانده بودند. فقط نقاشی های دیواری رنگارنگ مصری در این میان از بین رفت.

این نقاشی ها که پس از دو هزار سال، هنوز در قرن نوزدهم دست نخورده باقی مانده بود، با بالا آمدن آب از بین رفت. هنگامی که تصمیم گرفته شد دریاچه بین دو سد، منبعی برای تولید برق شود، جزیره بطور دائم در آب فرو رفت، تغییرات روزانه سطح آب دریاچه به شش متر

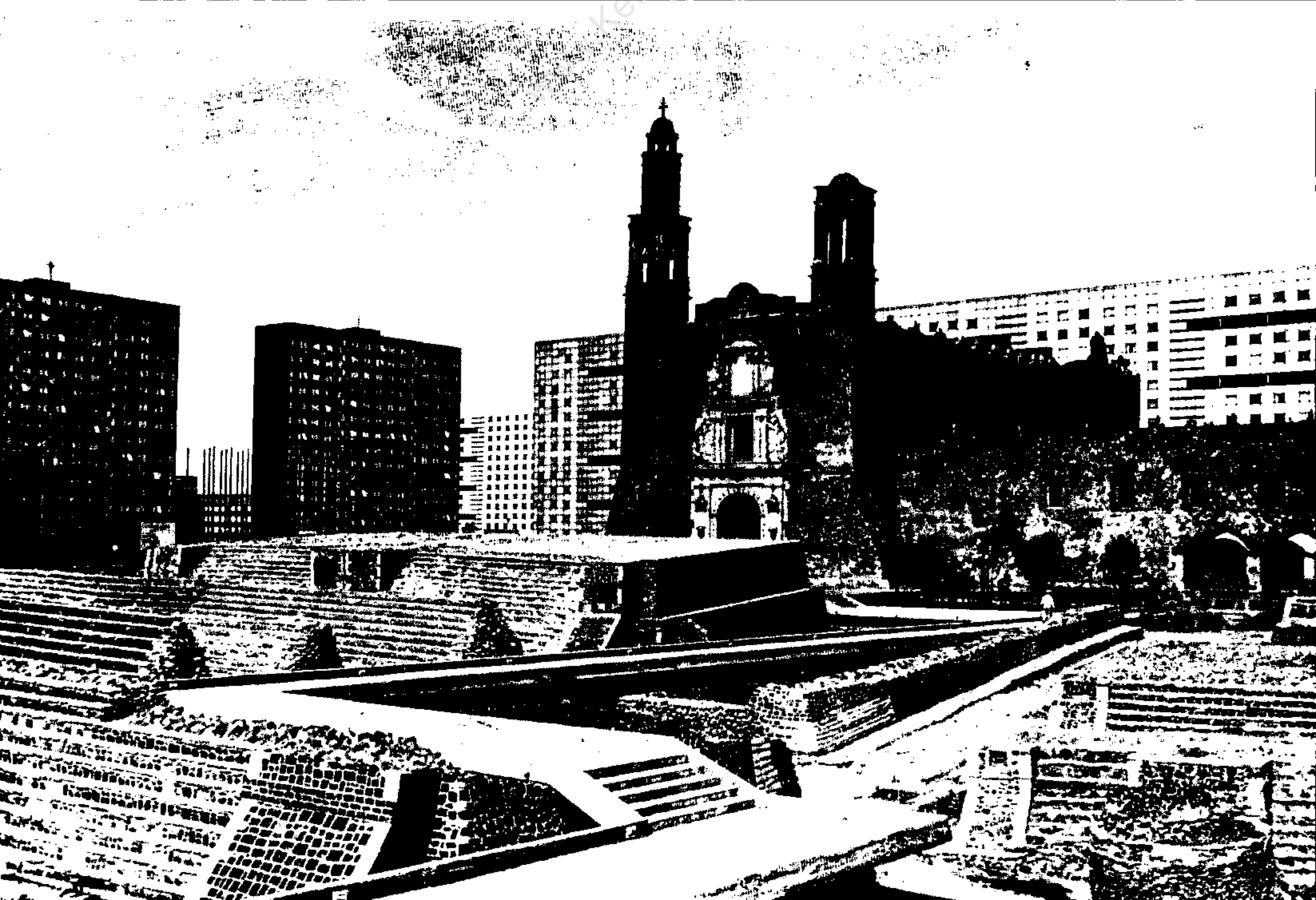




Photo © R. Guillemot Connaissance des Arts

حفظ گنجینه‌های گذشته

صدها هیئت فنی از طرف یونسکو به تمام مناطق جهان رفته‌اند تا از مکانها و بناهای باستانی و نیز گنجینه‌های فرهنگی حفاظت و نگهداری نمایند. در ۱۹۶۴ یونسکو شروع به فعالیت کرد تا مردم و حکومت‌ها را به لزوم حفظ بقایای گذشته و آثار هنری آگاه سازد. یونسکو دوره‌های مخصوصی برای تربیت افراد فنی، در آفریقا، آسیا و خاورمیانه ترتیب داد: در جوس (نیجریه)، برای متخصصان موزه‌های آفریقایی، در مرکز آمریکای لاتین، نزدیک مکزیکو، برای حفظ ثروت‌های فرهنگی، و بالاخره در بغداد برای متخصصان دنیای عرب. از سوی دیگر یونسکو برای ترمیم بناهای مشهور از قبیل پروبودور واقع در قسمت مرکزی جاوه (عکس بالا در سمت مقابل، یک مجسمه بودا در یکی از ایوان‌های پروبودور را نشان می‌دهد)، و خرابه‌های «موهنجودارو» در پاکستان، به گردآوری کمک بین‌المللی پرداخت. در سال ۱۹۶۶، یونسکو برای نجات ونیز از کمک بین‌المللی استمداد کرد و اکنون در انجام مطابحه و اجرای طرحی برای نجات و ترمیم شهر، همکاری می‌کند. عکس بالا، فرشتگانی را نشان می‌دهد که در راس کلیسای «سانتاماریا دلا سالوته»، در ونیز، قرار دارند. عکس مقابل و سمت راست، در «ملاقات سه فرهنگ» (بقایای آثار آرتک‌ها، یک کلیسای قرن شانزدهم، یک بنای مسکونی جدید) را در مکزیکو نشان می‌دهد.

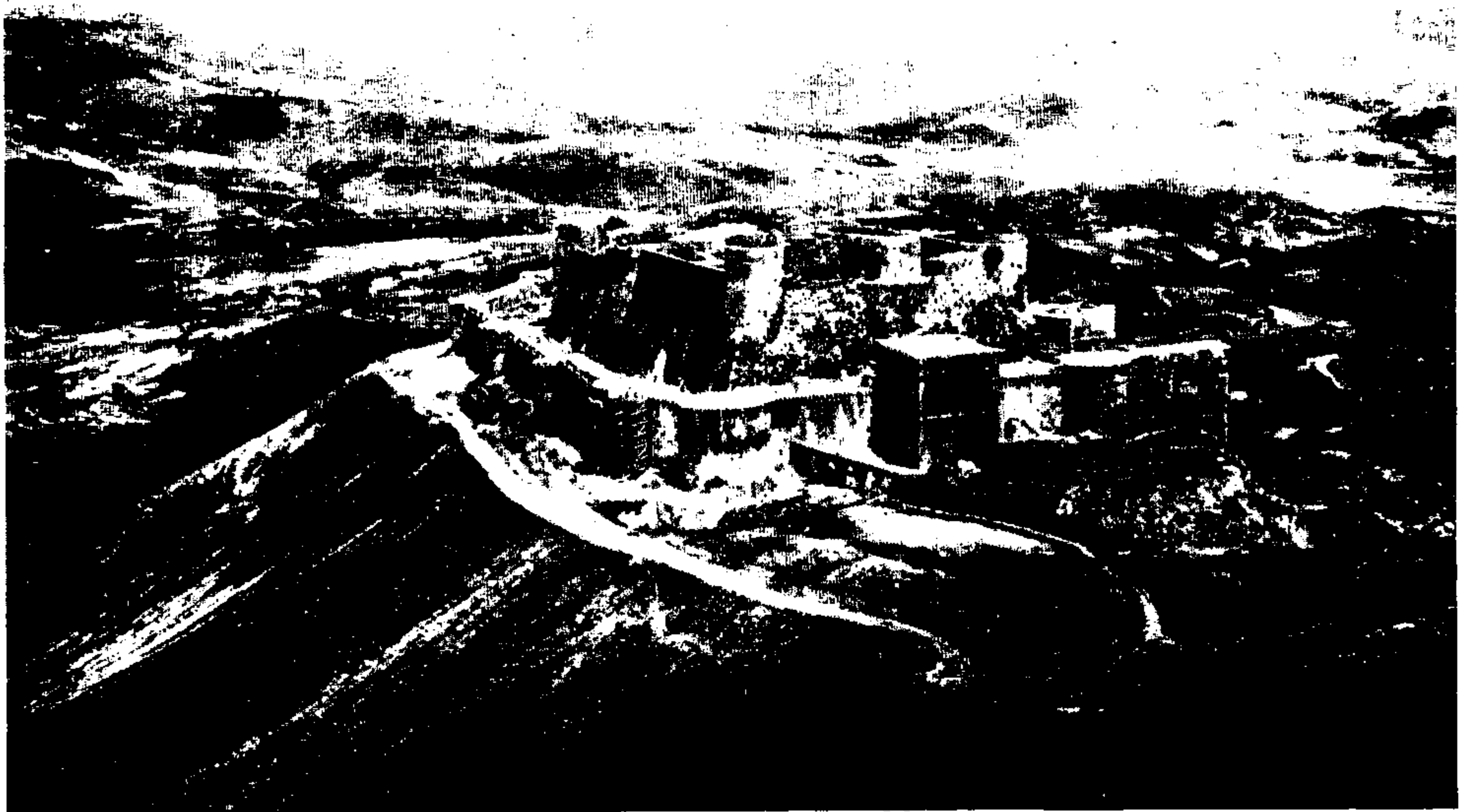


Photo Unesco

در سال ۱۹۵۴ یونسکو هیئت‌های حفاظتی برای کمک به سوریه و لبنان فرستاد تا در حفظ مجموعه‌های بزرگ و بناهای باستانی بکوشند، از قبیل ویرانه‌های پالمیر، کاخ‌هایی که از طرف جنگجویان صلیبی ساخته شده است و منجمه دژ مشهور شوالیه‌ها (عکس بالا)، و خرابه‌های بعلبک. بررسی‌های انجام شده، مسئله مشکلی را مد نظر داشتند که عبارتست از جای دادن یک بنای تاریخی در یک شهر مدرن. در مورد لبنان مسئله بر سر محلات باستانی صور، صیدون و طرابلس بود. هیئت‌های بسیاری از یونسکو، در آسیا و از جمله در نپال کار کردند تا برای حفظ ابنیه کاتماندو و سایر شهرهای نپال برنامه‌ریزی کنند. در سمت چپ، مجسمه‌هایی که دیده می‌شود، معرف سیوا، خدای هندی، و همسرش پردتی است که در یک معبد کاتماندو قرار دارند.

صیانت ذهن (بقیه)

یونسکو هیئت‌هایی به آنجا می‌فرستد، بی شک بسیار طولانی‌است، ولی این تعهد بهیچوجه محدود به اموری نیست که طنینی استثنایی و درون‌گرا، در گوش مردم غرب دارد. در سال ۱۹۶۶، هنگامی که سیل شهرهای شمالی ایتالیا را روبید، تعداد زیادی از شاهکارهایی که تصور می‌رفت در جای امن و محفوظی قرار دارند، لطمه دیدند و حتی در برخی موارد، کاملاً از بین رفتند.

فلورانس به طور خاص آسیب دید و یونسکو برای کمک فوری، مبارزه‌ی جهانی را شروع کرد. کمک‌های مالی از هرسو باریدن گرفت. افراد و مؤسسات خصوصی نیز مثل حکومت‌ها، در مقابل عظمت خسارات، حساسیت از خود نشان دادند. عملیات مرمت، نظافت، دوباره‌سازی و تعمیر، سالها وقت گرفت و حال به اتمام رسیده است.

این عملیات به کارشناسان یونسکو امکان داد که نه تنها مرمت و حفظ آثار هنری را یاد بگیرند، بلکه هم‌چنین متوجه شوند که برای پیش‌گیری از تجدید چنین فاجعه‌ی، موزه‌ها و کتابخانه‌ها چطور باید ساخته شوند. این تکنیک‌های نوین بعداً در موزه‌هایی که به کمک یونسکو تأسیس شدند، به کار گرفته شد.

مدارك ذی‌قیمتی در بایگانی‌های فلورانس از میان رفت. اگر طاق‌هایی که آنها را حفاظت می-

حکومت اندونزی، از این مجسمه‌ها آنقدر که می‌توانست، نجات داد. ولی برای نجات خود معبد، کمک یونسکو را لازم دارد. لازمه این عملیات آنست که معبد را سنگ به سنگ پیاده کنند و بعد روی پایه‌های بتونی محکم که کاملاً از نظر پوشیده شده باشند، همراه بازه‌کشی برای تخلیه آب باران، دوباره سوار کنند.

طی عملیات، نقش برجسته‌ها را از گلسنگ‌ها و رسوبهای معدنی که باعث فرسایش آن می‌شود، پاک خواهند کرد، بعد آنها را از موادی خواهند پوشاند که از هر نوع خسارتی که ممکن است سختی‌های قرون وارد آورد حفظشان خواهد کرد.

آنچه محل باستانی کارتاژ را تهدید می‌کند، از نوع دیگری است. این خطر، رشد شهر مدرنی است که این محل را در میان گرفته است. اگر طبق نظر کارشناسان یونسکو، این محل کارش و تا حدی احیا نشود، بی شک در میان دریایی از آسفالت و بتون غوطه‌ور خواهد شد. طرح‌هایی که اکنون یونسکو و حکومت‌های امریکای لاتین به مرحله اجرا گذارده‌اند، بطور عمده عبارتند از پاک کردن جنگلی که میراث «انکاه» و «مایاها» است، بطوری که قابل استفاده برای جهانگردان باشد.

فهرست نام‌های خارجی و جاهایی که

معابد بودایی که در ۱۲۵۰ سال پیش در جاوه ساخته شده است. این بنا دارای چهار ایوان مربع شکل است که رویهم قرار گرفته‌اند و برای رسیدن به رأس بنا باید آنها را دور زد. طی راه، صدها نقش برجسته، از مراقب متعدد روحانیت حکایت می‌کنند. در این طواف طولانی به سوی ایوان بالایی، انسان گرفتاری‌های جهان را فراموش می‌کند و برای سکوت قله آماده می‌شود...

در اینجا، در وسط، «نوعی ساختمان به تعداد زیاد» وجود دارد که گنبدهایی به شکل پیازاند و از خلال شکاف‌هایشان می‌توان صدها بودای نشسته را دید. بزرگترین آنها در وسط قرار دارد و دارای یک گوی مهر و موم شده است که نماینده «نیروانای» غیرمادی. یعنی بالا-ترین حقیقت روحانی است که بشر به آن دسترسی دارد.

این بنای حیرت‌انگیز بر روی یک تل عظیم خاکی و بدون بکاربردن ملاط ساخته شده است. با گذشت زمان، آب به شکاف‌های آن نفوذ کرده و پایه‌هایش را فرسوده است. نتیجه آنکه امروزه تمام ساختمان تغییر شکل داده و از هر طرف مست شده است. اگر دیوارهای ایوان زیرین خراب شوند، همه بنا از هم خواهد پاشید و کوهی از مجسمه‌ها فرو خواهد ریخت.

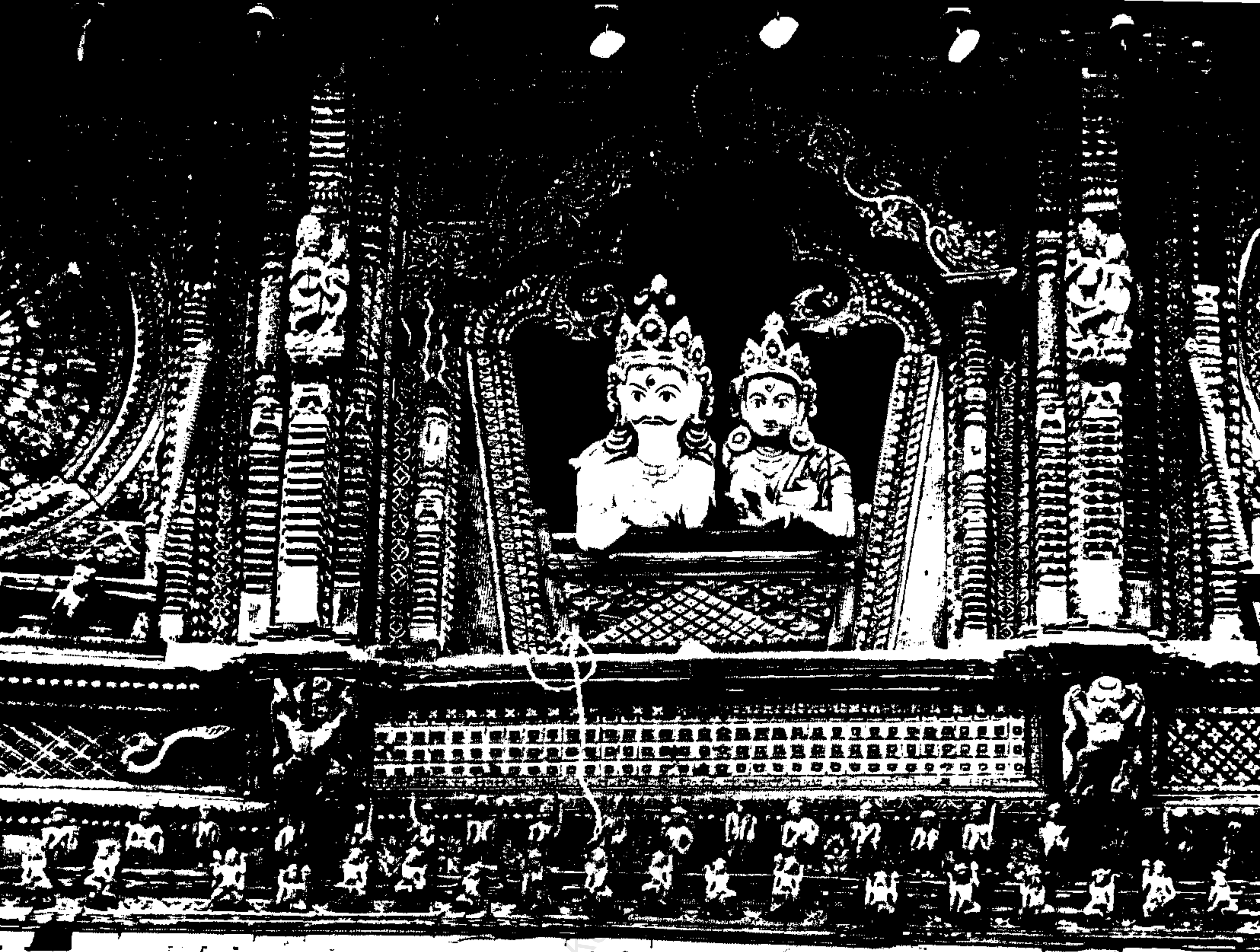


Photo © Photo Researchers Inc., New York

کند، در مقابل آب غیرقابل نفوذ بود، این مدارك اکنون دست نخورده بجای مانده بود. اگر از این اسناد صورت برداری شده و از آنها میکروفيلم تهیه شده بود، دست کم محتوی آنها از بین نمی رفت. با تکنیک های جدید محافظت، شاید نقاشی های دیواری که در گل غوطه ور شدند، کاملاً از میان نمی رفتند. البته پس از حادثه گفتن این نوع سخنان آسان است.

ولی فلورانس برای یونسکو، عملیات راهنمای عظیمی شده است که امکان می دهد از بروز خساراتی مشابه در نقاط دیگر جهان، پیش گیری کرد.

قربانی دیگر سیل ۱۹۶۶، ونیز یا مروارید آدریاتیک بود. ولی چون شهر در آب ساخته شده است، تغییرات سطح آب در آنجا، فاجعه وخیمی را بوجود نمی آورد. با وجود این، مشکلات فرهنگی و نیز جنبه جدی تری دارد و بیش از حدی است که تا کنون یونسکو با آن روبرو شده است. فقط میراث فرهنگی شهر نیست که باید مورد حفاظت قرار گیرد، زندگی خود شهر هم در معرض خطر است.

آب های شور به کاخ های بسیار زیبایی که در کنار کانال ها قرار گرفته اند، لطمه سختی وارد می سازد. پی ها می پوسند. تخته تخته آجر و گچ در آب فرو می ریزد و بیم آنست که قایق های

رهگذر را به قعر دریا بفرستد. شهر بیش از پیش در معرض ضربات امواج قرار می گیرد. به نحوی که مردم دیگر برای جبران خسارات به خود زحمتی نمی دهند. بسیاری از خانه ها را رها کرده اند و ساکنانشان دسته، دسته به خشکی پناه می برند. شهر درست مثل يك ستاره اپرا، خود را به دست یادبودها و افسردگی ها رها می کند.

نجات ونیز بیش از يك کار فرهنگی است. کافی نیست آثار هنری را نجات داد و از آب دریا حفظ کرد و خسارات کنونی را جبران نمود. بی شك تمام این شهر، يك معبد هنری است، ولی باید آنرا از نظر گاه اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی نگریست. و اگر چنین دیدی صحیح است، پس باید جنبش برای نجات شهر، تا حد زیادی از درون خود شهر سرچشمه بگیرد. ونیز مدرن را باید از لحاظ اقتصادی سلامت بخشید و در عین حال شکوه و جلالتی را که یادگار يك امپراتوری شکوفان دریانوردان است، حفظ کرد. بهبودی در وضع حمل و نقل و شاید يك متروی زیر دریایی برای برقرار کردن رابطه با خشکی، می تواند شهر را برای سکونت آماده تر و راحت تر کند.

البته باید امر جهانگردی را رونق داد، به طوری که سیاحان فقط به این اکتفا نکنند که

يك روزه به آنجا بیایند، نگاهی به میدان سن-مارك بیندازند، محیط را برانداز کنند و شب دوباره به خشکی برگردند. باید وقتی به ونیز آمدند، آنقدر علاقه پیدا کنند که مدتی بمانند و بپول خود را در آنجا خرج کنند.

این طرح معادل مجموع تمام کارهایی است که یونسکو طی سال انجام داده و توصیه کرده است. تمام این کاخ های غیر قابل استفاده و تزیین شده، این شور و هیجان پر خرج برای تزیین دیوانه وار، این بهت و جذابیت در مقابل نقاشی ها و مجسمه هایی که خون بهای شاهان محسوب می شوند.... تمام این مخارج دیوانه وار زمان گذشته، تنها دلیلی است که شهر، امروزه بدست مرداب ها و دریا رها نشده است.

آنچه یونسکو همواره به گوش حکومت ها خوانده است، امروزه طنینی چون يك حقیقت بزرگ یافته است، اگر تمام موفقیت های عملی را در جامعه ای که امروز شکوفان است کنار بگذاریم، تنها چیزی که بی شك نسل های آینده را به حفظ بقایای گذشته ترغیب خواهد کرد، تراوشات پیسوده، غیر منطقی و نامعقول این هنرمندان و صنعت گران است. اگر قرار است ما از خود یادگاری بجا نهمیم، پیش از هر چیز، این زندگی فرهنگی ماست که باید شکفته و حفظ شود.

تشت ذهن

در اردو گاههای زندانیان، شست و شوی مغزی نتایج وحشتناکی به دنبال دارد که در جاهای دیگر بدست نمی آید. یکی از این نتایج آنست که اگر هر نوع امکان ارتباط فکری را از کسی بگیرند، این فکر فلج و دچار ناامیدی خواهد شد. در آزمایشهای روانشناسی، افرادی که از کار طبیعی دستها و چشمها و گوشهایشان جلوگیری می شود، و خود نمی توانند حرکت کنند، بزودی گیج می شوند و در مقابل هر نوع تحریکی... حتی تغییر درجه حرارت یا احساس خارش، درمی مانند. نتیجه آنکه ظاهراً فکر، طاقت تحمل تنهایی را ندارد و لازم است در دنیایی واقعی، دنیایی دیدنی و شنیدنی، و دارای احساسها و گرفتاریها، جای داشته باشد...

در واقع امروز، جامعه یی فاقد وسایل کسب خبر، بهیچ وجه قابل تصور نیست، هم چنانکه بهمین ترتیب، در نظر گرفتن وسایل خبری بدون در نظر گرفتن تأثیر و نفوذ آن در زندگی اجتماعی، متصور نیست.

آموزش، علم و فرهنگ، فقط وسایل گوناگونی هستند که آنچه را در فکر یک نفر - بهنگام فعالیت فکری می گذرد به دیگران انتقال می دهند. بنابراین یونسکو خود را در امر ارتباطات کاملاً سهیم می داند. يك معلم باید اطلاعاتی را به شاگردانش بدهد و به آن زندگی ببخشد، در غیر این صورت وقت خود را تلف کرده است. بسیاری از موضوعهای مختلف وجود دارند که باعث جلب توجه شاگردان می شوند و خطر خسته شدن را از بین می برند.

ما همه یاد گرفته ایم که به وسوسه های تبلیغاتی و به سروصدا و فشاری که فروشندگان از هر سو بما وارد می سازند، بی اعتنا بمانیم، اشکال این کار در آنست که باین عمل ممکن است از کنار فکرها و تجربیات واقعاً جالبی رد شویم و متوجه نگردیم.

در جوامعی که در راه مکانیکی شدن، بسیار پیش رفته اند، وسایل ارتباطی نوع قدیم از قبیل کتاب، چیزهایی بدست آمده، محسوب می شوند. بسیاری از افراد حتی وقت خواندن يك کتاب را هم بخود نمی دهند، چرا که معتقدند می توان ده ها کار «شوق انگیزتر» انجام داد. میلیون ها کتاب هم چنان چاپ و منتشر می شود و خواننده پیدا می کند،

ولی این فکر که کتاب خود می تواند ماجرای داشته باشد و تولید آن مستلزم يك تلاش واقعی است، تقریباً به کلی از میان رفته است.

در عوض کشورهای در حال توسعه، مطبوعات، يك صنعت کتاب، و يك سیستم کتابخانه های عمومی لازم دارند تا مواد خواندنی را در دسترس همگان قرار دهند، در غیر این صورت با سواد کردن مردم غیر ممکن است. بدین لحاظ یونسکو کوشیده است تا به دستگاههای انتشاراتی کشورها کمک کند، به این معنی که با دادن مصالح لازم و فرستادن کارشناسان سعی کرده است که به تربیت روزنامه نگاران، چاپ چیان و کتابدارانی که قادر به انتشار آثار چاپ شده باشند، بپردازد.

آیا توسعه وسایل ارتباطی باید بهمین جا ختم شود؟ آیا به دلیل اینکه چنین کشوری «در حال توسعه» است و هنوز به رفاه دست نیافته است، باید از مزایای رادیو و تلویزیون چشم پپوشد؟ ما در ثلث آخر قرن بیستم قرار داریم، یعنی قری که شاهد انقلاب در امر ارتباط بوده است - اما شاید پیشرفت و ترقی فقط برای ثروتمندان باشد، در کشورهای موسوم به «پیشرفته»، اوقات زیادی به ویژه به استفاده از تلویزیون می گذرد، گویی که تلویزیون بازیچه یا تجملی است که فقرای جهان نمی توانند نیازی به آن داشته باشند. معذک در برنامه یونسکو، این، ابزاری اساسی است که مورد نیاز تمام کشورهای در حال توسعه است.

امکانات تلویزیون در زمینه آموزش، با برنامه آمریکایی «سزام استریت» برای کودکانی که هنوز به سن مدرسه نرسیده اند، طرح یونسکو برای مدارس عمومی ساحل عاج و «دانشگاه باز» انگلستان، هنوز در مرحله بررسی است. ارزش واقعی این وسیله بیان - و نیز رادیو و بطریق اولی سینما - کم کم هویدا می شود، هم چنین ارزش آن به عنوان ابزاری برای حل یکی از بزرگترین مسائل دهه های آینده، یعنی قراردادن وسایل ارتباطی در خدمت آموزش، ظاهر می گردد. از این پس بروز این ارزش بسیار سریع انجام می گیرد.

یا کشورهای در حال توسعه، دارای وسایل ارتباطی مدرن اند - با فیلم سازان، تکنیسین های رادیو و تلویزیون که برای بکار انداختن این

وسایل در آینده یی نزدیک، توسط یونسکو تربیت شده اند - و یا آنکه آنقدر عقب خواهند ماند که هرگز نخواهند توانست تأخیر خود را جبران کنند.

یونسکو به خوبی توجه دارد که جهش بزرگ ارتباطات امروزی، دوجنبه دارد. از يك سو می تواند امکاناتی خارج از تصور در امر تفاهم متقابل عرضه کند، از سوی دیگر می تواند وسیله خدعه باشد و بین ملت ها ایجاد ناراحتی نماید. مثلاً وقتی نویسنده یی، يك کتاب یا فیلم نامه می نویسد، امتیاز آن را برای کشور خود و چند کشور دیگری که از راه توافق های دوجانبی با کشورش پیوند دارند، در نظر می گیرد یعنی هر بار که این اثر چاپ یا روی صحنه می آید، او مبلغی به عنوان حق الزحمه ساعات کار و سرمایه گذاری شخصی و استعدادش دریافت می کند.

در واقع این فکر متعلق به اوست و باید از ارزش و اعتبار آن بهره مند شود. ولی در کشورهایی که توافقی با کشور او نکرده اند، اثر او فقط يك بازی شمرده می شود، و می توان آنرا تکثیر کرد و طبق دلخواه تغییر داد، به نحوی که انگار او نویسنده چنین اثری نبوده است. و نویسنده نمی تواند برای حفظ حق خود، هیچ کاری بکند.

یونسکو يك قرارداد بین المللی درباره حق مؤلف تنظیم کرده است. این قرارداد می تواند به مشکلات سیاسی کنونی ناشی از این امر خاتمه دهد و به نارسایی و سرقت که در امر فروش کتاب بین کشورهای مختلف رایج است، پایان بخشد. این «قرارداد جهانی حقوق مؤلف» نه تنها شامل آثار ادبی می شود، بلکه آثار علمی و هنری را نیز در بر می گیرد. این قرارداد را تاکنون فقط ۶۵ کشور امضا کرده اند (و این رقم برای سازمانی که ۱۲۵ عضو دارد، زیاد نیست). ولی در عوض در میان امضا کنندگان، محیط بنحو قابل ملاحظه یی آرام شده است. باید امیدوار بود که دولت های دیگر نیز به معقول و قانونی بودن این رفتار پی ببرند.

اما مسئله حق مؤلف، تنها مانع انتشار کتاب در کشورهای کم رشد محسوب نمی شود. مسئله دیگری نیز وجود دارد و آن ارز قابل تبدیل است بقیه در صفحه ۵۶



Photo © Lennart Olson-Bern, Paris

و افکار را می‌بیند. موافقت‌نامه‌یی که در کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۵۰ به تصویب رسید، امکان داد که در مورد ورود لوازم آموزشی، علمی و فرهنگی، حقوق گمرکی کاهش یابد و مبادلات تجاری تسهیل گردد. یونسکو قرارداد جهانی حقوق مؤلف را که در سال ۱۹۵۲ تصویب شد، سرپرستی می‌کند. این قرارداد امکان می‌دهد که نقاط ضعفی که در موافقت‌نامه‌های فعلی وجود دارد، از میان برداشته شود. کنفرانسی که اخیراً در مقر یونسکو در پاریس برگزار شد، به بررسی این مسئله پرداخت که ضمانت‌هایی را که قرارداد برای حق تکثیر آثار در نظر گرفته است، به چه نحو می‌توان به زمینه‌های دیگری غیر از انتشارات تعلیم داد تا کشورهای در حال رشد نیز بتوانند از آن استفاده کنند.

دانش‌آموزان هندی، در سایه یکی از دستگاه‌های عظیم نجومی رصدخانه جنتارمنتر در دهلی‌نو، مشغول مطالعه‌اند. این رصدخانه را «جای‌سینگ»، سلطان نجوم هندی، در سال ۱۷۱۰ بنا کرده. این دانش‌آموزان بزودی از آموزشی استفاده خواهند کرد که از راه ماهواره آموزشی پخش می‌گردد. این نوع آموزش که یونسکو نیز در آن سهیم است، در سال ۱۹۷۳ به‌طور تجربی، در هند مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در واقع یونسکو توجه خاصی به کاربرد ارتباط‌های فضایی در زمینه آموزش، علم و فرهنگ دارد و در اقداماتی که برای ایجاد آموزش از راه ماهواره انجام گرفته، شرکت داشته است. یونسکو هیئت‌هایی به ساحل عاج، برزیل و هند فرستاده است تا در برنامه‌ریزی یک سیستم ارتباطی مطالعه کند، یونسکو در این کار وسیله رسیدن به آرمان خود و تأمین پختی آزادانه اطلاعات



تشتت ذهن (بقیه)

که به کشوری که دارای «پول ضعیف» است، امکان می‌دهد تا نه فقط کتاب، بلکه فیلم، لوازم مدرسه یا تجهیزات علمی مورد نیاز خود را از مناطقی که «پول قوی» دارند، تهیه کند.

برای اجتناب از این مشکلات عظیم، یونسکو، یک سیستم پولی بین‌المللی ایجاد کرده است که به نام کوین‌های خرید یونسکو مشهور است. دانشگاه‌ها، مدارس، مؤسسات تحقیقی و حتی افراد و مؤسسات خصوصی، می‌توانند این کوین‌ها را به پول محلی بخرند و برای پرداخت بهای کتاب‌ها و تجهیزات مورد نیاز خود، به ناشران و فروشندگان بدهند.

برای سیل کتاب‌ها، آثار هنری و دستگاه‌های علمی که در تمام جهان جریان دارد، یونسکو قراردادی تنظیم نموده و حق کمرک را در مورد این اقلام حذف کرده است. ولی فکر اینکه انسان چیزی را از مرزی عبور دهد تا بتواند آنرا منتشر کند، حال به سرعت در حال از بین رفتن است، چرا که امروزه ارتباط از راه ماهواره‌ها می‌تواند در کمتر از یک ثانیه، شما را به فاصله هزاران کیلومتری ببرد.

امروز برای یک برنامه تلویزیونی، ضبط روی نوار یا صفحه، می‌توان اهمیت دامنه یک دستگاه انتقالی را کاملاً درک کرد و در مورد حق انتشار آن، به تصمیم رضایت‌بخشی رسید، ولی بزودی زود، به برکت ارتباط از راه ماهواره، وقتی آوازی خوانده می‌شود یا نمایشنامه‌یی به تماشا گذاشته می‌شود، بلافاصله می‌توان در تمام جهان آنرا شنید. تا چند سال دیگر گیرنده‌های مشترک در تمام جهان به کار خواهند افتاد و تمام برنامه‌ها را پله‌به‌پله به منزل شما خواهند رساند. بدین ترتیب آنچه شما می‌شنوید، هنوز تاحدی کنترل می‌شود. ولی در آغاز سالهای ۸۰، دستگاه‌های انفرادی تلویزیون مستقیماً برنامه‌ها را از ماهواره‌ها خواهند گرفت.

حکومت‌ها تا چه حد حق دارند مردم را از استفاده از این یا آن برنامه مانع شوند؟ آیا می‌توانند مانع از شنیدن انتقادهایی شوند که در آن طرف دنیا نسبت به کار آنها می‌شود؟ در این حال، سیستم تجزیه می‌شود و به یک ماشین غول‌آسا و پرخرج تبلیغاتی مبدل می‌گردد. در غیر این صورت، مرحله‌یی شورانگیز و غنابخش در راه وحدت جهان می‌گردد. بریونسکو است که برای عقد قراردادی اقدام نماید که حقوق و تمامیت فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های ویژه را حفظ کند و در عین حال حق همگان را در استفاده از اطلاعات و اخبار شرافتمندانه و بی‌غرضانه مراعات نماید. جای خوشوقتی است که هنوز تا سالها، ماهواره‌ها قابل بهره‌برداری تجارتي نیستند. چنین طرحی از نظر سیاسی، در حکم یک دینامیت است و مستلزم آنست که تمام ساکنان جهان طرز فکر خود را تغییر دهند. مباحثه درباره آن به تمام دقیقه‌هایی که یونسکو می‌تواند صرف مذاکره کند، نیاز خواهد داشت.

وارد کردن تکنیک‌های جدید تعلیم و تربیت در ساحل عاج، بسیج افکار عمومی جهانی در راه نجات ابنیه ونیز یا بروبودور، تاسیسی یک مؤسسه تکنولوژی در بمبئی، از جمله اقدامات مشخص یونسکو در سالهای اخیر است. انقلاب عظیمی که، با شرکت یونسکو، در نحوه درک از آموزش، علم و فرهنگ پیدا شد، شاید کمتر نظرگیر باشد. این آگاهی جدید به حق هراسان در استفاده از آموزش به معنای وسیع کلمه و در نتیجه نقش تعیین‌کننده آموزش در توسعه اقتصادی و اجتماعی، جهان را به شکل دیگری درآورده است. مظهری از آرمان یونسکو را در عکس بالا می‌توان دید. یک کودک در جهانی که به برکت آموزش و علم جدید، بهتر خواهد شد، بی‌آنکه ارزشهای فرهنگی گذشته که در این مجسمه‌ها تجسم یافته‌اند، از میان برود.



۱۰- اندیشه و آرمان

بازتاب ذهن

تواند بهترین مکان برای تفکر باشد. کارهای دبیرخانه در چند متری آنجا در اطراف باغ انجام می‌شوند. در اینجا جزئیات کار و وظایف به کنار می‌روند و همه چیز، جایی دیگر، در چشم‌اندازی دیگر پیدا می‌کند.

۵۷

این مکان منزوی، هر که را مایل باشد چند دقیقه‌ای در آن توقف کند، طراوت و تازگی می‌بخشد. اما در یونسکو جای دیگری نیز هست بقیه در صفحه بعد

بر فراز حوضند، یا زیر یک پل، یا زیر جزیره شناوری که پوشیده از زنبق‌های سرخ‌تیره است، پنهان شده است. تغییر فصل در این باغچه محسوس است، مثلاً شکوفه خیزان سفید و صورتی رنگ و غرور آمیز بهار، از زنبق‌های تابستانی در میان نی‌ها، تصاویر ناب برف تازه روی شاخه‌های سیاه‌رنگ، فقط کوهستان، نیاتوری و صخره‌هایش تغییر نایافته و دست‌نخورده به نظر می‌رسند. اینجا، با سکوت و آرامشی که دارد، می-

در میان دوجناح ساختمان یونسکو در پاریس، یک باغچه ژاپنی پناه گرفته است. آب از تخته‌سنگی سرازیر می‌شود و از روی یک علامت ژاپنی قدیمی به معنای صلح، که عمیقاً حک شده است، می‌لفزد، و از روی یک پلکان سنگی، با صدایی که گاه صدای آشنای کوچک و گاه زمزمه مانند است، به پایین می‌ریزد. و سرانجام در حوض عمیق‌تری، آرام می‌گیرد. یک ماهی کوچک قرمز، زیر شاخه‌هایی که

که به تئوری دانان، و به تفکرات شخصی، به ویژه اندیشه درباره جهان چنانکه باید باشد، اختصاص دارد. این جا، در بخش اندیشمندان یونسکو است، یعنی بخشی که در آن، گروهی از افراد وظیفه دارند تمامی فعالیت های سازمان را بررسی کنند و معین نمایند که «در اینجا باید مسئولیت قبول کنیم»، «در آنجا باید بین دولت های عضو به توافق برسیم». نظرات و اصول بسیاری در این مکان بوجود آمده اند و بخش زنده و فعالی از کار یونسکو را تشکیل داده اند.

در بسیاری از موارد، بهترین شکل کمک یونسکو، از طریق اندیشه بوده است. ملل متحد در بدو تولد، اعلامیه جهانی حقوق بشر را تحریر کرد، اعلامیه بی که حق هر فرد را در رشد و تکامل، و حق اظهار عقیده و زندگی باسربلندی را اعلام می کند. دولت های عضو به طور رسمی، همه این خواست های خوش بینانه را پذیرفته اند. اما در واقع، طی بیست سال اخیر یعنی از تاریخی که اعلامیه به امضا رسیده است، اصول آن، به انواع مختلف، بیش از آنچه می توانست به تصور نویسندگانش بیاید، مورد بی اعتنائی، تحقیر، تجاوز انحراف قرار گرفته است. امروز در سایه اختناق، تبعیض اجتماعی و نژادی و انحطاط روحی، که پدیده های روزمره تلقی می شوند، خواندن این اعلامیه دردناک است.

اعلامیه، به عنوان يك «توافق دوستانه» در میان ملل به امضا رسید. اجرای آن، مسئله شرف ملی بود و هنگامی که پای سیاست ها و تدبیرهای اجتماعی در میان باشد، شرف ملی اساس تزلزل ناپذیری محسوب نمی شود. در واقع ملل متحد، فقط چند امضا جمع کرد.

این اصول، دست کم برای بخش اعظم ملت ها، همانند روز نخست، هنوز معتبر است. اما ملل متحد و نهادهای آن، کوچکترین اختیاری برای دخالت - از مباحثه حرف نمی زنیم - در نحوه رفتار دولت ها با افراد و گروه های داخل مرزهایشان ندارد. مفهوم حقوق بشر، در جاهایی که می تواند پذیرفته شود، فقط به نیروی فکری اش منحصر شده است.

اخیراً یونسکو، برای آنکه میزان جهانی بودن آن را بشناسد، اعلامیه را در پرتو علوم اجتماعی جدید، از نو بررسی کرده است. چگونه می توان بدون کاهش نیروی نخستین آن، به توسعه و گسترش پرداخت، از نو درباره اش اندیشید، میدان اجرای آن را وسعت داد؟ بنظر می رسد که پذیرش حقوق بشر، دست کم به عنوان اصولی، برای هیچکس نباید مشکل باشد. اما واقعیت اینست که امکان ناسازگاری فلسفی یا احساسی با این نظر وجود دارد.

مثلاً اگر شما بودایی باشید، رویه شما در قبال فرد، با آنچه اعلامیه تبلیغ می کند، بسیار متفاوت خواهد بود. در فکر شما، ارزش های خاص و فردیت، از انواع خودخواهی است، آرمان بزرگ، ادغام زندگی فردی یا فروتنی و بدون شکوه و شکایت، در مجموعه وسیع تری است.

يك زندگی - حتی زندگی خودتان - یا زندگی های بسیار، ارزش این همه غم و غصه را ندارد. اگر شاگرد کنفوسیوس یا پیرو مذهب هندو باشید، فکراین که همه مردم بتوانند مساوی باشند، بنظرشان از عجیب ترین افکار خواهد رسید. به نظر شما، سلسله مراتبی در میان مردم وجود دارد. افراد باید هر آنچه را که کسان بالاتر (رئیس، پدر، کارفرما) عنوان می کنند، اطاعت نمایند. شما هیچ گونه حق فردی در اظهار نظر شخصی ندارید - رسم بقیه جهان هر چه می خواهد باشد. و هنگامی که به بررسی حق جهانی برای زنان می رسیم، مسائل به راستی پیچیده می شود. در پاره ای از کشورها، زن را به طور قانونی، موجودی پست و چون يك شیئی تلقی می کنند و این نظر به قدمت تمدن این کشورهاست. تمام زندگی بر اساس این نظر سازمان یافته است و اگر نظام سنتی دگرگون شود، شاید خود زنان بیش از مردان یکه بخورند.

با این حال، حتی در چهارچوب برتری اجتماعی مردان، هر زن مالك يك قلمرو خصوصی و شخصی است و آن قلمرو چیزی است که در ذهنش می گذرد. یونسکو با قاطعیت به نظری که در اعلامیه بیان شده، پای بند است. بر مبنای این نظر، همه افراد بشر از مرد و زن و کودک، بدون در نظر گرفتن نابرابری های تحمیلی، حق مساوی در برخورداری از آموزش دارند. حق قرابت ذهن، حق مطلقاً اساسی است و تمام اصول دیگری را که در اعلامیه حقوق بشر است، می توان بر اساس این حق بنا کرد.

در بخشی از حقوق بشر یعنی در قسمت مربوط به پیش داوری های نژادی، یونسکو توانست موضع بسیار سخت و خشن بگیرد. نژادپرستان پیوسته در دلایل خود، به اصطلاح بدیهیات زیست شناسی، اجتماعی و تاریخی تکیه می کنند. یونسکو این امکان را داشت که برای جدا کردن حقیقت و تحریف واقعیات در استدلال نژادپرستان، به مشهورترین دانشمندان تاریخ طبیعی انسان، زیست شناسان و ژنتیک دانان مراجعه کند. بعد نظریات نژادشناسان، جامعه شناسان، تاریخ و حقوق دانان نیز به آن افزوده شد.

مجموع این بررسی ها، در گزارشی درباره نژادها و پیش داوری های نژادی انتشار یافت. در این گزارش، نژادپرستی به عنوان خطری برای صلح بین المللی و جنایتی علیه بشریت، محکوم شد. کشوری که به سبب اعمال سیاست «آپارتاید» شناخته شده است، از یونسکو خارج شد. سایر اعضا مصمم ماندند و در اصل، از اکتشافات آن دانشمندان جانب داری کردند.

«از نظر اصولی»، يك اصطلاح دیپلماتیک بسیار مفید است و برای هر گونه محدودیت بعدی، جا می گذارد. از نظر اصولی، تمامی دولت های عضو یونسکو، خدمت گزار صلح اند. اما از جنگ دوم جهانی تا کنون، صد جنگ بوجود آمده است و یونسکو در یکی از شماره های ماهنامه «پیام»، صورت دردناکی از آنها را عرضه کرده است.

پس واقعیات تقریباً به دوازده زبان در معرض نظاره جهانیان قرار گرفت. اما ساختن سلاح ها ادامه دارد و ملت ها همچنان بیش از دو میلیارد دلار در سال، یعنی در آمد سالانه تمام بخش فقیر جهان را به مصرف تهیه سلاح های عالی و بیش از پیش پیچیده و بغرنج می رسانند.

گویی افکار صلح جویانه بی که یونسکو در حسرت آنهاست، دور، حقیقتاً بسیار دورند و در مرداب های قدیمی در کوته فکری و خودخواهی فرو رفته اند.

پیروزی های یونسکو در اقداماتش، خود گواه خویشتن است. اما این گونه پیروزی ها، هنگامی که پیشرفت سریع نیست و دسته دسته مسائل جدید مطرح می شود، بیش از هر چیز دیگر از خاطره ها فراموش می شود.

در دبیرخانه و در محل فعالیت ها، افرادی با این استعداد نادر و شکفت انگیز وجود دارند که در مورد يك طرح تلاشی شدید بعمل آورند و از خلال جزئیات، اشتباه های بشری، کاغذبازی ها و تاخیرهای غیرمنتظره، بازهم قادر باشند که مدام به هدف غائی خود و یونسکو چشم بدوزند.

آموزش - علم - فرهنگ. افکار صلح جویانه، آزمایش عظیمی به روی افکار انسان ها در حال انجام است. در قرون گذشته، تصور یونسکو، چون نشانی از بی خبری و خیال بافی، با خنده روبرو می شد ... هنوز هم به آن می خندند. پیشرفت های یونسکو را با پرتو گذرا و نشانه فهمی که در چهره يك خواننده کتاب ظاهر می شود، می سنجند، با نفس بند آمده زنی ارزیابی می کنند که در حال عبور از گوشه دیوار، عبادتگاهی نورانی را رو در روی خود می بیند، بالبخندی قیاس می کنند که پس از ساعتها مطالعه به روی يك صفحه، هنگامی که معادله ثابت می شود و سادگی بدیهی راه حل آشکار می گردد، روی چهره نقش می بندد....

این پیشرفت ها، هنگامی سرانجام، امور به صورتی که باید، درمی آیند، بالخطات روشنائی و آرامش سنجدیده می شوند. تبسم ها، اندیشه ها و روشنائی گرفتن ها از شمار بیرونند. اما فهم یکی از آنها برای پی بردن به اینکه وجود دارند و بسیاری دیگر نیز بوجود خواهند آمد، کافی است. یونسکو تازه در آغاز کار است. بیست و پنج سال برای اقدام در راه مردم، زیاد نیست. آیا روزی همه ما تعلیم خواهیم یافت؟ آیا روزی کره ماه برای همگان، جایگاه زیبایی و طراوت خواهد بود، آیا همه ما برای زیبایی ها و افتخاراتی که از مخیله بشر بیرون آمده است، آمادگی خواهیم داشت؟

به نظر می رسد که این همه، بیش از اندازه ملکوتی باشد و در پرتو آنچه از انسان ها می دانیم، مطلقاً ناممکن جلوه کنند. اما مثل طرح مسافرت به ماه، درمان بیماری ها، و پیدا کردن کسی برای دوست داشتن، این هم فکری به راستی زیبا و امیدوار کننده است.

به خمیر مایه انترناسیونالیسم تبدیل ساخت، بی-شک آموزش فی‌نفسه، یکی از شرایط اساسی است، اما باید که به روی انترناسیونالیسم باز باشد و این فکر را رواج دهد که انترناسیونالیسم لازم و ضرور است. باید جهانی واحد، برای تمام انسانها وجود داشته باشد. و مضمون آموزش جز این نیست که انسانها، یکدیگر را درک کنند. تمام فعالیت‌های یونسکو، در این جهت انجام می‌شود...

آلوا میردال

مدیر سابق بخش علوم اجتماعی در یونسکو.

یک سیاست علمی

کسب استقلال سیاسی از طرف مستعمرات سابق، مسائل مربوط به استقلال اقتصادی، ذهنی، علمی و فنی آنها را حل نمی‌کند. قدرت علمی و فنی یک کشور، عبارتست از کارکنان علمی آن کشور و سطح و مجموع زیرینا و نهادهایی که امکان می‌دهند مسائل علمی و فنی را شناخت و حل کرد. در ۲۵ یا ۳۰ سال پیش، فکر یک سیاست علمی و برنامه‌ریزی علوم و کاربردهای آن، از نظر بسیاری از مردان سیاسی و حتی دانشمندان، فکری پوچ و باطل تلقی می‌شد. تعداد زیادی از کشورهای جوان و نواستقلال، می-کوشند تا یک شبکه مؤسسات علمی بوجود آورند و دستگاههایی رسمی برای کنترل عالی امور علمی و تخصیص منظم بخشی از بودجه به تربیت کارکنان علمی و انجام تحقیقات، مستقر

نمایند.

ویکتور کوودا

مدیر سابق بخش علوم انسانی و طبیعی یونسکو

در خدمت انسان

بیش از هر زمان دیگر لازم است که مجموعه قوانین و مقرراتی برای علم و تکنولوژی تهیه شود، تا هدفهای اخلاقی آن را مشخص کند، اصول کاربرد انحصاری آن در خدمت انسان را، به خاطر رشد و توسعه هم‌آهنگ بشر از حیث مادی و معنوی، بیان نماید.

قانون بین‌المللی باید انسان را در مقابل تجاوز ناشی از نوع جدیدی از تکنیک، یا اشکالی از تبلیغ، به زندگی خصوصی و استقلال فکری و اخلاقی او، حفاظت کند. این قانون هم چنین باید انسان را از خطر حاد و روزافزون آلودگی کامل محیط که نتیجه توسعه صنعت است، حفظ کند.

خصایا

معاون سابق مدیر کل یونسکو در امور بین-المللی و قضائی

نتیجه همبستگی

تمامی فعالیت‌های یونسکو، ناشی از سه نقش بزرگ و تفکیک‌ناپذیر (ذهنی، اخلاقی و اجرایی) آن، در رشد و توسعه آفریقا مؤثر بودمانند. از طرف دیگر این فعالیت‌ها می‌توانند انگیزه‌یی برای توضیح همبستگی فکری و اخلاقی باشند که همکاری بین‌المللی به خاطر رشد و توسعه، نتیجه آن است. بدین ترتیب، هم یونسکو آیدم-

آلی و هم «یونسکو واقعی»، هم یونسکوی ذهن و هم یونسکوی عمل است که در آفریقا، به خاطر رشد و توسعه کار می‌کند.

ویلیام اتکی - موموا

رئیس کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۶۸

فرهنگ مجموعه واحدی است

فرهنگ امروز باید بیش از هر زمان دیگر به گسترش و تعمیق گرایش داشته باشد. همه می‌دانند که دوره آنسیکلوپدست‌ها، متأسفانه به آخر رسیده است، و آینده علم و فرهنگ در دست متخصصانی است که بیش از پیش در محیط خاص فعالیت خود محدود می‌شوند. سالهاست که نتایج تأسفبار مقابله دو «فرهنگ» علمی و ادبی، با شدت و حرارت یادآوری شده است. فرهنگ دیگر نباید لرزان لرزان، در خود فرو رود، والا از میان خواهد رفت. به عکس، محیط، آموزش و علم باید آغشته به فرهنگ شوند والا فاجعه‌های بزرگی به بار خواهد آمد. باید گفت که فرهنگ، جامعیتی است و یکی از ناسامانی‌های دوران جدید، گسستن رشته‌هایی است که آنها را نه تنها با طبیعت بلکه با علم نیز پیوند می‌داد. ما امروز شاهدیم که تقابل اساسی فرهنگ و طبیعت، چه خطرات مرگباری برای هر دو به بار می‌آورد.

ژان دورسون

معاون دبیر کل شورای بین‌المللی فلسفه و علوم انسانی

خانواده ملل متحد

FMI



صندوق بین‌المللی پول
مقر: واشینگتن

AIEA



آژانس بین‌المللی نیروی اتمی
مقر: وین

UNESCO



سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی
ملل متحد
مقر: پاریس

ONU



سازمان ملل متحد
مقر: نیویورک

BIRD



بانک بین‌المللی توسعه و ساختمان
مقر: واشینگتن

UIT



اتحادیه بین‌المللی تله‌کمیونیکاسیون
مقر: ژنو

OMS



سازمان جهانی بهداشت
مقر: ژنو

UNRWA

دفتر امداد و اقدامات ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی

AID



انجمن بین‌المللی رشد و توسعه
مقر: واشینگتن

UPU



اتحادیه جهانی پست
مقر: برن

FAO



سازمان کشاورزی و خواربار جهانی
مقر: رم

FISE (UNICEF)

صندوق ملل متحد برای کودکان

PNUD

برنامه ملل متحد برای توسعه

SFI



شرکت مالی بین‌المللی
مقر: واشینگتن

OACI



سازمان بین‌المللی هواپیمایی
کشوری
مقر: مونترآل

OIT



سازمان بین‌المللی کار
مقر: ژنو

CNUCED

کنفرانس ملل متحد برای بازرگانی و رشد و توسعه

شورای بازرگانی و رشد و توسعه
سازمان توسعه صنعتی ملل متحد

کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان

GATT



سازمان بین‌المللی بازرگانی (موافقت-نامه عمومی درباره حقوق گمرکی و بازرگانی)
مقر: ژنو

IMCO



سازمان بین‌الدول مشورتی برای دریانوردی
مقر: لندن

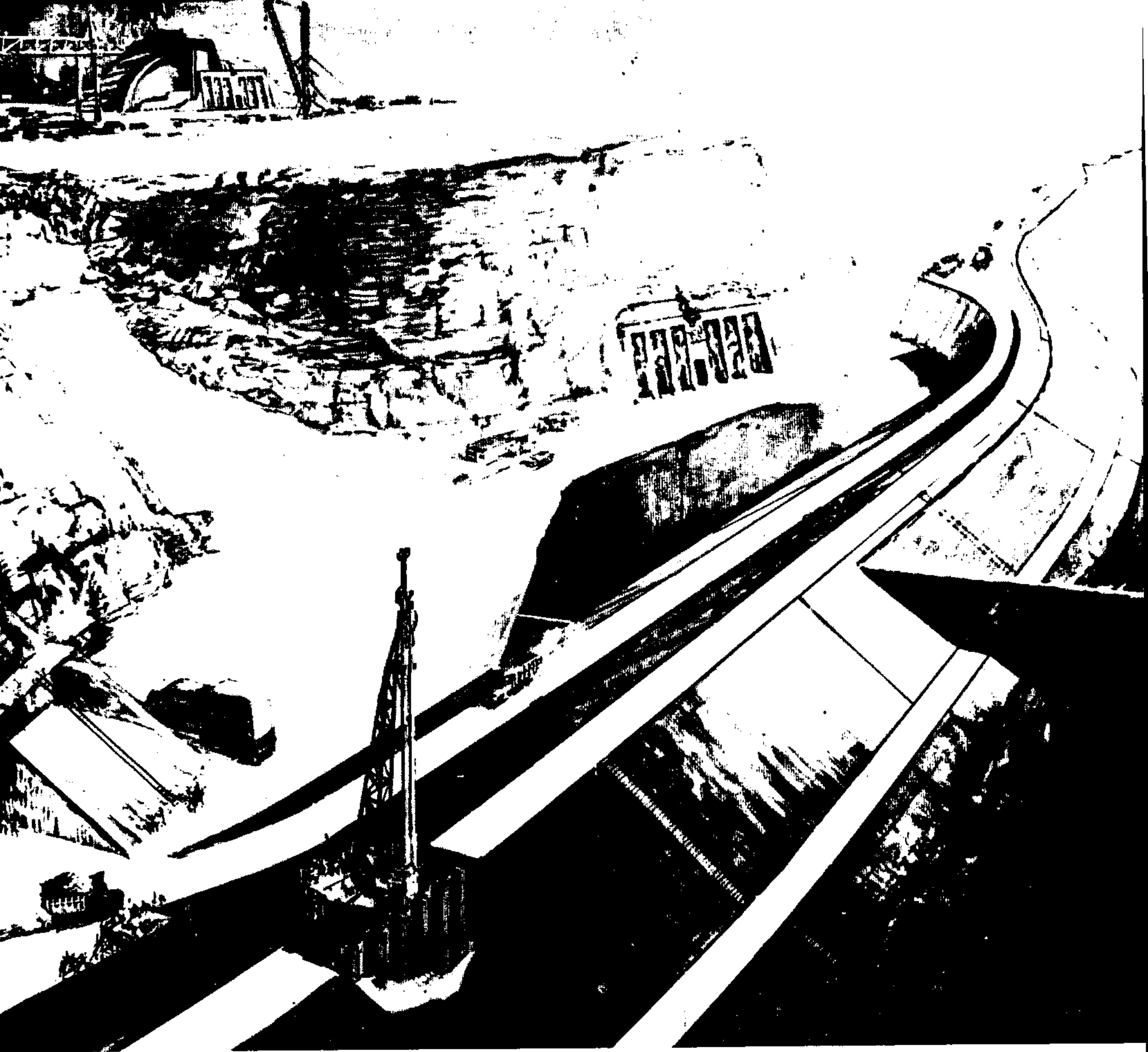
OMM



سازمان هواشناسی بین‌المللی
مقر: ژنو

دادگاه بین‌المللی داوری
مقر: لاهه



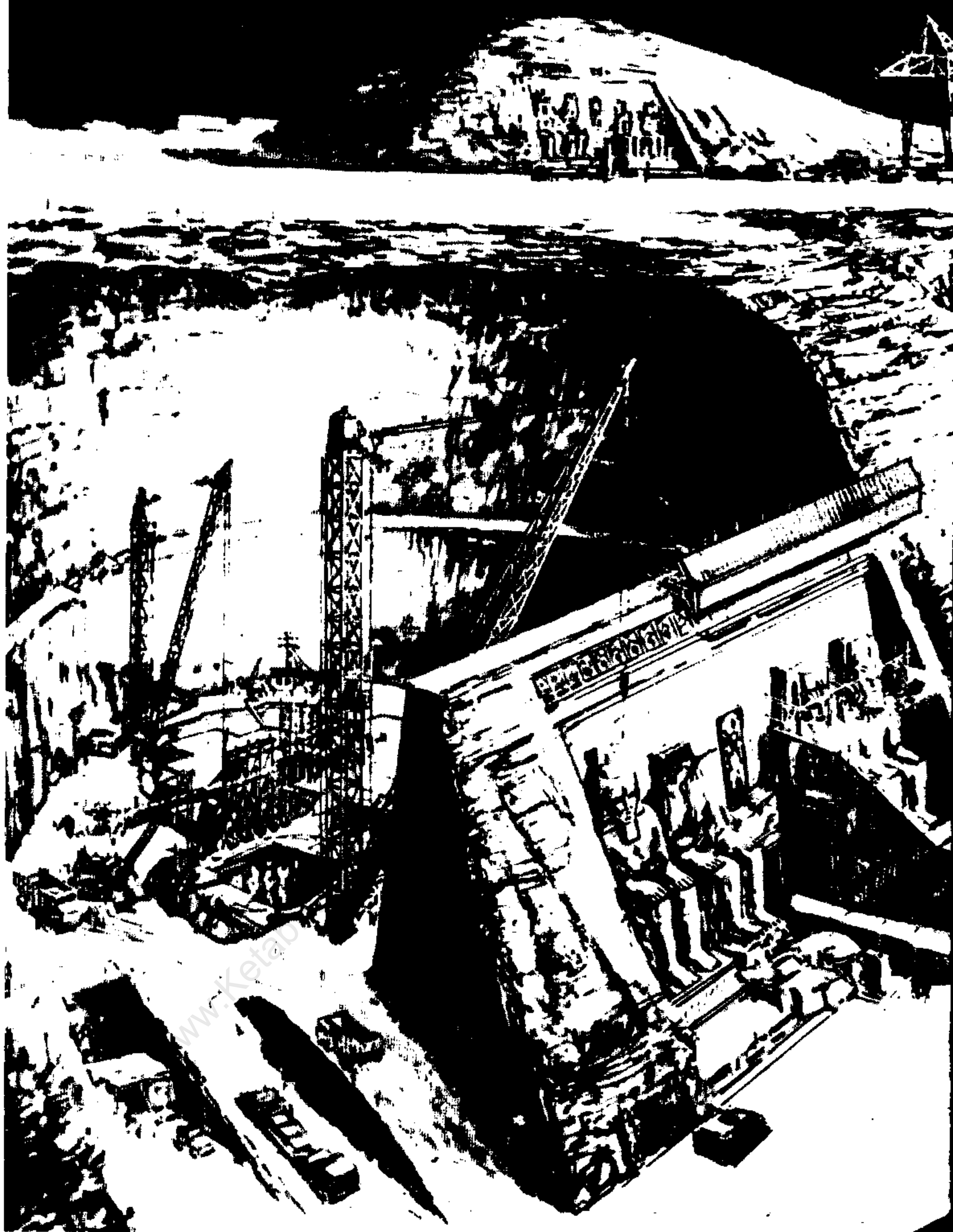


نوشته عبدالمنعم الصاوی

عبدالمنعم الصاوی، مدت دوازده سال، معاونت وزارت فرهنگ جمهوری متحد عربی را به عهده داشت. در این سمت بود که او مستقیماً، وظیفه رسیدگی به فعالیت بین‌المللی برای نجات نوبی را پیدا کرد. او در مقام نایب‌رئیس کمیته هم‌آهنگی در عملیات تغییر مکان معبد ابوسمبل، برنامه نجات را تا پایان سال ۱۹۶۹ زیر نظر داشت. آقای الصاوی دبیرکل انتشار ماهنامه پیام یونسکو به زبان عربی، و رئیس مرکز انتشارات یونسکو در قاهره است. این مرکز وظیفه دارد انتشارات مختلف یونسکو را به زبان عربی منتشر کند. الصاوی نویسنده‌یی است که آثار مختلفی به زبان عربی نگاشته است.

نوبی پیروزی وابستگی بین‌المللی

نجات معابد ابوسمبل که در حال رفتن به زیر آبهای نیل بود، نه تنها يك قدرت نمایی تكنيك مدرن محسوب می شود، بلکه نمونه اصلی نیز از همکاری بین المللی است. در عكس سمت راست، يك تصویر ساده و تقریبی از عملیات نجات دیده می شود. يك سد موقت که در قسمت جلوی تصویر مشاهده می شود، معبد رامسی را که در حال پیساده شدن است، از خطر آب حفظ می کند. معبد ملکه «نفرتاری» که كوچك تر است (سمت راست) هنوز به جای خود باقی است. جاده یی که جهت عملیات نجات ساخته شده است بموازات سد امتداد می یابد و به محل جدیدی منتهی می گردد که این دو معبد بالاخره به آنجا منتقل خواهند شد و روی يك بلندی که ۶۰ متر بالاتر از محل اصلی آنهاست، نصب خواهند گردید. برای بریدن این معابد در تپه یی که در آن خفر شده بودند، می بایست ابتدا ۴۰۰۰۰۰ تن سنگ را از سر راه برداشت. بعد خود معابد به تکه های ۳۰ تنی تقسیم شدند، به این ترتیب وزن كل این دو معبد رویهم به ۱۵۰۰۰ تن رسید. عملیات در سال ۱۹۶۴، با ساختمان سد موقت آغاز گشت و دو معبد در محل جدید خود، رسماً در ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۸ افتتاح شدند.



Drawing by Gunter Radtke-Hochtief

خالی گشت. درختان میوه و صیفی کاری ها از بین رفتند و بالا آمدن آب در عقب سد، آهسته آهسته و به نحوی اجتناب ناپذیر، جاده ها، نخلستان ها، مساكن، خطوط تلفنی و تلگرافی را به زیر گرفت. دست آخر تمام منطقه از هر نوع راه ارتباطی، کشت و غذا محروم شد. امنیت منطقه که در سابق توسط پلیس تأمین می شد، کم کم از بین رفت. در واقع فقط آبهای نیل و ریگ های صحرا به جای ماندند. اما در این صحنه خالی و پر عظمت، به زودی عملیات نجات فرهنگی بی سابقه یی آغاز گشت.

طی عملیات نجات نوبی که از سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۶۸ به طول انجامید، بیشك سخت ترین بقیه در صفحه بعد

شده را در «واحه» ابوسمبل، عماده، وادی السبو و قلبشه با تحسین نگاه می کند، واقعاً نمی تواند تلاش عظیمی را که لازمه این پیروزی بین المللی بوده است، حس کند.

نوبی به وسعت ۵۰۰ کیلومتر، بین سد آسوان در مصر، و آبشار دال در سودان قرار دارد. این منطقه در ساحل نیل، سرزمین آشفته یی با آب و هوای ناسازگار است، هیچ نوع تمدن شهرنشینی در آن نیست و تنها راه ورود به آن، راه آبی است.

هنگامی که ساختمان سد جدید آسوان شروع شد، اهالی بطور دسته جمعی مهاجرت کردند و در مدتی کوتاه، این منطقه از سکنه

فعالیت بین المللی برای نجات و کاوش امکانه باستانی نوبی، یکی از موفقیت های یونسکو طی بیست و پنج سال زندگی شمرده می شود. یازده معبد که با بالا آمدن آب در سد جدید آسوان در معرض خطر بودند، پیاده شدند و در محل جدید دوباره برپا گردیدند و در ضمن چهار معبد نیز پس از پیاده شدن، به پاس کمک کشورهای اسپانیا، امریکا، ایتالیا و هلند به عملیات نجات معابد ابوسمبل، به این کشورها اهدا گردید.

در حال حاضر، هنوز معابد فیلا باقی است که باید پیاده کرد و در جزیره اجلقیه که از خطر نیل در امان است دوباره سوار کرد.

امروز در نوبی، جهانگردی که معابد احیا

سالها، زمانی بود که می‌بایست اهالی محل را تخلیه کرد. این مهاجرت در سال ۱۹۶۳ به پایان رسید و نوبی چنان مرده و خالی شد که انکار هیچگاه انسان در آنجا زندگی نکرده است. و معذک «ساکنان» جدید، یعنی متخصصان، تکنیسین‌ها و کارگرانی که از مصر و سودان و بسیاری از کشورهای دیگر آمده بودند وارد مبارزه شدند و زیر آفتاب سوزان و در شرایطی خسته‌کننده، در عملیاتی که با پیام یونسکو در ۸ ماه مه ۱۹۶۵ شروع شده بود، وارد شدند.

بایادآوری مراحل مختلف این مبارزه، من می‌خواهم به زنان و مردانی درود بفرستم که در این ماجرای تاریخی شرکت کردند، یعنی به دانشمندان، مهندسان، هنرمندان، تکنیسین‌ها و کارگرانی که از تمام دنیا به آنجا آمده بودند.

در فصل کاوش‌ها، نوبی به یک صحنه بی‌سابقه بین‌المللی مبدل می‌شد. طی ماههای دراز تابستانی، سطح آب نیل در پشت سد آسوان پایین می‌آمد و دریچه‌ها را باز می‌کردند تا آب جریان پیدا کند. در این هنگام بود که گروههای باستان‌شناسی در نوبی به حرکت درمی‌آمدند و زمین را برای کشف ابنیه فراموش شده یا هر نوع بقایایی از یک تمدن باستانی، می‌کاویدند. این گروهها که روی آب در کشتی، و یا زیر چادرهای سفید زندگی می‌کردند، از سحرگاه تا هنگام ظهر به کار ادامه می‌دادند. بعد از ظهر تا شب، حاصل کار خود را انبار می‌کردند. و در تمام فصول، هر دوسوی نیل نورانی بود، زیرا دانشمندان به کار ادامه می‌دادند و تا آنجا که امکان داشت، در ایام فراغت خود نوعی زندگی اجتماعی برای خود ترتیب می‌دادند.

در این اردوگاهها، زبان‌های انگلیسی، فرانسه، چک، اسپانیایی، لهستانی، آلمانی، روسی، عربی و زبانهای دیگر به گوش می‌خورد.

در همه‌جای نوبی، یک روحیه بین‌المللی حکمفرما بود. این روحیه که به «روحیه نیل» مشهور شده بود، هر نوع تفاوت و اختلاف را محو می‌کرد و شبکه‌یی از همکاری و دوستی، وحدت و یگانگی ایجاد می‌کرد. همین روحیه در میان کسانی که به نجات معابد پرداخته بودند، رایج بود.

هر سال گروه‌های باستان‌شناسی، طی چندین ماه کار، کاوش را ادامه می‌دادند، و بعد با دست‌آوردهای خود به کشورشان بازمی‌گشتند. طی همین ماهها، گروههای مأمور پیاده کردن معابد نیز مشغول به کار بودند. تمام منطقه پراز کار و فعالیت بود.

لازم به یادآوری است که عملیات پیاده کردن و تغییر مکان دومعبد ابوسمبل، بلاانقطاع به مدت ۵ سال، از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸، علیرغم مشکلات

بزرگ مادی، ادامه یافت. این عملیات برای گروههایی که در آن شرکت داشتند، نوعی مسابقه بابالا آمدن آب نیل محسوب می‌شد.

چون قرارداد مربوط به نحوه نجات ابوسمبل در نوامبر ۱۹۶۳ به امضا رسید، ممکن نشد که پیش از شروع عملیات تأسیسات لازم ساخته شود. در واقع پیش از آنکه جهت‌گیری مبارزه بین‌المللی در قبال این مسئله خاص مشخص شود، ممکن نبود میلیونها دلار را در این کار به مخاطره انداخت.

بدین ترتیب لازم بود که ما به هر نوع راهی - حتی راههای ابتدایی - متوسل شویم. دو کشتی برای حمل و نقل باستان‌شناسان، مهندسان و تکنیسین‌ها به محل کارشان، تهیه شد. در ابتدا تأمین آذوقه نیز از راه آب صورت می‌گرفت. اما قدرت یخچال‌های ما آنقدر ضعیف بود که سبزی‌های تازه فوراً در زیر آفتاب سوزان، خراب می‌شد. دست‌آخر مجبور شدیم به غذاهای کنسرو شده اکتفا کنیم و برای جبران کمبود آن در مواد آلی، از ویتامین‌ها استفاده نماییم.

یک مسئله بزرگ دیگر، کمبود آب آشامیدنی بود. این مسئله را با ایجاد یک تصفیه‌گاه برای آب نیل حل کردیم. نان نیز فراوان نبود. در آغاز کار با استفاده از هواپیما، به ابوسمبل نان می‌رساندیم، بعد یک ناوایی درست کردیم.

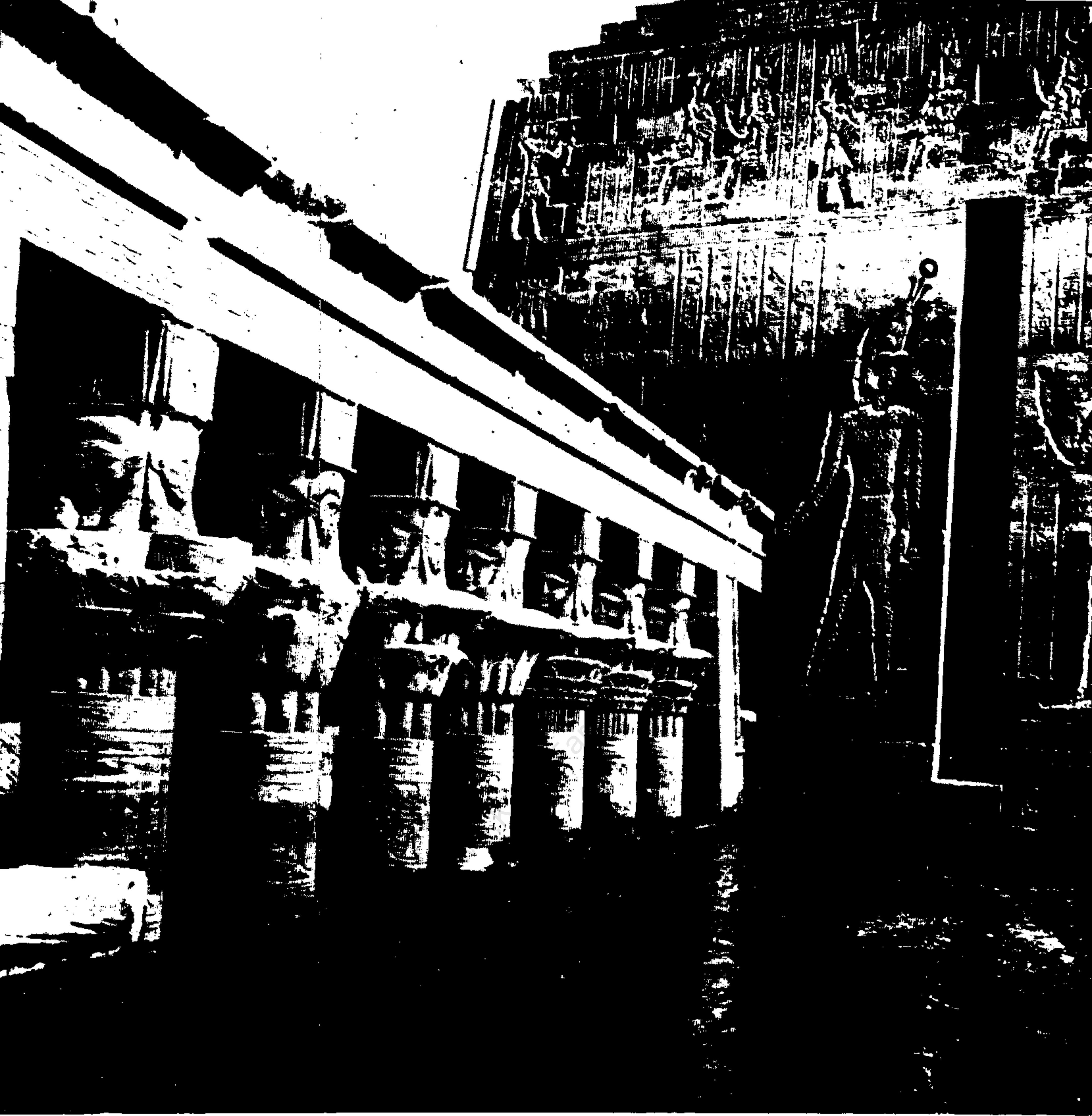
بدین ترتیب کم‌کم، به ساختن آنچه بعدها در ابوسمبل، دهکده رامسس دوم نام گرفت، پرداختیم. این دهکده امروز، زیباترین نقاط منطقه دریاچه سد بزرگ است. در حال حاضر این دهکده صاحب ساکنانی است و هتلی دارد که دارای برق و آب آشامیدنی است. همچنین یک استخر، چند زمین تنیس، یک بیمارستان، یک مسجد، یک دفتر پست و تلگراف، یک ایستگاه رادیو، یک پاسگاه پلیس و چند جاده سنگفرش در آنجا وجود دارد. باغهای زیبایی بوجود آمدند که دارای درختان میوه و سبزی‌کاری می‌باشند. از وقتی یک فرودگاه در ابوسمبل ساخته شد، ارتباط هوایی مستقیم با آسوان پیدا کرد.

بافعالیت در نوبی، یونسکو به‌چیزی بیش از یک هدف عمده خود، دست یافت. با اقدام به نجات میراث باستانی نوبی، یونسکو موفق شد از یک سو، گذشته‌ها را به حال بپیوندد، و از سوی دیگر توانست تمام کشورهای جهان را تحت یک آرمان گردهم آورد و ملت‌ها و مردمان را در وحدتی زنده، بهم نزدیک گرداند.

یونسکو بالاخره ثابت کرد که اگر جهان با حرکتی واحد و اراده‌یی مشترک، به‌جای هدر دادن نیروها و منابع خود در منازعات و جنگ‌های کوتاه‌نظرانه و خودخواهانه، به کاری سازنده دست زند، می‌تواند اختلاف‌های ملی را از میان بردارد.

Photo © Max-Pol Foucher

از زیر آبهای نیل،
باید فیلا را نجات داد



فیلا یا «مروارید نیل» را باید نجات داد. معابد این جزیره که بخش بزرگی از سال به زیر آب می‌روند، برای همیشه از دست خواهند رفت، مگر آنکه به سرعت آنها را پیاده‌کنند و در جزیره اقلیه که نزدیک جزیره فیلا است، دوباره رویهم سوار کنند. فیلا پایان یکی از خارق‌العاده‌ترین تظاهرات همبستگی بین‌المللی است و آخرین مرحله مبارزه بین‌المللی برای نجات معابد نوبی محسوب می‌شود. این عملیات امکان داد تا گنجینه‌های هنری و معماری ذی‌قیمتی که در نتیجه ساختمان سد آسوان، در جمهوری متحد عربی و سودان تهدید به نابودی می‌شد، نجات داده شود. برای نجات فیلا ۵ میلیون دلار تا سال ۱۹۷۶ لازم است که یک میلیون آن باید تا ژوئیه ۱۹۷۳، یعنی تاریخ شروع نخستین عملیات حفاظتی، فراهم شود. مخارج کل عملیات فیلا از پیاده کردن بناها تا سوار کردن مجددشان به ۱۳ میلیون و ۷۰۰ هزار دلار بالغ خواهد شد که یک‌سوم آنرا حکومت جمهوری متحد عربی می‌پردازد. تا ژوئن ۱۹۷۱، جمع کمکهای مالی داوطلبانه ۱۷ کشور که به درخواست یونسکو پاسخ داده بودند، به ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار رسید.

این کشورها عبارتند از جمهوری فدرال آلمان، بلژیک، کامبوج، کوبا، اسپانیا، فرانسه، غنا، هند، ایتالیا، ژاپن، کویت، لبنان، مالت، هلند، انگلستان و سودان، در این مبارزه بی‌سابقه تاریخی برای نجات، که امکان داد آثار هنری و فرهنگی ذی‌قیمتی برای تمام بشریت حفظ شود، کوشش بین‌المللی باید همچنان ادامه یابد. مدیرکل یونسکو، پیام ۶ نوامبر ۱۹۶۸ خود را برای نجات فیلا، خطاب به حکومت‌ها، موسسات، بنیادها و افراد خصوصی که مایل به موفقیت کامل این مبارزه بین‌المللی باشند، تکرار می‌کند. در عکس بالا، تصویری از «جزیره خدایان» دیده می‌شود، سمت چپ، «مامیسی»، معبد «هوروس»، پسر «ایزیس»، سرستون‌ها به شکل تصویر «هاتور»، ماده گاو شیردهی که مادر دلیاست، ساخته شده است. در سمت راست، خدایان مصر، جلوی در عظیم معبد ایزیس، به نگهبانی مشغولند، معماری معابد و مجسمه‌های معجزه‌آسای آن که بیش از ۴۰۰۰ سال عمر دارند، بیش از این نمی‌توانند در مقابل آبی که در سه چهارم از سال آنها را به زیر می‌گیرد، مقاومت کنند. باید عجله کرد...

واقعیات و ارقام

پیش از پایان سال ۱۹۷۱ انتشارش شروع شود، دارای مباحثی بشرح زیر است:

ادبیات، هنرهای تجسمی، معماری، موسیقی، شهرسازی، هنرهای نمایشی، تاریخ عقاید، و نیز تأثیر متقابل این رشته‌های مختلف و جامعه در حال تحول.

در چهارچوب برنامه برای نجات ونیز، یونسکو فهرستی از ۲۲۰۰۰ اثر هنری و صورتی از ۶۰۰ کاخ و کلیسا که باید حفاظت و مرمت شوند، تهیه کرده است.

از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۰، بیش از چهل هزار معلم ابتدایی در دانشسراها و مؤسسات تربیتی آموزش دیده‌اند. این مراکز از کمک یونسکو و برنامه ملل متحد برای رشد و توسعه برخوردار بوده‌اند. ۱۶۰۰۰ مهندس و تکنیسین متخصص از ۵۰ مدرسه‌ی فارغ‌التحصیل شده‌اند که همین کمک را دریافت می‌کردند. در زمینه آموزش، علوم و فرهنگ، بین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۷۰، دست کم ۱۶۷ طرح با مخارجی به مبلغ ۶۵۸ میلیون دلار، توسط یونسکو، برنامه ملل متحد برای توسعه و حکومت‌های مختلف به مرحله اجرا درآمده‌اند.

پیشرفت‌های بزرگ فنی در وسایل اطلاعاتی امکان داده است که از این وسایل برای آموزش و توسعه استفاده شود. گسترش کمی در نخستین دهه توسعه (۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰)، حیرت‌آور بوده است.

تعداد فرستنده‌های رادیو در آسیا و اروپا دو برابر شده و افزایش تعداد گیرنده‌ها، از اینهم بالاتر بوده است. تیراژ روزنامه‌ها در آسیا تقریباً دو برابر شده است. تعداد کشورهایی که دارای تلویزیون‌اند، در افریقا به چهار برابر، در آسیا به دو برابر و در آمریکای لاتین به سه برابر رسیده است.

کم مانده بود که اسم یونسکو UNESCO فاقد «S» باشد. در ابتدا این سازمان UNECO در نظر گرفته شده بود، یعنی سازمان آموزشی و فرهنگی ملل متحد، آرچبالد مک‌لش شاعر آمریکایی بود که به تفع «S» وارد کردن علم، دست به فعالیت زد. نخستین مدیر کل یونسکو، جولیان هکسلی، خود یک دانشمند بود.

امروز نزدیک به ۹۰۰ مدرسه ابتدایی، متوسطه و دانشسرای تربیت معلم از ۶۱ کشور، در طرح مدارس وابسته برای تفاهم بین‌المللی شرکت دارند. هدف مدارس عبارتست از توسعه همکاری بین‌المللی، بالابردن شناسایی در مسائل جهانی، فرهنگ‌های مختلف و حقوق بشر.

یونسکو در زمینه آموزش دست به یک تحقیق عظیم در تمام جهان زده است. تا کنون چهار مجلد شامل ۱۵۰۰ صفحه منتشر شده است که بررسی آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی را در کشورهای عضو یونسکو دربردارد.

طی دهه اخیر، کمک یونسکو به رشد و توسعه آسیا به ۸۰ میلیون دلار رسید. در اواخر سال‌های ۱۹۶۰، کمک سازمان ملل متحد و از جمله یونسکو به امر آموزش و فرهنگ، در آسیا، به ۳۰۰ میلیون دلار بالغ گشت. کمک‌های بین‌المللی اعم از حکومتی و غیر حکومتی، عمومی و خصوصی، چندجانبی و دوجانبی، به ۱۵۰ میلیون دلار در سال رسید.

فروش کوبن‌های یونسکو که ۲۱ سال پیش شروع شد و هدفش کمک به مؤسسات و افراد کشورهای با پول «ضعیف» در خرید لوازم تحصیلی و علمی بود، تا پایان سال ۱۹۷۰ به ۱۰۰ میلیون دلار رسید (آسیا ۶۰، افریقا ۲۵، آمریکای لاتین ۱۵).

برای نخستین بار در تاریخ، یک کنفرانس بین‌المللی بزرگ برای بررسی مسائل سیاست‌های فرهنگی در دنیای مدرن، تشکیل شد. ۸۸ کشور (که تقریباً نیمی از آنها وزرای فرهنگ خود را فرستاده بودند) در این کنفرانس که در سال ۱۹۷۰ توسط یونسکو و به ابتکار حکومت ایتالیا در ونیز تشکیل شد، شرکت کردند.

مرکز مطالعات عالی روزنامه نگاری برای آمریکای لاتین، که در سال ۱۹۵۹، به ابتکار حکومت اکوادور و دانشگاه مرکزی کیتو و با کمک یونسکو، در کیتو تأسیس شد، از آن پس نقشی اساسی در تربیت روزنامه‌نگاران و سایر صاحبان حرفه‌های خبری در این قاره برعهده داشته است.

هنگامی که در سال ۱۹۵۷، اجرای طرح بزرگ یونسکو برای توسعه آموزش ابتدایی در آمریکای لاتین آغاز شد، این منطقه دارای ۲۱۶۰۰۰ مدرسه ابتدایی بود، ده سال بعد این تعداد به ۳۰۰۰۰۰ رسید. درصد نسبت معلمان غیردبلمه از ۵۳ به ۳۷ تقلیل یافت. طی این مدت، ۱۵۰۰ مدرسه عالی ایجاد گردید.

در میان مشهورترین بناها و محل‌های باستانی که یونسکو در حفظ آنها همکاری کرده است، باید از موارد زیر نام برد:

پارتئون (یونان)، بقایای کاپادوس در ازمیر (ترکیه)، موهنجو - دارو (پاکستان)، غارهای آجنتا (هند)، پرسپولیس و پاسارگاد (ایران)، خرابه‌های پالمیر و دژ شوالیه‌ها (سوریه)، تیسفون و نینوا (عراق)، بقایای بعلبک (لبنان)، مجسمه‌های عظیم جنزیره پاک (شیلی)، معبد مایاها در بونامیاک (مکزیک)، کاخ‌های سلطنتی آبومه (داهومه). نخستین مأموریت یونسکو برای حفظ آثار که در معرض خطر بودند، در سال ۱۹۵۰ انجام شد، و آن هنگامی بود که زلزله، بخشی از محل تاریخی «کوزکو» در پرو را ویران کرد.

برای کمک به شکوفاتر شدن فرهنگ افریقا، یونسکو در ایجاد مؤسسات مختلف در کشورهای افریقایی همکاری کرده است. مرکز فدرال زبان-شناسی و فرهنگ در کامرون، مؤسسه علوم انسانی در گابون، مالی و چاد، مؤسسات مطالعات افریقایی در دانشگاه غنا، تانگانیکا، دانشگاه ایبادان، دانشگاه آدیس آبابا و غیره.

از میان ۱۰۷۲ میلیون نفر جمعیت هجده کشور آسیایی که عضو یونسکو می‌باشند، بیش از سه پنجمشان کمتر از ۲۵ سال دارند. تعداد جوانان مدرسه‌رو که در سال ۱۹۶۰، به ۱۱۱ میلیون نفر برآورد می‌شد، در سال ۱۹۶۷ به ۱۶۴ میلیون نفر رسید. آهنگ افزایش کودکان مدرسه‌رو، تقریباً ۷ میلیون نفر در سال است.

از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۸، بیش از بیست هزار نفر از بورسها یا هزینه‌های مسافرتی یونسکو استفاده کردند.

از میان این عده، ۱۱۰۰۰ نفر که ۱۷ درصدشان زن بودند، از بورس‌های تحصیلی یا کمک هزینه مطالعاتی استفاده کردند. بیش از ۸۰۰ کمک هزینه، مسافرتی به افراد تعلق گرفت (۵۵۳ تن از رهبران جوانان، ۱۵۰ تن از کارگران، ۲۷ تن از متخصصان آموزش کارگران، ۹۹ تن از رهبران سازمان‌های زنان، ۳۵ تن از استادان و دانشجویانی که به آموزش بزرگسالان مشغولند)، ۹۲۳ بورس دیگر به گروه‌هایی از کارگران داده شد.

۲۰ درصد از بورسها و کمک هزینه‌های تحصیلی یونسکو به افریقا داده شد، ۹ درصد به کشورهای عربی، ۲۷ درصد به آسیا و اقیانوسیه، ۱۶ درصد به اروپا و آمریکای شمالی، ۲۸ درصد به آمریکای لاتین و جزایر کارائیب. این بورسها به رشته‌های زیر اختصاص داشته است: تعلیم و تربیت (۴۳ درصد)، علوم طبیعی و تکنولوژی (۳۱ درصد)، علوم اجتماعی، علوم انسانی و فرهنگ (۱۴ درصد)، اخبار و اطلاعات (۱۲ درصد).

یک دانشکده علوم اجتماعی آمریکای لاتین، در سال ۱۹۵۸ با سرپرستی یونسکو در سانتیاگو (شیلی) تأسیس شد. این دانشکده که امروزه به یک مرکز تحقیق و آموزش قاره‌یی در جامعه شناسی مبدل شده است، دارای رشته‌های علوم سیاسی و مدیریت نیز می‌باشد.

برای مساعدت به رشد وسایل خبری در افریقا، یونسکو به تأسیس یک مؤسسه خبری در نایروبی (کنیا)، برای کشورهای انگلیسی زبان این منطقه کمک کرده است. برای کشورهای فرانسوی زبان، با کمک یونسکو، یک مرکز مطالعات علوم و فنون خبری در داکار (سنگال) تأسیس گردیده است. علاوه بر آن یک مؤسسه خبری نیز در دانشگاه لاکوس (نیجریه) ایجاد گردیده که به تربیت متخصصان آموزش سمعی و بصری می‌پردازد.

از سال ۱۹۶۵ به این سو، یونسکو به ساختن مدارس فنی کمک کرده است. این مدارس توانسته‌اند ۱۰۰،۰۰۰ شاگرد تربیت کنند و شرایط تحصیل را در بسیاری از کشورها بهبود بخشند.

بررسی مفصلی از فرهنگ آمریکای لاتین، پس از ۵ سال تحقیق و کار بین‌المللی، حال در شرف اتمام است. این اثر یونسکو که می‌بایست

یونسکو و ارزشیابی هدف‌ها و سیاست‌های مشخص دهه دوم توسعه

خلاصه‌یی از نطق مدیرکل یونسکو
در پنجاه و یکمین اجلاس شورای اقتصادی و اجتماعی

بمنظور پاسخ به نکات موردعلاقه مجمع عمومی ملل متحد در باب هدف‌ها و سیاست‌های مشخص یادشده، کنفرانس عمومی یونسکو در شانزدهمین اجلاسیه خود، قطعنامه‌یی تصویب کرد که از جمله مصوبات آن از مدیرکل یونسکو دعوت شده است که طرح‌های توسعه را در چهارچوب صلاحیت یونسکو با توجه به برنامه‌ریزی ملی، بمنظور کمک به کشورهای عضو، بنابه درخواست آنها و بمنظور بهبود کیفیت و بازده این طرح‌ها، ارزشیابی کند تا بدین ترتیب یونسکو بتواند وظائف خود را بطور مؤثر انجام دهد و پیشرفت‌های انجام شده را با توجه به لزوم کمک یونسکو نسبت به مطالعاتی که تصمیم به اجرای آنها از طریق قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد مربوط به دهه دوم توسعه اتخاذ شده، مرقباً تعیین کند و گزارش خاصی راجع به موقعیت نیمه دهه دوم به نظر نوزدهمین اجلاسیه کنفرانس عمومی یونسکو (۱۹۷۶) برساند.

به لحاظ بذل توجه بیشتر به این اطلاعات، در حدود امکانات موجود، تصمیمات بسیاری اتخاذ شده یا خواهد شد زیرا، اطلاعات مزبور ارزشیابی را، در زمینه بررسی مداوم خط‌مشی‌ها و طرح‌های توسعه، از برنامه‌ریزی غیرقابل تفکیک می‌داند. تحقیقات منظمی انجام یافته و روشی را که یونسکو می‌خواهد بدین لحاظ بکار بندد تعیین شده و در این مورد از همکاری ملل متحد و همه تأسیسات آن و نیز از مساعدت دول عضو که نقش آنها در تعیین ارزش‌ها الویت دارد، استفاده می‌شود. در این گفتار، تنها به بیان دوندکه اکتفا خواهم کرد زیرا مایلم بیشتر راجع به اساس کار صحبت کنم. نخستین نکته این است که پیچیدگی امر توسعه باعث می‌شود که به لزوم هرچه بیشتر افزایش نشانه‌هایی که موجب سهولت ارزش‌یابی است، پی‌بریم، البته این کار مستلزم پذیرش علائم کیفی مورد نیاز پدیده‌هایی است که، لااقل در موقعیت فعلی معلومات ما، توصیف آنها دشوار است ولی ما بخوبی می‌دانیم که این پدیده‌ها بسیار مهم و اساسی می‌باشند. نکته دوم اینکه ما هرچه، در ادراک عوامل عقب ماندگی پیشرفت حاصل می‌کنیم، پیوسته لزوم تغییر روش‌هایمان با توجه به موقعیت‌های مختلف، نمایان تر می‌شود. بدین لحاظ، تذکار خطری که از جانب استفاده بیحد میانگین‌ها متوجه ادراک ما از ارزش‌یابی می‌شود، سزاوار است.

در تجزیه و تحلیل موقعیت‌ها و تعیین مشخصات تحول، به لوازم و وسایل دقیق‌تری نیازمندیم. یونسکو که پیوسته در جهت پیشرفت تحقیقات و آموزش مربوط به مسائل توسعه در آموزشگاهها و مؤسسات عالی می‌کوشد، مایل است متخصصان علوم اجتماعی بدین لحاظ، نسبت به اصلاح روش‌های ارزش‌یابی سیاست‌های توسعه توجه و علاقه خاصی ابراز دارند.

ولی همانطور که گفتم، مایلم راجع به اساس این سیاست‌ها، چنانکه در زمینه صلاحیت یونسکو قرار دارد، گفتگو کنم. از

این رو منظور من از يك طرف محتوی و مسیر سیاست‌های دول عضو و از سوی دیگر، روش‌های همکاری بین‌المللی بمنظور خدمت به این سیاست‌ها خواهد بود.

راجع به سیاست‌های دول نظر من اینست که در سراسر جهان و در میان همه ملت‌ها و نظام‌ها، مفهوم توسعه و بدین ترتیب هدف‌های آن، البته بدرجات نامساوی و باشکال متنوع، در شرف تحولی سریع و عمیق است. این تحول را می‌توان بدین گونه خلاصه کرد که اگر رشد اقتصادی همیشه حقاً به عنوان شرط ضرور توسعه شناخته می‌شود، معذک کافی بنظر نمی‌آید؛ آنچه که پیش‌ازپیش در زمینه نیازهای آبناء بشر و شناخت آنان مهم بشمار می‌آید کیفیت زندگی است و رشد اقتصادی آن را ایجاد می‌کند و یا از طریق آن میسر می‌شود.

منظور از رشد چیست؟ این سؤال رئیس هیئت نمایندگان فرانسه پیوسته مطرح است و هر گونه سیاست و یا طرحی، در زمینه توسعه باید من بعد پاسخی برای آن بیابد. باید از جوانان معنون بود که فوریت خطر این سؤال را نمایان ساختند. زیرا احساس غریزی آنان نشان می‌دهد بدانگونه که تسلیحات، امنیت ملل و قدرت تندرستی آنان را تضمین نمی‌کند. تولید برای تولید نیز گواه فضیلت افراد و یا مصرف برای مصرف باعث سعادت آنان نیست. برخلاف آنچه که غالباً اظهار می‌شود، این رویه با شورش‌ها و گریزهایی که همراه دارد، خاص جوامع سرمایه‌داری مغرب‌زمین نیست و نه تنها بین جوانان بلکه تقریباً در همه جا بچشم می‌خورد.

هنگام تهیه و تدوین خط‌مشی دهه دوم توسعه، لزوم بذل توجه بیشتر به عامل انسانی مورد توافق کامل قرار گرفت و بدین جهت بکرات گفته شد که انسان عامل و هدف نهایی توسعه است. حق هم همین بود یونسکو نیز بخاطر اصلاحاتی که بدین لحاظ در خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها صورت گرفت، مسرور گشت.

ولی امروز از خود می‌پرسیم آیا در این راه واقعاً پیشرفتی حاصل شده است؟ با بررسی بیشتر بدین نتیجه خواهیم رسید که درباره آن قسمت که می‌گوید: «بشر عامل توسعه است» ترقیات مهم فکری و عملی صورت گرفته است و این امر مخصوصاً از اهمیت روزافزونی که به طرح‌های ملی و برنامه‌های بین‌المللی برای تعلیم و تربیت و علم قائل می‌شوند بخوبی نمایان است. اما راجع بآن قسمت که می‌گوید «بشر هدف نهایی توسعه است» آیا بطور جدی درباره مفهوم آن اندیشیده‌ایم؟ آیا چه در زمینه ملی و چه در زمینه بین‌المللی اختیارات افراد فنی در مورد اخذ تصمیم درباره محتوای این هدف زیاد از حد نبوده است؟ در صورتی که اگر جمله «بشر هدف نهایی توسعه» معنی و مفهومی داشته باشد، این بشر است، یعنی فرد است که باید در مورد خواست‌ها و نیازهای خود تصمیم بگیرد. توجه بیشتری به فرهنگ‌ها و روش‌ها و آثار آنها، مسلماً راهنمایی‌های

مفیدی در بر می‌داشت. پس این نخستین نکته‌یی است که اگر در مورد آن به تجدید نظر درباره هدف‌های معنوی خط‌مشی‌ها احتیاج نباشد، لااقل، سزاوار خواهد بود به تجدید نظر در روش‌ها و تحولاتی که ترجمان هدف‌های عینی موقعیت متنوع افراد است، میادرت و رژیم، مسلماً، برای عموم، شرکت در طرح‌ریزی و برای مسئولان، ادراک دقیق‌تر مفهوم بشر، ضرور است.

نظریه دیگر: هنگامی که هدف رشد یعنی دلیل موجودیت آن مورد بحث است، حتی در مواردی که مزایای آن کاملاً نمایان است، قابلیت امتداد آن یعنی مدت مورد شک و تردید قرار گرفته است. در حقیقت بی‌شمارند دانشمندانی که در مقابل اطلاق بی‌ملاحظه منابع و گسستگی غیرقابل جبران تعادل طبیعت که تمدن صنعتی مبین غم‌انگیز آن است، در خصوص امکان ادامه پیشرفت در شرایط فعلی، مرددند. از تخمین برخی از نمونه‌های ریاضی بر مبنای اطلاعات فعلی تراکم جمعیت و افزایش تولید و مصرف چنین بر می‌آید که کمتر از صد سال دیگر این رشد به آخرین حدود امکانات اکوسیستم کره مسکون می‌رسد، در نتیجه به بن‌بستی منتهی می‌شود که آبناء بشر بالاجبار راه‌گزین از آن را نمی‌یابند مگر از طریق يك سیستم قهقهرایی ناگهانی.

نتیجه این تحقیقات، تهیه مقدمات کنفرانس ملل متحد در استکهلم است که یونسکو نیز در تنظیم آن در زمینه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی مشارکت فعالانه دارد.

این هشدارها، چنانچه در مورد ترکیب اطلاعات، یعنی در زمینه موقعیت کلی بشر روی زمین، مورد استفاده و دقت قرار گیرد، بسیار سودمند خواهد بود. از این راه، دسترسی به دورنمای مسائل بشریت امکان‌پذیر خواهد بود و يك انضباط عمومی بمنظور بکار بستن راه‌حل‌های منطقی مورد نیاز مسائل در سراسر جهان، فراهم خواهد شد. از این رو، کنفرانس استکهلم آزمایشی بسیار مهم محسوب می‌شود.

در عوض، اگر نظریه تعیین موعد برای جلوگیری از رشد همه‌جانبی موجب تشویق اتخاذ روش‌های ضد رشد از جانب کشورهای پیشرفته در مورد مسئله عقب‌ماندگی که دوسوم بشریت با آن دست‌بگیر یابند بشود، بسیار زیان‌بخش و بدفرجام و کاملاً غیرقابل قبول خواهد بود. اکنون، بیش از هر وقت دیگر، در حالی که نوید يك جهان بی‌عیب و نقص داده شده است، بسیار ضرور است که در مورد تنظیم مناسبات بین‌المللی که شامل اشاعه جهانی معلومات، بررسی مجدد و منطقی حدود مبادلات و حتی استفاده از منابع می‌باشد، اندیشه‌یی نو بعمل آید و به مرحله اجرا درآید.

بدون شك این بهترین وسیله برای کاهش سرعت و افراط در تحولی است که دیر بقیه در صفحه بعد

یا زود کشورهای صنعتی را به این بست خواهد گشاد و نیز تنها وسیله‌ای است برای جلوگیری از ناآرامی ناشی از بی‌عدالتی مداوم. زیرا، نیاز به بندگرنیست که، مشکل توسعه، مسئله عدالت را نیز مطرح می‌کند. بدین ترتیب، برای آخرین بار به مفهوم کیفیت زندگی برمی‌خوریم که ضمن تهیه و تدوین و ارزشیابی خط مشی‌ها و سیاست‌های توسعه، باید به منظور هم‌صدابودن با نیازهای ملل، خاصه نسل‌های جوان، بدان توجه کنیم. زیرا کیفیت عالی زندگی در این است که سعادت، قدرت و افتخار به بهای صلح و ثروت و مقام دیگران بدست نمی‌آید.

گمان می‌کنم آنچه راجع به تحول و مفهوم توسعه در جهان اظهار داشتیم، کاملاً می‌رساند که درحقیقت دگرگونی ژرفی در مفهوم انسان اجتماعی صورت گرفته و این خود یک پدیده کاملاً اخلاقی است. درحقیقت، تمدن ما به یک مرحله بحران وجدانی گام نهاده است و مسلماً این امر بیش از نظرهای سودمند، اهمیت روزافزونی را توجیه می‌کند که درسیاست‌های توسعه برای تعلیم و تربیت، دانش و فرهنگ قائل شده‌اند.

تعلیم و تربیت کاملاً در مرحله پیشرفت و توسعه قرار دارد. این پیشرفت در کشورهای درحال رشد بسیار چشمگیر است زیرا در آنجا جهش قابل‌تحسینی که در بسیاری از موارد نیل به استقلال که از مشخصات سال‌های ۱۹۶۰ است مشوق آن جهش بوده است و بطور کلی، بمدد کوشش‌های غالباً دلیرانه، ازضریب رشد جمعیت نیز پیشی گرفته است. کنفرانس‌های ۱۹۷۰ مراکش برای کشورهای عرب و سنگاپور برای کشورهای آسیایی مبین این واقعیت است. بی‌شک سیاست‌های مزبور در زمینه توسعه و پیشرفت همچنان ادامه خواهد یافت، زیرا نه تنها جوابگوی نیازهای توسعه است که خود بمنزله ارتقاء ارزش منابع انسانی می‌باشد، بلکه پاسخی است به یک نیاز اخلاقی ژرف کلیه توده‌هایی که مصراً دسترسی به تعلیم و تربیت را به عنوان احقاق حق انسان از آن خود می‌دانند.

معذرت باید توجه داشت که در بسیاری از کشورها، چنانکه از تخصیص قسمت اعظم اعتبارات ملی به آموزش و پرورش پیداست، سیاست ترویج آموزش به آخرین حدود امکانات اقتصادی نزدیک می‌شود. و این امر مورد قبول کنفرانس منطقه‌ای وزیران آموزش و پرورش و یونسکو است.

اما، درعین حال، تجزیه و تحلیل روش‌های آموزش موجود نقایص جدی در زمینه بازده داخلی و تأثیر خارجی روش‌های مزبور را نمایان ساخت. آفت سنگین تعداد دانش‌آموزان طی دوره‌های تحصیلی (که مورد بحث کنفرانس بین‌المللی تعلیم و تربیت ۱۹۷۰ ژنو بود) این نکته را آشکار می‌ساخت و همچنین بی‌کاری تعداد بسیاری از دیپلمه‌های جوان دلیل دیگر این مطلب است. در این زمینه نیز، استنتاج‌های کنفرانس‌های منطقه‌ای صریح و قاطع می‌باشد.

«بحران تعلیم و تربیت» تحت صور سه گانه: «ضرورت اخلاقی» که به یک نیاز اجتناب‌ناپذیر سیاسی تبدیل شده، «محدودیت امکانات اقتصادی» و «نقایص فنی روش‌های آموزشی» خلاصه می‌شود و آن بحرانی است غیرقابل اجتر از که از بسیاری جهات، نتیجه توسعه و پیشرفت است و درعین حال سودمند و مفید می‌باشد، زیرا ما را به تجدیدنظر در باره اطلاعات اساسی مسائل و ابداع احساس‌های نوین برای موفقیت‌های فکری و اجتماعی و امیدارند.

لزوم تجدید بنای عمیق تعلیم و تربیت

مورد قبول همگان است. اگر هنوز دربارهٔ راجع‌هایی که مسلماً با توجه به موقعیت‌ها متفاوت است، توافق بعمل نیامده، معذرت نهضتی قوی نه تنها به نفع تجدیدنظر اصولی در مورد اصلاح قسمتی از روش‌ها بلکه در مورد کلیه روش‌های فعلی بچشم می‌خورد و بطور اساسی متوجه محتوی و هدف‌های تعلیم و تربیت است نه منابع و روش‌های اداری. در کنفرانس سنگاپور وزیران آموزش و پرورش کشورهای آسیایی متفقاً به نفع اجرای یک سیاست ابداعی اظهار تمایل کردند، بدین لحاظ که هم تنها وسیله برای ادامه توسعه و تعمیم آموزش است و هم بجهت آنکه مایل بودند نقش اساسی تعلیم و تربیت را به عنوان تحول اجتماعی و اصلاح کیفیت زندگی بدان بازگردانند.

در مورد علوم به تمایلات دوگانه از جانب دولت‌ها اشاره خواهیم کرد. این تمایلات بدون آنکه تازگی داشته باشد، همچنان روبه پیشرفت و افزایش‌اند تمایل نخست اهمیت روزافزونی است که برای اقدامات بزرگ در زمینه همکاری علمی و بین‌المللی قائل می‌شوند، از قبیل برنامه‌های کمیسیون اقیانوس‌شناسی بین دول، دهه آشناسی بین‌المللی، سیستم جهانی اطلاعات علمی و فنی UNISIST، انسان و کره مسکون و شبکه بین‌المللی ارتباطات زمین‌شناسی. تمام اینها برنامه‌هایی هستند از همکاری بین دول در زمینه رشته‌های مختلف و بسیار وسیع که یونسکو هماهنگی اجرای آنها را، با مساعدت جوامع علمی، به نمایندگی از طرف سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی صلاحیت‌دار و با همکاری نزدیک مؤسسات مشابه ملل متحد، تضمین می‌کند.

در زمینه طرح‌ریزی و اجرای این برنامه‌ها طبعاً کشورهای پیشرفته بسیار فعالیت‌رند و نقش اساسی ایفا می‌کنند. ولی کشورهای در حال رشد نیز نسبت به این مسائل توجه و علاقه دارند و مایلند برای شرکت در آن سهم بیشتری برعهده گیرند بنابراین بمنظور تحکیم زیربنا و ظرفیت علمی آنها، کمک باین کشورها ضرورت دارد. یونسکو، بویژه برای تربیت متخصصان، کوششی مداوم دارد و به آنها کمک می‌کند. و امیدوار است دولت‌های عضو بتوانند بطور مؤثر از منابع مالی بین‌المللی، خاصه برنامه ملل متحد برای توسعه، برخوردار شوند.

تمایل دوم مخصوص کشورهای درحال رشد است و آن درک پیش‌انگیزی دقیق‌تر اهمیت اساسی استقرار و ترویج علم برای اجرای شرایط توسعه پولی است و علیرغم کمبود منابع مادی و انسانی موجود، اراده قاطع به ادامه یک سیاست طویل‌مدت بدین لحاظ، و به موازات آن، افزایش مبادلات تکنولوژیک برای مقاصد اقتصادی مشخص در مدتی کوتاه‌تر. این امر موجب رضامندی یونسکو است که از تاریخ کنفرانس ۱۹۶۳ ملل متحد در مورد استفاده از علم و تکنولوژی در زمینه توسعه، تاکنون از جلب توجه نسبت به این ضرورت‌های اساسی برای پیشرفت فروگذار نکرده است. یونسکو، با توجه به حدود امکانات خود، می‌کوشد، چه در زمینه سیاست علمی در سطح دولتی و چه در زمینه تطبیق علم با جامعه، در سطح افراد، از طریق تعلیم و تربیت و اطلاعات، دولت‌های عضو را در مساعی خویش یاری کند.

ولی بدون شک چشمگیرترین تحول در سیاست‌های دول، طی چند سال اخیر، در زمینه فرهنگ بعمل آمده است. منظور من بیشتر اشاره به کنفرانس بین‌المللی دربارهٔ سیاست‌های فرهنگی است که در سپتامبر ۱۹۷۰ از طرف یونسکو در ونیز منعقد شد. از

این کنفرانس به عنوان یک واقعه تاریخی استقبال شد: زیرا از یک طرف مفهوم توسعه فرهنگی را، به عنوان یکی از ارکان توسعه کلی جامعه و یکی از شرایط اجرای مؤثر حق انسان به شرکت در فعالیت فرهنگی، پذیرفت و از سوی دیگر، در این کنفرانس، دولت‌ها بصراحت مسئولیت‌هایی را که در مورد تسهیل توسعه جامعه و شکوفاشدن فرد بر عهده آنها محول می‌شود، بدون آنکه مجوزی برای دخالت‌های مفرط خود در امر آزادی خلایق و انتقاد، که یکی از اصول فرهنگ است، بیابند، مورد قبول قرار دادند. کنفرانس عمومی یونسکو توصیه‌ها و استنتاج‌های کنفرانس ونیز را قبول کرد و حتی نتایج حاصله را، مورد تعمق قرارداد. می‌توان ازغان کرد که هم‌اکنون در مقابل نهضت هوشیارانه افکار و اراده مصمم دولت‌ها برای همبسته کردن و مدنظر قراردادن بعد فرهنگی درسیاست‌های توسعه، قرار داریم. هیچ عاملی نمی‌توانست بنحوی رضایت‌بخش‌تر تحول درک عمومی را درباره توسعه، درجهتی که خاطر نشان کردم، روشن سازد. زیرا انگیزه انتخاب اشخاص با توجه به ارزش‌های فرهنگی آنهاست و آنچه کیفیت زندگی را اصلاح می‌کند رفتار و سلوک فرهنگی است.

دقت در کیفیت تعیین مسیرهای کلی مزبور به نفع کنفرانس‌های منطقه‌ای وزیران فرهنگ که یونسکو قصد دارد طی چند سال آینده مجمعی از ایشان تشکیل دهد، بسیار جالب خواهد بود. مسلماً این مسیرها، درعین تنوع دارای اختلافات مهم در برخی از موارد خواهند بود که همچنان عمیق‌تر و مشخص‌تر خواهند شد. از هم‌اکنون، بنظر می‌رسد که در اغلب کشورهای در حال رشد، خاصه کشورهای آسیایی و افریقایی، سیاست فرهنگی یکی از عناصر کسب و تأیید شخصیت ملی است. بدین جهت، سیاست فرهنگی ضرورت حیاتی و فوریت بیشتری نسبت به توسعه دارد که می‌تواند خود را بایک پیشرفت بطلی سازگار کند. منظور از توسعه چیست؟ و یا چه نوع توسعه‌ای مورد نیاز است؟ درباره همکاری یونسکو در زمینه‌های مذکور در فوق باید گفت:

نخست، یونسکو، چنانکه از قطعنامه‌های کنفرانس عمومی برمیآید، توصیه‌های مجمع عمومی را مبنی بر اینکه کشورهای صنعتی باید یک درصد از محصول ناخالص ملی خود را به کمک به کشورهای درحال رشد اختصاص دهند، فوراً مورد تأکید و تأیید قرار می‌دهد. همان‌طور که بسیاری از صاحب‌نظران خاطر نشان کرده‌اند، این امر بسیار ضرور است تا کمک مزبور بتواند برواقعیات عدم تساوی موجود که پیوسته روبه گسترش و وخامت است، اثر گذارد. درغیراین صورت، کمک مزبور اعانه‌ای محسوب می‌شود برای تأمین راحتی وجدان. های قانع به بهای کم و انوقت تلاش‌ها حقیقی و عادلانه نخواهد بود.

یونسکو مایل است در چهارچوب کلی کمک به کشورها موقعیتی مناسب و شایسته برای همکاری بین‌المللی در نظر گرفته شود. برخورداری این همکاری از منابع کافی از راه توسل به طرق گوناگون بمنظور اجرا و بارور ساختن اقدامات مربوط دارای اهمیت بسیار است. ولی متأسفانه همیشه چنین پیش نمی‌آید. امکانات سازمان‌های بین‌المللی جنبه کیفی دارد، نه کمی و عقاید و افکار بیش از پول وسیله تلاش آنها می‌باشد. یونسکو نیز براین امر وقوف کامل دارد و بدین لحاظ است که این سازمان اهمیت بسزایی برای همکاری با دول عضو در مطالعه مسائلی که برای آنها ضمن اتخاذ تصمیم در زمینه

ده اثر مهم که بوسیله

یونسکو منتشر شده است

manuel de l'unesco
pour l'enseignement
des sciences

unesco



علاقه‌مندان می‌توانند کتابهای مذکور را توسط
دبیرخانه کمیسیون ملی یونسکو در ایران سفارش
و خریداری کنند.

نشریه یونسکو برای آموزش علوم

گنجینه‌ای از اطلاعات و آراء که توفیق جهانی یافته است
بها ۱۴ فرانک

تخصیلات در خارج. بورس‌ها و دوره‌های بین‌المللی

مجموعه‌ای شامل بیش از ۴۰۰۰۰۰ بورس که از طرف ۱۳۰ کشور اعطا شده است
بها ۲۴ فرانک

کاتالوگت رپروکسیون‌های نقاشی ۱۹۶۰-۱۹۶۹

مجموعه‌ای شامل بیش از ۱۵۰۰ شاهکار نقاشی که از میان آثار مهم انتخاب شده است
بها ۲۴ فرانک

هنر آموزش و هنرآموزختن

مقدمه‌ای بر روش‌ها و وسائل تازه مورد استفاده در آموزش عالی
بها ۱۴ فرانک

سالنامه آماری یونسکو، ۱۹۷۰

سینما، تلویزیون، کتب، مجلات و روزنامه‌ها، مدارس و غیره، در سراسر جهان
با جلد سلفون بها ۱۴۰ فرانک
با جلد شمشیر بها ۱۱۶ فرانک

استفاده از کره مسکون و حفظ آن

دانشمندان در مقابل مسئله اضطراب‌آور قرن ما
بها ۲۴ فرانک

عواملی برای سنمایی نو

تأثیرهای متقابل سینما و تلویزیون
بها ۱۲ فرانک

انقلاب کتاب

مطالعه‌ی چشمگیر بوسیله روبراسکاریت
بها ۱۴ فرانک

گرایش‌های تازه در مورد آموزش علوم

بها ۲۹ فرانک

هنرها و زندگی

مقام و نقش هنرها در جامعه

این اثر بوسیله یونسکو و مؤسسه انتشارات «وبر» منتشر شده است
بها ۴۸ فرانک

عینی بی‌شماری برای برقراری این بحث‌ها و
گفتگوها و همکاری مربوط به سیاست‌های
دولت‌های عضو را، لااقل در دسترس کشورهای
صنعتی قرار می‌دهد. از اینرو مقدمات تأسیس
یک مرکز اروپایی برای آموزش عالی در
۱۹۷۲ در بخارست، تشکیل مجمع از مسئولان
اروپایی سیاست‌های علمی و تشکیل کنفرانس
وزیران فرهنگ کشورهای اروپایی در
هلسینگی را تدارک دیده‌ایم. اینها از جمله
فرصت‌هایی هستند برای ترقیات نوین در
باره همکاری با یونسکو و امیدوارم حقیقتاً
مورد توجه قرار گیرد. شاید لازم بتذکر نباشد
که اینها فرصت‌هایی برای نیل به صلح و
دوستی هستند.

در خاتمه باید بگویم مسائل دهه دوم
توسعه در دیدگاهی کاملاً متفاوت از نظرگاه
دهه اول قرار دارد. توسعه، پیش‌ازپیش، معنی
تحول بخود گرفته و اشتغالات در زمینه رشد
که برای بسیاری از کشورها به‌عنوان یک امر
ضرور محسوب می‌شود، بایک علامت سؤال
اضطراب‌آور درباره هدف‌های این رشد و بایک
تشویش روزافزون درباره کیفیت زندگی همراه
است. تصویری از یک تمدن بعد از دوران
صنعت در افق خیال‌ها ترسیم شده است و چون
در عین حال همان‌طور که محسوس است،
دورنماهای سیاسی در زمینه‌های اساسی در
حال تغییر می‌باشد، از درک و احساس اینکه
درهای تاریخی نیز بروی پیش‌آمدها و سرنوشت
های نوینی روبه‌گشایش است، نمی‌توان
خودداری کرد.

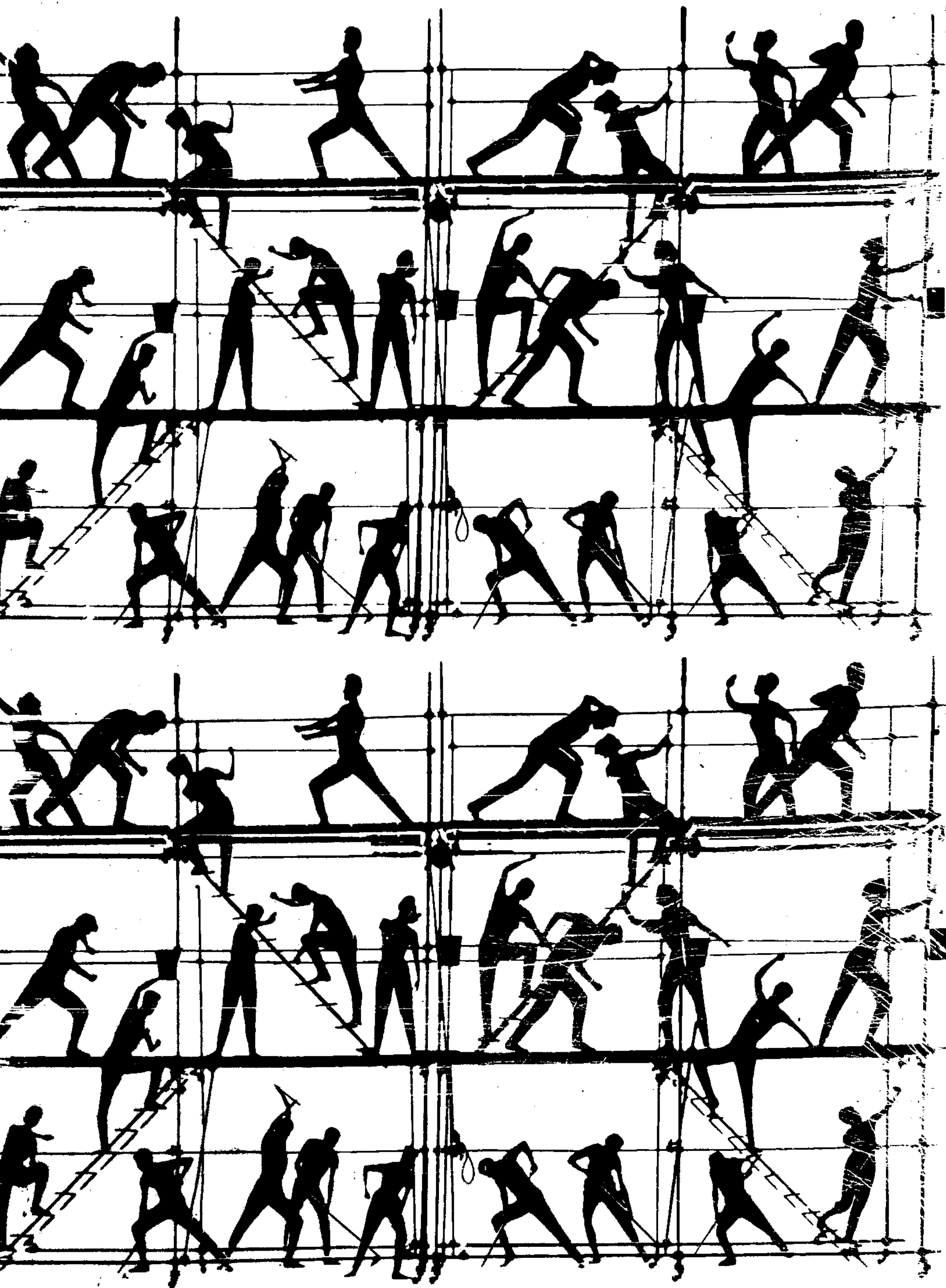
تحقق بخشیدن به یک گفتگو بین ادارات
یونسکو و مقامات ملی مأمور طرح‌ریزی همه
جانبی و طرح‌ریزی بخش‌ها، بر مبنای مطالعات
مقدماتی عمیق و در محیطی سرشار از اعتقاد
متقابل، هدف اساسی اقدامات مزبور است.
مقصود از این مباحث تعیین کمک‌ناچیزی
نیست که یونسکو ممکن است برای اجرای
برخی از طرح‌های مشخص در دسترس دولت-
های عضو بگذارد، بلکه این گفتگوها بیشتر
متوجه روشن کردن تصمیمات متخذه دولت‌ها
است تا آنها، در زمینه‌هایی که اولویت دارد
و یونسکو نیز می‌تواند معلومات، آزمایش‌ها
و نظرهای قابل توجهی در دسترس آنان
بگذارد، از منابع ملی خود، به‌بهترین وجه،
استفاده کنند.

امیدوارم این نوع مناسبات تنها به
کشورهای در حال رشد که به‌هر حال در آنجا
این همکاری تحت‌تأثیر منحرف‌کننده کمک
و مساعدت قرار می‌گیرد، محدود نشود. من
مایلم برقراری گفتگو در مورد سیاست‌های
دول و شرکت یونسکو در تحقیقات و اتخاذ
تصمیم دول پیشرفته نیز گسترش یابد.
یونسکو سازمانی است برای تبادل اطلاعات
متقابل، تفکرات و نظرهای دسته‌جمعی،
اقدامات مشترک و یک‌نواخت کردن فعالیت‌های
بین‌المللی که خدمات و عقاید آن در دسترس
عموم قرار دارد.

برنامه همکاری در سطح اروپایی که طی
چند سال اخیر همچنان روبه‌توسعه می‌باشد و
یونسکو به‌اجرای آن مبادرت کرده، امکانات

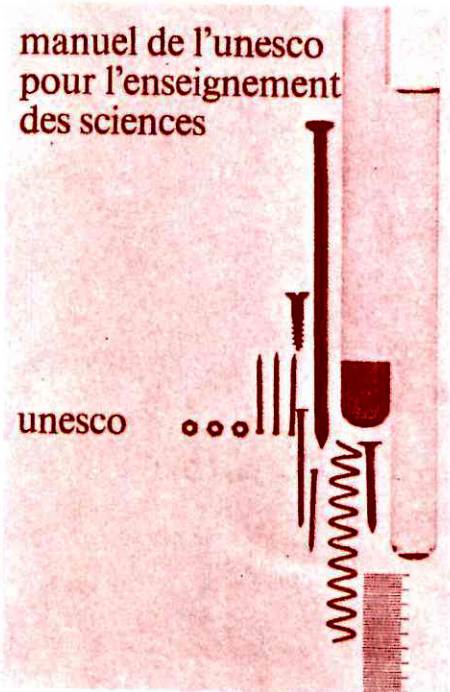
سیاست‌های ملی مطرح است، قائل می‌باشد.
یونسکو بخوبی می‌داند که وظیفه اصلی و آتیه
درخشان این سازمان بدان بستگی دارد. با
تنبیه و تنظیم دقیق کنفرانس‌های یونسکو
طی چند سال و از طریق مباحث و توصیه‌های
آنها که پیش‌ازپیش مشعرت‌ر بوده است،
دولت‌ها مفیدترین وسیله را برای روشن
کردن مسائلی کلی، پیشرفت عقاید عمومی و
طرح اولیه خط‌مشی‌ها برای تدوین برنامه‌های
ملی خود بدست آوردند. بدین ترتیب کمیسیون
بین‌المللی توسعه تعلیم و تربیت، بر سیاست
آقای ادگار فور تشکیل شده و دو وظیفه‌ی را
که بایشان محول کرده‌ام عبارت است از:
تشخیص بحران جهانی تعلیم و تربیت و
پیشنهاد یک سلسله از انواع مختلف خط-
مشی‌ها برای توسعه و تجدید بنای تعلیم و
تربیت، بنحوی که دولت‌ها و سازمان‌های
بین‌المللی بتوانند در تعیین مسیرهای تلاش
خود از آنها استفاده کنند.

امور برنامه‌ریزی جهت هر یک از
کشورها که طی سال جاری صورت گرفته،
افق‌های تازه‌ی برای همکاری مستقیم‌تر و
انفرادی‌تر با دولت‌های عضو گشوده است. با
اینکه این اقدامات مصممانه در بخش‌هایی که
در صلاحیت یونسکو قرار دارد و در مورد برنامه-
ریزی برنامه ملل متحد برای توسعه و بانک
بین‌المللی که نمایندگان آنها از نزدیک با
ما همکاری کردند، مورد استفاده قرار گرفتند،
معذرت‌تأخیر زیادی از چهارچوب برنامه-
ریزی و حتی مفهوم کمک نیز فزاینده‌اند.





ده اثر مهم که بوسیله یونسکو منتشر شده است



علاقه‌مندان می‌توانند کتابهای مذکور را توسط دبیرخانه کمیسیون ملی یونسکو در ایران سفارش و خریداری کنند.

سیاست‌های ملی مطرح است، قائل می‌باشد. یونسکو بخوبی می‌داند که وظیفه اصلی و آتیه درخشان این سازمان بدان بستگی دارد. با تهیه و تنظیم دقیق کنفرانس‌های یونسکو طی چند سال و از طریق مباحث و توصیه‌های آنها که بیش‌ازپیش مشرئمر بوده است، دولت‌ها مفیدترین وسیله را برای روشن کردن مسائلی کلی، پیشرفت عقاید عمومی و طرح اولیه خط‌مشی‌ها برای تدوین برنامه‌های ملی خود بدست آوردند. بدین ترتیب کمیسیون بین‌المللی توسعه تعلیم و تربیت، بریاست آقای ادگار فور تشکیل شده و دوظیفه‌ی را که بایشان محول کرده‌ام عبارت است از: تشخیص بحران جهانی تعلیم و تربیت و پیشنهاد یک سلسله از انواع مختلف خط‌مشی‌ها برای توسعه و تجدیدبنای تعلیم و تربیت، بنحوی که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بتوانند در تعیین مسیرهای تلاش خود از آنها استفاده کنند.

امور برنامه‌ریزی جهت هر یک از کشورها که طی سال جاری صورت گرفته، افق‌های تازه‌ی برای همکاری مستقیم‌تر و انفرادی‌تر با دولت‌های عضو گشوده است. با اینکه این اقدامات مصممانه در بخش‌هایی که در صلاحیت یونسکو قرار دارد و در مورد برنامه‌ریزی برنامه ملل متحد برای توسعه و بانک بین‌المللی که نمایندگان آنها از نزدیک با ما همکاری کردند، مورد استفاده قرار گرفتند، معذک تاحدود زیادی از چهارچوب برنامه‌ریزی و حتی مفهوم کمک نیز فراتر رفته‌اند.

نشریه یونسکو برای آموزش علوم

گنجینه‌ی از اطلاعات و آراء که توفیق جهانی یافته است
بها ۱۴ فرانک

تحصیلات در خارجه. بورس‌ها و دوره‌های بین‌المللی

مجموعه‌ی شامل بیش از ۴۰۰۰۰۰۰ بورس که از طرف ۱۳۰ کشور اعطا شده است
بها ۴۴ فرانک

کاتالوگ رپردوکسیون‌های نقاشی ۱۹۶۰-۱۹۶۹

مجموعه‌ای شامل بیش از ۱۵۰۰ شاهکار نقاشی که از میان آثار مهم انتخاب شده است
بها ۴۴ فرانک

هنر آموزش و هنرآموزختن

مقدمه‌ی پرورش‌ها و وسائل تازه مورد استفاده در آموزش عالی
بها ۱۴ فرانک

سالنامه آماری یونسکو، ۱۹۷۰

سینما، تلویزیون، کتب، مجلات و روزنامه‌ها، مدارس و غیره، در سراسر جهان
با جلد سلفاقن بها ۱۴۰ فرانک
با جلد شمیم بها ۱۱۶ فرانک

استفاده از کره مسکون و حفظ آن

دانشمندان در مقابل مسئله اضطراب‌آور قرن ما
بها ۴۴ فرانک

عواملی برای سنمایی نو

تأثیرهای متقابل سینما و تلویزیون
بها ۱۴ فرانک

انقلاب کتاب

مطالعه‌ی چشمگیر بوسیله روبراسکاریت
بها ۱۴ فرانک

گرایش‌های تازه در مورد آموزش علوم

بها ۴۹ فرانک

هنرها و زندگی

مقام و نقش هنرها در جامعه

این اثر بوسیله یونسکو و مؤسسه انتشارات «ویر» منتشر شده است
بها ۴۸ فرانک

عینی‌بی‌شماری برای برقراری این بحث‌ها و گفتگوها و همکاری مربوط به سیاست‌های دولت‌های عضو را، لااقل در دسترس کشورهای صنعتی قرار می‌دهد. از اینرو مقدمات تأسیس یک مرکز اروپایی برای آموزش عالی در ۱۹۷۲ در بخارست، تشکیل مجمع از مسئولان اروپایی سیاست‌های علمی و تشکیل کنفرانس وزیران فرهنگ کشورهای اروپایی در هلستینگی را تدارک دیده‌ایم. اینها از جمله فرصت‌هایی هستند برای ترقیات نوین در باره همکاری با یونسکو و امیدوارم حقیقتاً مورد توجه قرار گیرد. شاید لازم بتذکر نباشد که اینها فرصت‌هایی برای نیل به صلح و دوستی هستند.

در خاتمه باید بگویم مسائل دهه دوم توسعه در دیدگاهی کاملاً متفاوت از نظرگاه دهه اول قرار دارد. توسعه، بیش‌ازپیش، معنی تحول بخود گرفته و اشتغالات در زمینه رشد که برای بسیاری از کشورها به‌عنوان یک امر ضرور محسوب می‌شود، بایک علامت سؤال اضطراب‌آور درباره هدف‌های این رشد و بایک تشویش روزافزون درباره کیفیت زندگی همراه است. تصویری از یک تمدن بعداز دوران صنعت در افق خیال‌ها ترسیم شده است و چون در عین حال همان‌طور که محسوس است، دورنمای سیاسی در زمینه‌های اساسی در حال تغییر می‌باشد، از درک و احساس اینکه درهای تاریخ نیز بروی پیش‌آمدها و سرنوشت‌های نوینی روبه‌گشایش است، نمی‌توان خودداری کرد.

تحقق بخشیدن به یک گفتگو بین ادارات یونسکو و مقامات ملی مأمور طرح‌ریزی همه جانبه و طرح‌ریزی بخش‌ها، بر مبنای مطالعات مقدماتی عمیق و در محیطی سرشار از اعتقاد متقابل، هدف اساسی اقدامات مزبور است. مقصود از این مباحث تعیین کمک ناچیزی نیست که یونسکو ممکن است برای اجرای برخی از طرح‌های مشخص در دسترس دولت‌های عضو بگذارد، بلکه این گفتگوها بیشتر متوجه روشن کردن تصمیمات متخذه دولت‌ها است تا آنها، در زمینه‌هایی که اولویت دارد و یونسکو نیز می‌تواند معلومات، آزمایش‌ها و نظرهای قابل توجهی در دسترس آنان بگذارد، از منابع ملی خود، به‌بهترین وجه، استفاده کنند.

امیدوارم این نوع مناسبات تنها به کشورهای در حال رشد که به‌رحال در آنجا این همکاری تحت تأثیر منحرف‌کننده کمک و مساعدت قرار می‌گیرد، محدود نشود. من مایلیم برقراری گفتگو در مورد سیاست‌های دول و شرکت یونسکو در تحقیقات و اتخاذ تصمیم دول پیشرفته نیز گسترش یابد. یونسکو سازمانی است برای تبادل اطلاعات متقابل، تفکرات و نظرهای دسته‌جمعی، اقدامات مشترک و یک‌نواخت کردن فعالیت‌های بین‌المللی که خدمات و عقاید آن در دسترس عموم قرار دارد.

برنامه همکاری در سطح اروپایی که طی چند سال اخیر همچنان روبه‌توسعه می‌باشد و یونسکو به‌اجرای آن مبادرت کرده، امکانات